





انجمن نجات رژیم

ارگان سرکوبگر رژیم علیه خانواده‌های مجاهدین

جلد اول

فرشته یگانه



انجمن نجات رژیم

ارگان سرکوبگر رژیم آخوندی علیه خانواده‌های مجاهدین

فرشته یگانه

انتشارات امیرخیز - اشرف

اردیبهشت ۱۳۸۴

بها: معادل ۵۴ دلار

فهرست

۵	مقدمه - مقابله با «صورت مسأله» سرنگونی
۱۱	فصل اول - رؤیای نابودی مجاهدین
۲۳	فصل دوم - «انجمن نجات» ارگان پوششی سرکوب
۳۷	فصل سوم - نمایش اعزام خانواده‌ها به عراق
۵۳	فصل چهارم - رسوایی رژیم پس از دیدار مجاهدین با خانواده‌ها
۷۹	فصل پنجم - «سازمان غیردولتی» به سبک وزارت اطلاعات
۹۱	فصل ششم - کارزار ننگین رژیم در ارتباط با ارگانهای بین‌المللی
۹۹	فصل هفتم - نامه‌نگاریهای مجعول
۱۰۹	فصل هشتم - اشک تمساح آخوند یونسی
۱۲۳	فصل نهم - تبلیغ انجمن نجات در رسانه‌های حکومتی



مقابله با «صورت مسأله» سرنگونی

وظیفه مقدم ارگانهای سرکوبگر رژیم و به طور خاص وزارت اطلاعات رژیم آخوندی مقابله با «تهدید سرنگونی» از سوی مجاهدین و مقاومت ایران به عنوان صورت مسأله کل نظام است. مسأله بود و نبود همه جناحها تهدید مشترکی است که همگی در مورد آن اتفاق نظر دارند. اگر رژیم تهدیدی از این سو نمی دید، نیازی به چنین بسیج دیوانهوار و این همه زدوبند و اعمال فشار نداشت. اما تهدید به گونه یی است که رژیم آخوندی حتی یک گردهمایی و یک ملاقات سیاسی و یک مقاله را هم برنمی تابد. مثلاً وقتی هموطنانمان در آمریکا تجمع یا تظاهرات دارند، رفسنجانی شخصاً اعتراض می کند که چرا «تروریستها» در چندصد متری کاخ سفید» موجودیت رژیم را به چالش گرفته اند. سفیر رژیم در انگلستان برای روزنامه گاردین «اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران» را ارسال می کند که چرا به چاپ یک آگهی مبادرت کرده است. سفیر رژیم در فرانسه هم جای خود دارد که پس از هر دیدار و ملاقات رئیس جمهور مقاومت از یک کلیسا یا دیدار با یک شخصیت مذهبی مانند «آبه پیر» تا مسجد پاریس و از دیداری در سنای فرانسه تا پارلمان اروپا، راهی وزارت خارجه فرانسه می شود و بست می نشیند. وزیر خارجه رژیم یکبار در

ایتالیا به طور رسمی تصریح کرد «معیار صداقت» که همان ملاک معامله‌سنجی رژیم باشد، نحوه برخورد کشورها با «منافقین» است. این تازه در کشورهای غربی است که از روی آن می‌توان وضعیت رژیم در قبال مجاهدین در عراق را هم گمانه زد. از این رو، برای پاک کردن «صورت مسئله سرنگونی»، رژیم همیشه و در همه جا در صدد «حداکثر فشار» بر روی مجاهدین و مقاومت ایران بوده است. این کار با مجموعه‌یی از اقدامهای نظامی، تروریستی، امنیتی، سیاسی و جنگ روانی مستمر پیگیری می‌شود. در خلال جنگ آمریکا و عراق رژیم ملاها تلاش کرد از این فرصت حداکثر بهره را ببرد تا بتواند ضربه کمرشکن به مجاهدین وارد نماید و به خیال خودش اساساً صورت مسئله سرنگونی را پاک کند و از این بابت برای خود کیسه‌ها دوخته بود.

۸ ماه پس از جنگ و پس از خلع سلاح مجاهدین در عراق، یک «مقام امنیتی» اطلاعات آخوندی به نام علیرضا اکبری که خبرگزاری رسمی رژیم او را «کارشناس مسائل استراتژیک و استاد دانشگاه!» معرفی می‌کرد، گفت:

«اگر قرار باشد برخی از اعضای گروهک منافقین عفو یا مجازات شوند، بهتر است عفو یا مجازات آنها در ایران انجام شود... جداسازی بدنه که هیچ ملجأ و مرجعی برای ادامه زندگی ندارند، باید یکی از سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در قبال این گروهک باشد... ایران می‌تواند افراد محوری و تشکیل دهنده ساختار اصلی گروهک منافقین را تحویل بگیرد و محاکمه کند، باید در این مسیر ابزار دیپلماسی رسمی یعنی وزارت امور خارجه با ابزار دیپلماسی امنیتی یعنی وزارت اطلاعات هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. سیاست ایران مواجه کردن منافقین با نیروهای بومی مناطق داخلی عراق مثل نیروهای سپاه بدر و اکراد است. هدف محوری جمهوری ایران می‌بایست پاک کردن و حذف صورت مسئله این تشکیلات تروریستی باشد. اثرات ناامنی و منفی این گروهک نه تنها امنیت داخلی بلکه امنیت منطقه را به خطر می‌اندازد...» «کارشناس مسائل استراتژیک» در پایان استراتژی جمهوری اسلامی را چنین ذکر کرد: «جداسازی بدنه گروهک از مرکزیت و پذیرش عمده قوایی که پیاده‌نظام این گروهک بوده‌اند و نیز بازگشت و تخفیف برای اعضای این گروهک از

یک طرف پافشاری و تأکید بر ضرورت محاکمه و مجازات عناصر اصلی و محوری این سازمان از طریق فعالیتهای رسمی و دیپلوماسی امنیتی از طرف دیگر، می تواند بهترین رویکرد در قبال منافقین باشد» (خبرگزاری رژیم - ایرنا - ۲۵ آذر ۱۳۸۲).

اما تمام این توطئه ها نتوانست رژیم ملاها را به هدفش برساند بلکه با پایداری مجاهدین در شهر اشرف، ورق به زیان آخوندها برگشت. تاریخچه دو سال اخیر در یک کلام چیزی جز زورآزمایی و جدال سنگین و سهمگین بین مجاهدین و رژیم در نقطه کانونی اشرف نبوده است.

ما در این مجموعه می خواهیم به بخشی از این جدال سهمگین که مربوط به اقدامهای سرکوبگرانه رژیم علیه خانواده های مجاهدین و فشار آوردن به سازمان با اهرم «خانواده ها» است، پردازیم.

زیر ضرب بردن خانواده ها برای به کار گرفتن آنها علیه فرزندان و خویشاوندانشان، البته چیز جدیدی نیست. تاکتیکهای پست و ترفندهای رذیلانه ساواک شاهنشاهی و اطلاعات آخوندی به مثابه یک شیوه کار در دیکتاتوریهایی ارتجاعی، شناخته شده است و سازمان مجاهدین خلق ایران از سال ۱۳۵۰ تاکنون دست کم ۳۵ سال است که آنرا از نزدیک در رژیمهای شاه و شیخ تجربه کرده است. کشاندن خانواده به تاریکخانه، ضرب و شتم، تهدید و تجاوز، قطع آب و برق خانه هایشان، اخراج از کار، بلوف زدن، برگ رو کردن، شوکه کردن با خبرهای دروغین، مزاحمت از طریق لات و لومپنهای محله و حزب اللهیهای همسایه، فرستادن نامه های تهدید آمیز، جنگ اعصاب با تلفن، منبری کردن (اذیت و آزار و تهمت زدن و تحت فشار قرار دادن) یک خانواده در محله از طریق مسجد و آخوند محل، توقیف اموال و حسابهای بانکی و مشروط کردن آن به همکاری با وزارت اطلاعات برای جدا کردن فرد مورد نظر از مجاهدین، هم چنین قول شغل و پول و تجارت و درآمد برای افراد نیازمند یا افراد مال دوست، همگی «چشمه» هایی از لجن زار متعفن و پلشت اطلاعات آخوندی است. هستند خانواده هایی که در ربع قرن گذشته بارها و بارها با همین روشها تحت فشار قرار گرفته اند. مادران سالخورده ای که در این رابطه بارها کتک خوردند و دست یا پا یا فرق سر و دنده های آنها شکسته و پدران که سکه قلبی یا مغزی کرده اند.

برادرانی که از کار بیکار شده یا از مدرسه و دانشگاه اخراج شده‌اند و خواهرانی که اراذل اطلاعات آخوندی از فرط مزاحمت آنها را به خود کشی رسانده‌اند.

در یکی از این نمونه‌ها سال ۱۳۷۵ مقامهای وزارت اطلاعات به والدین دکتر عباس میناچی از اعضای باسابقه شورای ملی مقاومت مراجعه کرده و مدعی شدند که وی توسط مجاهدین زندانی شده است. و به این وسیله با تهدید و فشار از آنها خواستند علیه مجاهدین و مقاومت اقدام به افشاگری و شکایت نمایند.

سازمان بین‌المللی «پاکس کریستی»، در بیانیه‌ی که به‌عنوان سند در «سوکمیسیون منع تبعیض و حمایت از اقلیتهای ملل متحد» به ثبت رسید، در این باره نوشت: «وزارت اطلاعات و یک دیپلمات ایرانی در پاریس ضمن تماس با خانواده آقای عباس میناچی به آنها گفتند پسرشان توسط مجاهدین زندانی شده است. از این طریق، آنها والدین آقای میناچی را وادار کردند که به پروفیسور کاپیتورن، عفو بین‌الملل و سایر سازمانهای حقوق بشری نامه نوشته و نگرانی خود را ابراز دارند».

«سوکمیسیون منع تبعیض و حمایت از اقلیتهای ملل متحد» در قطعنامه خود در ۱۶ اوت ۱۹۹۶، از «اذیت و آزار فزاینده خانواده‌های ایرانیان تبعیدی در جمهوری اسلامی و فشارهای اعمال شده توسط تروریستهای مخفی دولت برضد ایرانیان خارج کشور با هدف وادار کردن آنها به همکاری در فعالیت علیه مخالفان در تبعید» ابراز نگرانی عمیق کرده است. در همان سال واشینگتن تایمز در این باره نوشت: «مأموران وزارت اطلاعات بیش از ۳۰۰۰ ایرانی تبعیدی را مورد تهدید قرار داده‌اند که اگر شورای ملی مقاومت ایران را محکوم نکنند، مورد تلافی قرار خواهند گرفت».

برای رسیدن به همین هدفها بود که اطلاعات آخوندی «انجمن نجات» تشکیل داد. این انجمن که یک از چهل واند ارگان سرکوبگر رژیم آخوندی است، در عمل با گروگان گرفتن خانواده‌ها و انواع تهدیدها و فشارها تلاش می‌کند آنها را وادار به موضعگیری علیه مجاهدین کند و با فرستادن خانواده‌ها به نزد مجاهدین افراد را جدا نموده و در قدم بعد به خدمت بگیرد.

کلمه «نجات» نیز در فرهنگ اطلاعات آخوندی، کلمه جدیدی نیست. درخیم فلاحیان (وزیر قتل‌های زنجیره‌یی) همراه با معاونانش سعید امامی و سعید حجاریان و

علی ربیعی، نظریه پردازان نجات رژیم از صورت مسئله مابه‌الابتلاء با شعار «نجات انسانها» از دست مجاهدین و شورای ملی مقاومت بودند. دژخیم حجاریان، شخصاً به همین منظور شاگرد جلاد اوین سعید شاهسوندی را به خارجه فرستاد. آخوند یونسی هم یکبار با اشاره به این که روشهای نظامی و سیاسی - که حدود ۳۵ سال در برابر مجاهدین به کار گرفته شده - جواب ندارد، گفت بنابر تجربه در مقابله با «منافقین» تنها «روش اطلاعاتی» فایده دارد.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت، در شهریور ۱۳۷۴ یک مأموریت «نجات انسانها» توسط مأموران وزارت اطلاعات را فاش کرد (ایران زمین - ۲۷ شهریور ۱۳۷۴). در این افشاگری، یک مأمور اطلاعات که خود را از مقامهای وزارت خارجه رژیم معرفی می‌کرد، شرح می‌دهد که چگونه وزارت اطلاعات ۲۴۰ هزار دلار برای خارج کردن سه مزدور نفوذی از اردوگاه پناهندگی در رمادی عراق هزینه کرده است. سه مزدور مزبور از سوی رژیم به «مأموریت نجات» در داخل مجاهدین و صفوف ارتش آزادیبخش فرستاده شده و سپس لو رفته و اخراج شده بودند.

در بهمن ۱۳۷۴، دکتر منوچهر هزارخانی در باره عملیات شکار یک هنرمند نزدیک به مقاومت از سوی اطلاعات آخوندها نوشت: «...» «سربازان گمنام» جهل و جنایت، برای «نجات انسانها» از ورطه مقاومت! از دادن هیچ نوع کمکی دریغ نمی‌کنند... کارنامه دستگاه جاسوسی و تروریستی رژیم آخوندها، موسوم به «وزارت اطلاعات»، برای همه روشن است... این هم که جنبش مقاومت ایران به ریشه کن کردن طاعون ولایت فقیه و حکومت آخوندی کمر بسته و در این راه سازش ناپذیر باقی مانده است، امری نیست که بر کسی - به‌ویژه بر پس‌مانده‌های درمانده خمینی - پوشیده باشد. هم از این‌روست که همه عوامل و کارگزاران رژیم در خارج کشور، مدتی است مأموریت یافته‌اند هر کار دارند زمین بگذارند و تا می‌توانند، در جهت لجن‌پراکنی به جنبش مقاومت ایران، کاغذ سیاه کنند یا گلو بدرانند» (ایران زمین - ۹ بهمن ۱۳۷۴).

در سال ۷۶ نیز فاش شد که خاتمی شخصاً دستورالعملی خطاب به وزارت

اطلاعات دربارهٔ مجاهدین و شورای ملی مقاومت و هواداران آنها صادر کرده و در آن گفته بود که جدا کردن «حتی یک نفر» از اینها برای نظام، ضروری و ارزشمند است. از این جا می توان به ابعاد سرکوب و توطئه علیه خانواده های اعضای مجاهدین و مقاومت ایران پی برد.

کتابی که در دست دارید نخستین جلد از مجموعه اسنادی دربارهٔ ابعاد حیرت آور این سرکوبی ضد انسانی و توطئه علیه مجاهدین و خانواده های آنها در اثنای مقاومت شکوهمند دو سالهٔ اخیر در اشرف است.

با سپاس از خواهران و برادرانی که گردآوری اسناد و مدارک و همچنین تحریر مطالب این مجموعه را به انجام رساندند، جلد نخست را به قهرمانان شهر شرف که توطئه های دشمن ضد بشری را در هم شکستند، تقدیم می کنیم.

فرشته یگانه

فصل اول

رؤیای نابودی مجاهدین



وزارت اطلاعات آخوندی چندماه قبل از شروع جنگ در عراق، خبر مجعول و کلیشه‌یی را در مطبوعاتش درج کرد که بر اساس آن مجاهدین درصددند در جریان حمله آمریکا به عراق عملیات سرنگونی رژیم تحت عنوان «فروغ ۲» را به اجرا بگذارند. همزمان برخی پاسداران سیاسی رژیم در خارج از جمله «حسین باقرزاده» برای جلوگیری از کشته شدن مجاهدین شروع به یقه‌درانی کردند تا از قربانی شدن دوباره مجاهدین جلوگیری شود و پی‌درپی مجاهدین را از چشم‌انداز «فروغ ۲» بر حذر می‌داشتند.^۱ در گام بعدی و به موازات شدت گرفتن بحران عراق سران نظام پوسیده ولایی، بسیج تبلیغاتی گسترده‌یی را علیه مجاهدین به راه انداخته و عاجزانه از آمریکا برای حمله نظامی به قرارگاه‌های مجاهدین، استمداد کردند. این حلقه‌یی از زنجیره توطئه‌ها و زدوبندهایی بود که رژیم با استفاده از شرایط جنگ و اشغال عراق، برای نابودی، متلاشی کردن، اخراج و استرداد مجاهدین و رزمندگان ارتش آزادیبخش، زمینه‌چینی می‌نمود.^۲

۱ - در همان ایام بخشی از این هماهنگیها با رژیم در نشریه مجاهد ۶۰۴ مورخ ۱۴ آبان ۱۳۸۱ یعنی ۵ ماه قبل از شروع جنگ عراق و توطئه‌های رژیم، رؤیای آخوندها و سرکرده پاسداران برای نابودی یا درهم شکستن مجاهدین افشا شده بود.

۲ - روزنامه واشینگتن پست - ۱۹ تیرماه ۸۱ خبر یک دیدار مخفی در ژنو بین مقامهای رژیم ایران و آمریکا جهت استرداد مجاهدین را منتشر کرد. این روزنامه نوشت: «در یک دیدار مخفی در ژنو، دو طرف مبادله دستگیرشدگان تروریست را بررسی کردند».

به این ترتیب، وزارت اطلاعات آخوندی در داخل کشور با فضا سازی و ایجاد یک جنگ روانی حول چشم انداز نابودی مجاهدین، جهت فشار بر خانواده ها و تضعیف روحیه آنها و علیه حضور مجاهدین در عراق، استفاده نمود.

برای اولین بار در ۶ آبان سال ۸۱ شماری از عوامل وزارت اطلاعات با تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در تهران به ابراز نگرانی برای فرزندان مجاهدشان که «اسیر گروهک تروریستی در عراق هستند» پرداختند. متعاقباً آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت طی نامه‌یی خطاب به دبیر کل ملل متحد، کمیسر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر، کمیسر عالی ملل متحد در امور پناهندگان، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمانها و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر، خاطرنشان کرد اگر آخوندها ریگی به کفش ندارند، اجازه بدهند هر کس نگران سلامتی و وضعیت فرزند یا خویشاوندان خود در قرارگاههای مجاهدین است، با هزینه مجاهدین به دیدار آنها بشتابد.^۳

البته مانند همیشه از این خانواده‌های موهوم، حتی یک نفر برای ملاقات به عراق نیامد و ماهیت توطئه گرانه این اقدام وزارت اطلاعات برملا شد.

در اسفند سال ۸۱ با شروع جنگ آمریکا در عراق، وزارت اطلاعات با صرف هزینه‌های کلان ایستگاه رادیویی «نجات» را برای پخش برنامه در داخل عراق تأسیس نمود که در سراسر عراق قابل دریافت بود. در شرایطی که همه مجاهدین قرارگاههای خود را تخلیه کرده و به دلیل بمبارانهای مهیب به سنگرهای خارج قرارگاههای خود منتقل شده بودند، وزارت اطلاعات برای هرچه بیشتر تحت فشار قراردادن اعضای مجاهدین و تأثیرگذاری بر روی آنها (آن هم در شرایطی که تنها امکان ارتباطی موجود به دلیل شرایط جنگی رادیو بود) با وارد کردن فشارهای مستمر خانواده‌های مجاهدین را به پای مصاحبه با این رادیو می‌کشاند تا فرزندان خود را به بازگشت به نزد رژیم دعوت کنند. وزارت اطلاعات با پخش شایعاتی از قبیل «گرسته و بی‌ن‌و آب ماندن مجاهدین به دلیل شرایط جنگی، آواره شدن آنها در بیابانهای عراق و ... نابودی تشکیلات مجاهدین و ارتش آزادیبخش و ...» تبلیغات گسترده‌یی به راه انداخت تا خانواده‌های مجاهدین را وادار به پذیرش خواسته‌های خود نماید.

۳ - اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت، ۸ آبان ۱۳۸۱.

در همان هفته‌های اول پایان جنگ و سقوط حکومت عراق، از اردیبهشت ۱۳۸۲ وزارت اطلاعات تلاش کرد از طریق رسانه‌های دولتی «انجمن نجات» را یک انجمن غیردولتی معرفی کند که برای نجات جان مجاهدین «در بند» - بخوانید برای نجات جان رژیم روبه‌مرگ آخوندی - تلاش می‌کند. اطلاعات آخوندی بلافاصله در اغلب استانه‌ها توسط مزدوران خود اقدام به تأسیس شعبه این انجمن کرده و خط فشار و تطمیع و سرکوب خانواده‌های مجاهدین را تشدید نمود.

طی نیمه اول سال ۱۳۸۲، وزارت اطلاعات در چهار نوبت مختلف اقدام به جمع کردن اجباری خانواده‌های مجاهدین و به‌ویژه پدران و مادران سالخورده در مقابل سفارت سوییس (دفتر حفاظت منافع آمریکا در تهران) و دفتر سازمان ملل متحد و در هتل المپیک نمود. هدف از برگزاری چنین تجمعهایی نگران‌نمودن خانواده‌ها نسبت به سلامت فرزندان و تبلیغ این خط رژیم بود که فرزندان مجاهد آنها به‌زور در عراق نگهداشته شده‌اند و باید به ایران بازگردند.

روز چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۸۲، خانواده‌های شماری از مجاهدین که بر اساس طرح وزارت اطلاعات اغوا شده بودند برای تظاهرات علیه سازمان مجاهدین در مقابل دفتر مرکزی سازمان در بغداد تجمع کردند.

وزارت اطلاعات که از چندماه پیش روی این طرح کار کرده بود، تحت پوشش انجمن نجات این خانواده‌ها را با وعده دیدار فرزندان، چندروز پیش از آن، در شهر مرزی مهران جمع کرده بود. پس از توجیه خانواده‌ها توسط مأموران وزارت اطلاعات، آنها را راهی عراق نموده و در هتلی به نام «الدهوی» در شهر کاظمیه مستقر کرد. در کاظمیه عوامل اطلاعات نزد خانواده‌ها و انمود می‌کردند که مجاهدین اجازه دیدار با فرزندان را نمی‌دهند و باید برای دستیابی به دیدار فرزندان، تظاهراتی علیه مجاهدین برگزار کنند. مأموران رژیم پلاکاردهایی به زبان عربی و انگلیسی با شعارهایی علیه مجاهدین به دست خانواده‌ها داده و آنها را به محل دفتر مجاهدین در بغداد بردند. خبرنگار تلویزیون عربی زبان رژیم آخوندی - «العالم» - نیز در تمام مراحل از آنها فیلمبرداری می‌کرد.

خانواده‌ها به مجرد شنیدن توضیحات نمایندگان مجاهدین و بعد از این که متوجه شدند این سازمان از دیدار خانواده‌ها با فرزندان به غایت استقبال می‌کند، نسبت به سوءاستفاده

رژیم از عواطفشان ابراز انزجار کرده و می گفتند همه مردم ایران از آخوندها متنفرند و بی صبرانه خواستار سرنگونی آنها هستند. سازمان مجاهدین خلق همان روز با صدور اطلاعیه‌ی آمادگی خود را برای فراهم کردن تسهیلات لازم جهت دیدار این خانواده‌ها با فرزندان‌شان، مورد تأکید قرار داد و تکرار کرد که درهای قرارگاه‌های مجاهدین به روی خانواده‌ها باز است. این خانواده‌ها در پی افشاگری اعضای دفتر مجاهدین در بغداد به قرارگاه اشرف رفتند و به مدت چندروز با فرزندان‌شان دیدار کردند.

این نمایش به غایت ضدانسانی و به بازی گرفتن عواطف و احساسات خانوادگی برای مقاصد سیاسی علیه مقاومت، طی سال ۸۲، ۴ بار دیگر تکرار شد.

مهمترین سرمایه گذاری رژیم در این زمینه، صدور حکم شورای حکومتی مبنی بر اخراج مجاهدین از عراق و استرداد آنان بود. این حکم که توسط عوامل رژیم در شورای حکومتی موقت عراق صادر شده بود، به خوراک یک جنگ روانی دیگر علیه مجاهدین تبدیل شد. وزارت اطلاعات با به کارگیری ارگان سرکوبگر نجات و با استناد به خبر انتشار این حکم و با هیاهو و دروغ‌سازیهایی نجومی به خانواده‌های مجاهدین چنین وانمود کردند که اگر همین روزها به ملاقات فرزندان خود نروید، آنها تا ۲۰ روز دیگر به آفریقا فرستاده می‌شوند!! و به این ترتیب بار دیگر با جوسازی و سرهم‌بندی مثنی ترهات آخوندی، خانواده‌ها را تحریک به اعزام به عراق جهت بهره‌برداریهای سیاسی خود نمودند.

اما وقتی دشمن از این روشهای غیرانسانی و تشبثات مذبحخانه طرفی نبست، تلاش کرد به کمک مثنی بریده و امانده از مبارزه و عوامل استخدامی خود در پوشش انجمن نجات، بر خانواده‌های مجاهدین تأثیر بگذارد و آنها را مجبور کند که به دیدار فرزندان خود در اشرف بروند و تلاش کنند طی روزهایی که در اشرف حضور دارند، فرزندان خود را به خروج از تشکیلات مجاهدین و گرفتن امان‌نامه! از وزارت اطلاعات ترغیب نمایند.

همزمان با این اقدامها که به تنهایی در شمار موارد آشکار نقض حقوق بشر هستند، وزارت اطلاعات از خانواده‌های مجاهدین، جهت انجام تظاهراتی در مقابل ارگانهای بین‌المللی یا سفارتخانه‌های سوییس، فرانسه و انگلستان در تهران استفاده کرد. تلاش

برای بهره‌برداری جهت ارسال نامه به ارگانهای بین‌المللی و مراجع قضایی کشورهای مختلف اروپایی و اقدامهایی جهت تشکیل پرونده‌های حقوقی علیه مجاهدین در خارج از ایران نیز بخش دیگری از این توطئه‌های هدایت‌شده توسط وزارت اطلاعات بود که به موازات هم و به‌منظور درهم‌شکستن تشکیلات مجاهدین طراحی شده بود.

در راستای این اهداف ضدبشری بخشی از سایر ارگانهای سیاسی و سرکوبگر رژیم همکاری گسترده‌یی با این وزارت‌خانه دارند. وزارت دادگستری، امور خارجه و سفارتخانه‌های رژیم در کشورهای مختلف، ازجمله این ارگانها هستند.

یونسی، وزیر اطلاعات رژیم، در ۱۳ مهر ۸۳ طی مصاحبه‌یی با شبکه دوم تلویزیون رژیم در این زمینه گفت: «در خصوص مهار شرارت منافقین یا گروههای تروریستی، وظیفه اصلی و ذاتی وزارت اطلاعات است و همه ساز و کارهایش را هم در اختیار دارد. یعنی تنها نهادی که موظف است با اون برخورد کنه، وزارت اطلاعاته و همه نهادها هم موظفند با اون همکاری بکنند. یعنی در اونجا وزارت اطلاعات در مرکز هماهنگی قرار داره و محور هماهنگی است. یعنی همه سازمانها، نیروهای مسلح، نیروی انتظامی، همه نهادها، همه اونجا با محوریت وزارت اطلاعات کار می‌کنند... ضمن این که اونجا شرارت منافقین یا همه گروههای به اصطلاح تروریستی، یک کار برون مرزی است. یعنی یک تشکیلاتی است که در خارج سازماندهی می‌شه و در داخل اجرا می‌شه...»



دعوت مسئول شورای ملی مقاومت برای بازدید خانواده‌ها از قرارگاه‌های مجاهدین در پاسخ به صحنه‌سازیه‌ای مسخره رژیم آخوندی

مقاومت ایران اعمال فشار بر روی خانواده‌های رزم‌آوران آزادی، بسیج تبلیغاتی و صحنه‌سازی وزارت اطلاعات رژیم ملایان در مقابل دفتر ملل متحد در تهران را قویاً محکوم می‌کند و آن را واکنش زبانه در برابر محکومیت‌های جهانی رژیم و اعتراض‌ها و تظاهرات گسترده هموطنانمان در خارج ایران می‌داند. ادعای رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومت آخوندی مبنی بر «تجمع اعتراض آمیز» خانواده‌های مجاهدین که «فرزندانشان اسیر گروهک تروریستی در عراق» هستند و «نگران سلامتی» آنها می‌باشند، هیچ‌کس را در داخل ایران نمی‌فریبد. مردم ایران قتل عام زندانیان مجاهد را به یاد دارند و صحنه‌های قساوت بار شلاق‌زدن و حلق‌آویز جوانان با جراثقال در ملاءعام را هم هرروز به چشم می‌بینند.

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران اشک تمساح آخوندها و نگرانی آنان از بابت سلامتی مجاهدین در خاک عراق را نعل وارونه گفتارهای عمامه‌داری توصیف کرد که وقتی ۷۷ فروند موشک کشتار جمعی آنها مؤثر واقع نشده است، اکنون عاجزانه متقاضی بمباران قرارگاه‌های مجاهدین توسط آمریکا می‌شوند!

مسئول شورا افزود: نمایش روحوضی و حوزوی در برابر مقر ملل متحد در داخل ایران و اعمال فشار بر خانواده‌ها برای شرکت در آن که با فضااحت و پاسخ منفی خانواده‌های مجاهدین مواجه شد، قبل از هر چیز حاکی از نقش بر آب شدن و شکست کامل این قبیل تشبثات در خارج ایران است. رژیم آخوندی در ماه‌های گذشته از طریق ایادی خارج کشوری و مزدوران و مأموران اعزامی به‌غایت تلاش کرد چنین نگرانی‌هایی را درباره وضعیت مجاهدین در عراق دامن بزند. از این رو بهتر است آخوندها مراسم سبّ و لعن مجاهدین را مانند گذشته به‌جای دفتر ملل متحد در نمازهای جمعه به‌جا بیاورند!

مسئول شورا خاطرنشان نمود: برای آسودگی خاطر آخوندها، دعوت و پیشنهاد می‌کنم اگر ریگی به کفش خود ندارند، اجازه بدهند هر کس نگران سلامتی و وضعیت فرزند یا خویشاوندان خود در قرارگاه‌های مجاهدین است، با هزینه مجاهدین به دیدار آنها بشتابد و در صورت تمایل به زیارت کربلا و نجف هم مشرف شود. ما سلامت و بازگشت این مهمانان را تضمین می‌کنیم و رژیم می‌تواند از جهت اطمینان، نمایندگان دفتر ملل متحد در تهران را هم با آنها همراه کند. اگر هم کسی از نزد ما، خواهان بازگشت به ایران به اتفاق

خانواده‌اش باشد، همه تسهیلات را فراهم می‌کنیم.
مسئول شورای ملی مقاومت گفت: درب قرارگاه‌ها نه تنها به روی خانواده‌های مجاهدین بلکه به روی همه هموطنان باز است. ای کاش آخوندهای پلید و خونریز نیز اجازه می‌دادند یک هیأت از وکلا و حقوقدانان بین‌المللی همراه با گزارشگران ملل متحد و نمایندگان مقاومت ایران از مراکز جاسوسی و تروریستی و انباشت تسلیحات کشتار جمعی و هم‌چنین زندانهای رژیمشان بازدید کنند.

در همین باره، آقای رجوی طی نامه‌یی به‌دبیر کل ملل متحد خواهان تشکیل یک هیأت بین‌المللی برای بررسی دعاوی رژیم و هم‌چنین تحقیق در مورد شمار فزایندهٔ اعدام و سنگسار و نیز اعمال فشار علیه خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی در داخل ایران شد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۸ آبان ۱۳۸۱

فرار به جلو سر کرده پاسداران در پی سلسله اظهارات هراس‌آلود سران رژیم در باره خطر تهاجم مجاهدین و «فروغ ۲»

پرونده آمریکا نزد ملت ایران را بدتر می‌کند. در حالی که اگر آمریکا به پادگانهای (مجاهدین) حمله کند از علامتهای حسن نیت آمریکا به حساب خواهد آمد.

سه روز پیش علی اصغر احمدی معاون وزارت کشور کابینه خاتمی درحالی که اعتراف می‌کرد که رژیم تمهیدات امنیتی ویژه‌ای در مرزهای غرب کشور به کار گرفته، برای مقابله با روحیه‌بخشی پاسداران و دیگر مزدوران رژیم در قبال خطر مرم سرنگونی رژیم از جانب مجاهدین و ارتش آزادیبخش به آنها خاطر جمعی داد که مجاهدین تهدیدی برای رژیم محسوب نمی‌شوند.

روز یکشنبه ۱۵ آبان، رفسنجانی در دیدار با وزیر خارجه سوئیس گفت: ... متأسفانه تروریستهایی که در ایران دست به ترور و خشونت زده‌اند، در اروپا و آمریکا پناه داده شده‌اند و هنوز هم از طریق آنها حمایت می‌شوند.

گزارشها حاکی است که آخوندهای حاکم در بحثها و چاره‌جوییهای درونی خود پیرامون بحران منطقه و چشم‌اندازهای محتمل آینده، از مجاهدین به‌عنوان مهمترین تهدید موجودیت خود نام می‌برند و به‌همین دلیل بسیج تبلیغاتی و سیاسی علیه این مقاومت و دخیل‌بستن به دولتها و کشورهای خارجی و التماس و درخواست برای کمک به رژیم از طریق تحت فشار قرار دادن و ایجاد محدودیت و حتی درخواست عاجزانه از آمریکا برای حمله نظامی و بمباران قرارگاههای مجاهدین در دستور کار سردمداران و مقامهای رژیم قرار گرفته است.

ضربات نیز دلیل دیگری بر شدت گزیدگی و خشم و درماندگی رژیم آخوندی در قبال مجاهدین و مقاومت می‌باشد. در هفته‌های اخیر مقامها و فرماندهان رژیم به ناگزیر در برابر این تهاجم پیروزمند واکنش نشان می‌دهند.

ماه گذشته خرازی وزیر خارجه حکومت آخوندی، در اظهارات ترس‌آلودی با اشاره به حضور پر قدرت ارتش آزادیبخش ملی ایران در مرزهای میهن، گفت: آنها پشت مرزها هستند تا علیه ما اقدامهای انجام دهند.

هم‌چنین آخوند رحمانی رئیس عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی رژیم اعتراف کرد که رژیم آخوندی هنگهای مرزی را در وحشت از عملیات مجاهدین ایجاد کرده و هدف آن پاسداری از موجودیت رژیم است.

پاسدار شمخانی وزیر دفاع رژیم در مصاحبه با روزنامه الوطن چاپ عربستان سعودی اعلام کرد: «اگر دولت عراق بتواند مانع از تعرض اپوزیسیون ایران، مستقر در عراق، به خاک ایران بشود، در این صورت (رژیم) ایران به‌هیچ‌گونه عمل نظامی علیه کشور عراق مبادرت نخواهد کرد».

در نیمه مرداد گذشته رژیم آخوندی از طریق محسن رضایی دبیر تشخیص مصلحت و سرکرده سابق پاسداران برای مقابله با خطر ارتش آزادیبخش دست به دامن آمریکا شد و اعلام کرد: «اگر آمریکاییها در حمله به عراق به پادگانهای نظامی (مجاهدین) حمله نکنند، تبعیض آشکاری علیه تروریسم قائل شده‌اند که

تلویزیون رژیم روز ۷ آبان ۸۱ اظهارات سرکرده پاسداران را پخش کرد که ضمن اعلام خطر درباره بحران منطقه، به‌طرز بی‌کافی بی‌موقعیت مجاهدین را مطرح ساخت و با افراشتن مضحکی وضع مجاهدین را وخیم توصیف کرد و گفت: «در شرایط جدید کادרהای بالای منافقین در فکر فرار به کشورهای اروپایی و دیگر نیروهای منافقین نیز دچار سردرگمی هستند».

این اظهارات بازتاب وحشت‌زدگی کل رژیم از بحرانهای مهراناپذیرش در مرحله سرنگونی و واکنشی از سر استیصال از جانب سرکردگان رژیم آخوندی در قبال سلسله تهاجمات سیاسی پیروزمند اخیر مقاومت ایران است.

پیروزیهای درخشانی چون افشای برنامه‌های سری توسعهٔ موشکی و تسلیحات کشتار جمعی رژیم آخوندها و انتشار جهانی مدارک، فیلمها و شواهد مربوط به نقض شدید و گستردهٔ حقوق بشر در ایران که افکار عمومی و مجامع مدافع حقوق بشر را در سطح بین‌المللی علیه آخوندها برانگیخته‌اند.

به‌طوری که بیش از ۱۰۰۰ نمایندهٔ پارلمان و شخصیت سیاسی و مدافع حقوق بشر به‌تازگی با اعضای بیانیه‌ی جنایت‌های این رژیم را اقرار محکوم کرده‌اند.

در کنار اینها باید به‌درهم شکسته شدن توطئه‌های نفوذ در ارتش آزادیبخش و شکست رسوای رژیم در توطئه‌های بعدیش یعنی طرح اعزام مزدوران به خارج کشور برای لجن‌پراکنی علیه مجاهدین و برگرداندن برگ حقوق بشر اشاره نمود که این

سرگیجهٔ پاسدار سردار سرلشگر سید دکتر رحیم صفوی و اکتشافات زنجیره‌ی اندرباب «فرار مجاهدین از عراق به اروپا»!

آفرینش از باند خامنه‌ای در روز ۲۸ آبان نوشت: «با افزایش احتمال حملهٔ آمریکا به عراق، سران گروهک منافقین به‌رازی با دولت‌های اروپایی پرداخته‌اند تا بتوانند به‌اروپا منتقل شوند. باتوجه به این که در گذشته مقر فعالیت‌های امنیتی سازمان در کشور آلمان بود، پیش‌بینی می‌شود رجوی به آلمان منتقل شود. این پایگاه خبری اضافه کرده است: سران سازمان در حال خرید ساختمان در این کشور هستند».

اعتماد ازباند خاتمی در روز ۲۲ آبان نوشت: «در پی جدی‌شدن حملهٔ آمریکا به عراق، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مذاکراتی را برای نقل و انتقال کادر رهبری و اعضای به‌فیلاند داشته و قرار است اعضای این سازمان به‌فیلاند منتقل شوند. گویا جک استراو در سفر اخیرش به تهران با مقام‌های ایرانی در این باره مذاکراتی داشته است.»
حال معلوم نیست که این اکتشافات زنجیره‌ی و حرف‌های قره‌نوکر ولایت رحیم صفوی در مورد فرار مجاهدین از عراق به‌اروپا را باید باور کرد؟ یا اعلام خطرهای زنجیره‌ی در هراس از «فروغ ۲» و آویختن عاجزانهٔ پاسدار سبزه‌علی رضایی به‌دامن آمریکا برای بمباران قرارگاه‌های مجاهدین در عراق را؟!
شاید هم برای حل و فصل اختلاف بین این دو دکتر، باید منتظر فتوای حجت‌الاسلام دکتر نوری‌زاده بود!

پس از دگرشدن حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، به‌نظر می‌رسد آیدمی دکتر به‌پاسدارانی هم که در بریدن زبان و گوش و بینی تخصص داشتند، سرایت کرده است.

طبق آخرین خبر، پاسدار رحیم صفوی نیز برای عقب‌نماندن از پاسدار دکتر سبزه‌علی رضایی، به‌درجهٔ دکتر در دانشگاه سپاه پاسداران مزین گردید!

به این ترتیب شیخ از شاه جلود افتاد، زیرا که به این حضرت همایونی به فکرش نرسید که یک سفر به ژاپن یا اسپانیا برای شعبان بی‌مخ جعفری ترتیب بدهد تا برگه‌های اضافی دکتر را که دانشگاه‌های آن‌جا می‌خواهند در سفل آشفال بریزند، در جیب او بگذارند و چند چلیک نفت ارزان دریافت نمایند.

به قرار اطلاع، پاسدار سردار سرلشگر سید دکتر رحیم صفوی پس از استشمام گاز دکتر در محضرو لایت، دچار سرگیجه شده و در پی اشراف پیدا کردن نسبت به باختن قافیه در «جنجال فروغ ۲» (که مزدوران ولایت در خارجه به‌پا کرده بودند) ناگزیر نوار را معکوس گذاشته و اکنون بر آن است که «کادرهای بالای منافقین در فکر فرار به کشورهای اروپایی و دیگر نیروهای منافقین دچار سردرگمی می‌باشند» (تلویزیون رژیم ۱۷ آبان ۸۱). هم‌زمان، روزنامه‌های حکومتی هم بر اساس بخشنامهٔ رسیده به اکتشافات زنجیره‌ی اندرباب «فرار مجاهدین از عراق به‌اروپا» نایل آمدند!

روزنامه آفرینش ۱۰ شهریور ۸۱:

«روزنامه جوان در ستون «نگفتن نگین» نوشت: منافقین خلق به زودی خاک عراق را ترک خواهند کرد شنیده‌ها حاکی است در آخرین جلسه درون گروهی اعضای سازمان منافقین خلق تصمیم گرفته شده است که پس از حمله نظامی آمریکا به عراق، این سازمان مجموعه نیروهای خود را به رژیم صهیونیستی انتقال دهد و در آن‌جا به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

از مدت‌ها پیش فعالیت این گروهک در مرز اردن شدت گرفته بود و بارها در جلسات درون گروهی این سازمان بر انداز انتقال از عراق به این منطقه و همکاری با رژیم صهیونیستی مطرح شده بود».

روزنامه آفرینش، ۸ آبان ۸۱

آفرینش

پیش‌بینی‌های

انتقال به آلمان

چندی پیش در خبرها داشتیم که میران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سدد نقل و انتقال اموال و... خود به فیلاند هستند. سایت اینترنتی «یک‌کتاب» در خبر دیگری آورده است: با توجه به اینکه در گذشته مقر فعالیت‌های امنیتی سازمان در کشور آلمان بود پیش‌بینی می‌شود رجوی به آلمان منتقل شود.

روزنامه اعتماد ۹ آبان ۸۱

رجوی به آلمان فرار می‌کند

«به خبر» همچنین گزارش داده است با افزایش احتمال حمله آمریکا به عراق، سران گروهک منافقین به‌رازی با دولت‌های اروپایی پرداخته‌اند تا بتوانند به اروپا منتقل شوند. با توجه به این که در گذشته مقر فعالیت‌های امنیتی سازمان در کشور آلمان بود پیش‌بینی می‌شود رجوی به آلمان منتقل شود این پایگاه خبری اضافه کرده است سران سازمان در حال خرید ساختمان در این کشور هستند.



فصل دوم

«انجمن نجات» ارگان پوششی سرکوب



در سال ۱۳۸۰ وزارت اطلاعات رژیم توسط مأموران قدیمی و بریده‌مزدورانش ارگان سرکوبگر جدیدی به نام «انجمن نجات» برای تحت فشار قرار دادن خانواده‌ها و سوءاستفاده از آنها علیه مجاهدین تشکیل داد.

هم‌چنین در زمستان ۱۳۸۱ وزارت اطلاعات آخوندی اقدام به راه‌اندازی یک ایستگاه رادیویی دولتی و جدید به نام رادیو «نجات» نمود. برنامه‌های این رادیو توسط اداره کل «التقاط» (ضدمجاهدین) وزارت اطلاعات در تهران و با همکاری تعدادی از عوامل وزارت اطلاعات که تلاش کرده بودند به سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش نفوذ کنند ولی شناسایی شده و به ایران فرستاده شدند، تهیه و به‌طور روزانه از این ایستگاه رادیویی پخش می‌شود.

مأموران وزارت اطلاعات به‌برخی خانواده‌های مجاهدین مراجعه نموده و با شیوه‌های مختلف تهدید، ارباب و ارائه اطلاعات غلط، آنها را مجبور می‌کردند تا از طریق مصاحبه با این رادیو، علیه مجاهدین موضعگیری کنند و به فرزندان یا اقوامشان در ارتش آزادیبخش پیام بدهند و آنها را دعوت به بازگشت به ایران و تسلیم شدن به رژیم کنند. هم‌زمان مزدوران محلی رژیم آخوندی در عراق اقدام به پخش تراکتها و بروشورهای تبلیغ این رادیو در داخل عراق کردند.^۱

۱ - کلیشه یک نمونه از این بروشورها در صفحه ۳۳ آمده است.

هدف تشکیل «انجمن نجات»

بعد از پایان جنگ و سقوط دولت سابق عراق و پس از شکست توطئه نابودی مجاهدین به وسیله بمباران یا ایجاد درگیری با مزدوران محلی رژیم، از آنجا که وزارت اطلاعات دستش برای درگیری نظامی و تروریستی علیه مجاهدین بسته شده بود، جنگ سیاسی و روانی علیه مجاهدین را تشدید کرد. یکی از تاکتیکهایش در این جنگ روانی فعالیت زیر پوشش «انجمن نجات» است. این انجمن یکی از شعبه‌های اداره کل «التقاط» وزارت اطلاعات می‌باشد.

هدف اصلی وزارت اطلاعات از تشکیل این ارگان، ایجاد پوشش سیاسی برای اهدافی چون «جداسازی بدنه گروهک از مرکزیت...»^۲ تلاش برای «ازبین بردن حصارهای تشکیلاتی و متلاشی شدن منافقین...»^۳ و در نهایت «استرداد» مجاهدین به رژیم تعریف شده است.

وزارت اطلاعات که به دلیل جنایاتش چهره بسیار منفوری در جامعه و به ویژه در میان خانواده‌های مجاهدین دارد، برای پنهان کردن دست جنایتکاران پشت پرده ارگان سرکوبگر انجمن نجات، آن را یک مؤسسه غیردولتی معرفی کرده که توسط خانواده‌های مجاهدین! و اعضای سابق مجاهدین! تشکیل شده است. حال آن که ماهیت تمام عوامل و مزدوران این انجمن یک‌به‌یک روشن و عضویت آنها در وزارت اطلاعات، افشا شده است.

در مورد وابستگی مزدوران انجمن نجات به وزارت اطلاعات رژیم و سرسپردگی جهت انجام مأموریت‌های محوله از طرف وزارت اطلاعات، مقام‌های رسمی رژیم، بارها ماهیت این افراد را به خوبی برملا کرده‌اند. از جمله حسینعلی امیری مدیرکل دادگستری استان فارس، در اردیبهشت ۸۳، در این رابطه گفته است: «انجمن نجات از بریده‌های تشکیلاتی منافقین در هراستان زیر نظر وزارت اطلاعات و همان اداره مبارزه با منافقین تشکیل شده و دارند کار فعالی را پیش می‌برند، آنها بدون این که اسمی از وزارت اطلاعات ببرند با تقریباً اکثر اعضای منافقین در سراسر کشور تماس

۲ - خبرگزاری رژیم ۲۵ آذر - مصاحبه با یک مقام امنیتی

۳ - ابلاغیه انجمن نجات - مکاتبه هفتم

برقرار کردند و توجیه‌شان کردند و یا حداقل آنها را در جریان وضعیت منافقین قرار دادند، کار هماهنگ و خوبی را پیش می‌برند، به نظر من اینها فعالیتشان نسبت به زمانی که در منافقین بودند بیشتر و مؤثرتر است و بعد از روشن شدن حقایق برایشان سرسپرده‌تر به نظام و وزارت نسبت به منافقین شدند».

در همین رابطه آخوند یونسی جنایتکار در مصاحبه با تلویزیون رژیم در تاریخ ۱۳ مهر ۸۳ می‌گوید: «... امروز ما تروریستهای مسلح، کسانی که آمدند کشته بشوند یا بکشند، ما سالم دستگیر می‌کنیم و اونها رو تبدیل می‌کنیم به کسی که آزادانه در جامعه می‌گردد و از جمهوری اسلامی و از وزارت اطلاعات، دفاع می‌کنه».

هرچند وزارت اطلاعات در ابتدای شکل‌گیری این ارگان سرکوبگر، تأکید زیادی داشت که ارتباط آن را با خود مخفی نگهدارد، اما این مسأله آن‌چنان بارز و غیرقابل کتمان بود که در بسیاری مواقع هنگام تماس با خانواده‌های مجاهدین جهت همکاری با این انجمن، به آنها گفته می‌شود که پاسخ خود را به شماره تلفن ۱۱۳ (شماره تلفن ثابت ستاد خبری وزارت اطلاعات در سراسر کشور) اطلاع دهند. یا در بسیاری موارد، آنها را به اداره اطلاعات شهر فرامی‌خوانند. البته وزارت اطلاعات در معرفی انجمن دست‌پرورده خود، اهداف جنایتکارانه‌اش را به خوبی برملا کرده و آشکار ساخته که تنها هم‌وغم او از این خیمه‌شب‌بازیهای به‌غایت رذیلانه و تحت فشار قراردادادن خانواده‌های مجاهدین، نابودی دشمن اصلیش یعنی مجاهدین است. جمله‌های زیر به‌نقل از اطلاعیه‌های انجمن نجات است که بخشی از اهداف تشکیل این ارگان سرکوب توسط نفوذیهای برگشتی را به خوبی آشکار کرده و نیاز به هیچ توضیحی ندارد:

- اعضا خانواده مجاهدین در بند و نفرات بازگشته به کشور از فعالان این انجمن هستند.

- انجمن نجات در پیچه و پیام‌آوری برای آزادی - رهایی و نجات دوستان و هم‌زمان سابق خویش از چنگال رجوی است.

- انجمن نجات با تلاش و کوشش خود رهایی و نجات آن دسته از نفراتی را که به‌اجبار در تشکیلات و زندانهای رجوی نگهداری می‌شوند، در اولویت خود دارد

۱. - انجمن نجات پل ارتباطی خانواده‌ها و فرزندان دربندشان، پس از سالیان دوری و فراق می‌باشد.

- انجمن نجات بلندگوی مظلومیت تمامی افراد دربند تشکیلات رجوی، خانواده‌های دورافتاده از فرزند، نفرات جداشده و اعضا سابق سازمان مجاهدین خلق می‌باشد.

همان‌طور که انجمن نجات وزارت اطلاعات با زبان گویای خود توضیح می‌دهد، تنها هدفش این است که با تحت فشار قراردادن خانواده‌ها، «افراد دربند مجاهدین» به «آزادی و رهایی» در جمهوری اسلامی و در زیر قبای حاج آقا یونسی نایل شوند تا شاید درد سرنگونی نظام علاج شود!

ساختار و ارتباطات «انجمن نجات»

مسئول این ارگان سرکوب حاج ابوذر اسلامی از مدیران اداره کل «التقاط» (ضد مجاهدین) در وزارت اطلاعات است. وی از کادرهای قدیمی سپاه و مدتی نیز رییس حراست کل تهران بوده و از آن‌جا به وزارت اطلاعات منتقل شده است.



جلسه انجمن نجات در شیراز از راست به چپ: عوامل وزارت اطلاعات محسن هاشمی - آرش صامتی‌پور و شاه حسینی (مدیر کل سیاسی امنیتی استان فارس)

اداره‌کنندگان این انجمن از مأموران قدیمی و عناصر نفوذی وزارت اطلاعات می‌باشند. وزارت اطلاعات، مأموران نفوذی به ارتش آزادیبخش را که مأموریتشان لورفته و مورد شناسایی قرار گرفته و پس از اعتراف به مأموریت خود، اخراج شدند، در ایران تحت نام اعضای سابق مجاهدین! در این ارگان سرکوب به خدمت گرفته است.

در حال حاضر این انجمن در شهرهای بزرگ مثل تهران و اصفهان دفتر دارد



رفعت یزدان پرست

شهین ربیعی

حورا شالچی

معصومه ملک صیدآبادی
با نام مستعار صبوری

شماره تلفن: ۸۹۶۱۰۳۱ - صندوق پستی: ۱۴۳۹۵/۶۷۹

اما آدرس آن مخفی است و ارتباطات آن اساساً به وسیلهٔ تلفن انجام می‌شود. در شهرهای کوچکتر این انجمن دفتر یا محلی ندارد و ارتباط با آن از طریق ادارهٔ اطلاعات همان شهر دنبال می‌شود. مثلاً در خرم‌آباد، درود، بابل و ساری، ادارهٔ اطلاعات به‌طور مستقیم ارتباط با خانواده‌ها را دنبال می‌نماید.

وزارت اطلاعات هم‌چنین به‌نام انجمن نجات در برخی شهرها از جمله اصفهان به‌صورت ماهانه اقدام به توزیع جزوه‌یی تحت عنوان خبرنامه در میان خانواده‌های مجاهدین می‌کند و جلسه‌های ماهانه و نوبه‌یی برای تبلیغ علیه مجاهدین برگزار می‌نماید.

وزارت اطلاعات تحت نام «انجمن نجات» مقاصد سیاسی خود علیه مجاهدین در عراق را دنبال می‌نماید و در این زمینه وزارت خارجه و سفارت رژیم در بغداد و هم‌چنین نیروی قدس سپاه (ارگان تروریستی برون مرزی رژیم) همکاری کامل با این وزارتخانه دارند.

برخی از عناصر و عوامل پوششی وزارت اطلاعات که با عنوان اعضای «انجمن نجات» در توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین و برای فشار و ارباب خانواده‌ها به‌صحنه فرستاده می‌شوند، عبارتند از:

عامل وزارت اطلاعات در لرستان (خرم‌آباد): محمد خسروپور

عامل وزارت اطلاعات در آذربایجان غربی (ارومیه) و کرمانشاه: آرش رضایی

عامل وزارت اطلاعات در آذربایجان شرقی (تبریز): علی اصغری



عامل وزارت اطلاعات در اصفهان - یزد - کرمان و چهارمحال
بختیاری: سید محسن هاشمی باجگیرانی، کادر نفوذی وزارت
اطلاعات که از سال ۱۳۷۰ به استخدام وزارت اطلاعات درآمده است.
وی تحت نام عضو سابق مجاهدین با خانواده‌ها تماس می‌گیرد. وی
آدرسهای زیر را به خانواده‌ها می‌دهد و اطلاعیه‌های انجمن نجات در
اصفهان را امضا می‌کند:

صندوق پستی ۱۴۹۹ - ۸۱۴۶۵

شماره تلفن ۰۹۱۳۳۱۷۷۲۴۴

آدرس اینترنتی www.nejatngo.com

هم‌چنین یکی دیگر از عناصر وزارت اطلاعات در اصفهان به نام عباس‌زاده نیز تحت
عنوان انجمن نجات با خانواده‌ها تماس می‌گیرد.

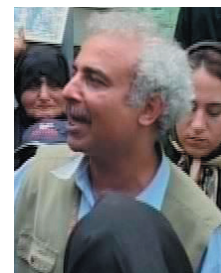


عامل وزارت
اطلاعات در
فارس (شیراز) و
بوشهر: محمدباقر
مؤمن‌زاده که با
نام مستعار افخمی
به خانواده‌ها مراجعه

می‌کند، از سال ۱۳۶۷ به استخدام وزارت
اطلاعات درآمده است. وی مسئولیت انجمن
نجات در استان فارس (شیراز) و بوشهر را
برعهده دارد. آدرس وی: شیراز - فلکه
فرودگاه قدیم - بلوار سیاحتگر، سمت راست
- ساختمان «الیکا» می‌باشد.



عامل وزارت اطلاعات
در خوزستان (اهواز):
حمید دهدار حسنی



عامل وزارت اطلاعات
در مازندران و گلستان:
حسین فرقانی

زیر فشار قراردادادن خانواده‌ها

به‌راستی رژیمی که در کارنامه سراسر جنایت و خیانت آن، آمار سرسام‌آور
خانواده‌های متلاشی‌شده به‌خاطر فقر و اعتیاد و فساد حاکم بر جامعه، بیداد می‌کند،
رژیمی که با حاکمیت خود، پدیده‌هایی مثل کودکان خیابانی و دختران فراری را در ابعاد
میلیونی به جامعه تحمیل کرده است؛ درحالی که تنها در یک شب زمستانی در سال ۸۲

۴۰ کارتن خواب از سرما جان می دهند، رژیمی که بارها و بارها، اعضای خانواده‌های مجاهدین را فقط به خاطر یک ارتباط تلفنی یا یک نامه خانوادگی با فرزندان به زندان و شکنجه برده است و رژیمی که تنها در یک شب ۷۷ موشک اسکادر با هدف نابودی همه مجاهدین، به سمت قرارگاه‌های ارتش آزادیبخش، روانه می کند، چه می شود که به یکباره در سال ۸۱ به فکر مشکلات خانوادگی و عواطف خانواده‌های مجاهدین و سرنوشت فرزندان مجاهد آنها که به خاطر فقدان محبت خانوادگی دچار بیماری روانی!! شده اند، افتاده و پزیک دایه مهربان تر از مادر به خود می گیرد؟

روشن است که این بازی نفرت انگیز تنها ناشی از بطلان محاسبه‌های آخوندهای علیل مغزی است که می خواستند فاتحه مجاهدین را در جنگ آمریکا در عراق، بخوانند. اما وقتی بمباران و توطئه‌های کثیف به نتیجه‌ی نرسید، وقتی مجاهدین با یک ظرفیت عظیم انقلابی از پس آزمایش بودند، بار دیگر سرفراز بیرون آمدند و رژیم نتوانست ضربه مؤثر نظامی بر پیکره مجاهدین وارد کند، این بار یک جنگ سیاسی و روانی گسترده را، برای به کارگیری برگ خانواده‌ها علیه مجاهدین و تشکیلاتشان آغار نمود.

هدفهای مشخص وزارت اطلاعات از اقدام رذیله تحت فشار قراردادن خانواده‌ها عبارتند از:

الف. متلاشی نمودن تشکیلات مجاهدین با سوءاستفاده از عواطف خانواده‌ها و شرایط جدید عراق.

ب. به همکاری کشاندن خانواده‌ها جهت فشار بر اعضای مجاهدین برای به تسلیم کشاندن آنان و بازگشت به نزد رژیم، تحت فشار قرار دادن خانواده‌ها برای شرکت در تظاهرات و تجمعها به منظور محکوم کردن مجاهدین از جمله برگزاری جلسات یا تظاهرات در مقابل سفارتخانه کشورهای مختلف، نامه نگاری به سازمان صلیب سرخ، مجامع حقوق بشری و... دیگر ارگانهای بین المللی.

ج. برگزاری نمایشهای مشمئزکننده مجیزگوئی رژیم توسط بریده مزدوران، برای تضعیف روحیه خانواده‌ها و هواداران و مقابله با حمایت روزافزون جوانان و مردم میهنمان از مجاهدین.

با این اهداف ضدانسانی بود که خانواده مجاهدین که تا پیش از این تحت عنوان

«منافق» از شغل در اداره‌های دولتی منع شده و بسیاری از محدودیتها بر آنها اعمال می‌شد، به یکباره مورد توجه قرار گرفتند تا در جهت نجات رژیم غرق در بحران مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده قرار گیرند.

از این رو وزارت اطلاعات رژیم همهٔ مزدوران «انجمن نجات» دست‌ساز خودش را بسیج کرد و با عنوان اعضای سابق مجاهدین به سراغ خانواده‌ها فرستاد و آنها را با دروغپردازی، تهدید و ارعاب دعوت به همکاری نمود. البته این مزدوران خیانت‌پیشه نه تنها ذره‌یی از هدفهای کثیف خود را برای خانواده‌ها بر ملا نمی‌کنند بلکه خود را دلسوز فرزندان مجاهد آنها که جانشان در خطر است، معرفی می‌نمایند. برخی خانواده‌ها که اغوا شده و به بخشی از حرفهای مزدوران رنگ‌شده رژیم، باور کردند، به سرعت در یک بازی کثیف مورد سوءاستفاده قرار گرفتند. آنها اولین سری خانواده‌هایی بودند که توسط انجمن نجات وزارت اطلاعات به عراق و شهر اشرف گسیل شدند.

این اقدامهای رذیلانه هم‌چنان ادامه دارد، وزارت اطلاعات به انواع تشبثات دست می‌زند تا هم‌چنان خط ضربه به تشکیلات مجاهدین را با سوءاستفاده از خانواده‌ها، پیش ببرد. در این مسیر مشتی بریده‌خائن نیز سربازان این جنگ ضدانسانی هستند و در خدمت این خط، مورد بیشترین استفاده قرار می‌گیرند.

در همین حال که وزارت اطلاعات و مشتی مزدور، سنگ خانوادهٔ مجاهدین را به سینه می‌زنند، خانواده‌هایی که همکاری با آنها را نمی‌پذیرند، به صورت هفتگی یا ماهانه به ادارهٔ اطلاعات فراخوانده شده و توسط عوامل اطلاعات و خائنانی که تن به همکاری با این جانیان داده‌اند، مورد تهاجم دروغهای باز هم بیشتر قرار می‌گیرند. در موارد بسیار زیادی، اعضای خانوادهٔ مجاهدینی که حاضر به همکاری نمی‌شوند، مورد تهدید مستقیم قرار گرفته و به آنها گفته می‌شود که عدم همکاری با وزارت اطلاعات عواقب سنگینی برای آنها دربر خواهد داشت و اگر فرزندان‌شان را به ایران باز نگردانند، مؤاخذه و مجازات خواهند شد. در بسیاری موارد وزارت اطلاعات خانواده‌هایی را که جهت ملاقات با فرزندان مجاهدشان در شهر اشرف اقدام کرده‌اند بازداشت و تحت فشار قرار داده که چرا برای ملاقات با فرزندان‌شان با وزارت اطلاعات هماهنگی لازم را نکرده‌اند!

Radio Nejat MW 864 KH. & 675 KH.



www.ttfaf.com/radionejat

Radio Nejat MW 864 KH. & 675 KH.

اعضا، و هواداران سازمان مجاهدین خلق

راديو نجات

صدای وطن ، صدای رهایی
و روزنه امید و آزادی شما
از چنگال فرقه رجوی
و بازگشت به کانون گرم خانواده‌تان می باشد.

شما می‌توانید همه روزه صدای ما را در ساعت‌های
۱-۳ و ۴-۶ بامداد ۷-۱۲ صبح
۱۷-۱۹ عصر و ۲۱-۲۳ شب روی موج متوسط (MW)
فرکانس ۸۶۴ و ۶۷۵ کیلوهرتز دریافت نمایید.

www.ttfaf.com/radionejat

کلیشه شماره ۱: نمونه‌یی از کارتهای تبلیغ راديو نجات که توسط مزدوران محلی وزارت اطلاعات در عراق توزیع شده است

بسم الله الرحمن الرحيم

مکاتبه هفتم

خانواده های محترم :

انجمن نجات افتخار دارد که در صدد انجام مقدمات سومین سفرخانواده ها به عراق و ملاقات با فرزندان خویش می باشد و امیدواریم اوضاع بگونه ای پیش برود که مانعی برای این سفر پدید نیاید

همانطوری که مطلع هستید سران سازمان مجاهدین از اینکه خانواده ها با همیاری همدیگر انجمنی را از بین خود تشکیل داده و به صورت جمعی به این سفرها می روند و موفق به ملاقات با فرزندان خویش شده اند و تعدادی از خانواده ها هم در صدد جدا کردن فرزندان خود از این گروه برمی آیند بسیار ناراحت و خشمگین شده اند و در تلاش هستند که خانواده ها را از سفرهای جمعی به سفرهای انفرادی ترغیب و تشویق کنند و حتی تعدادی از خانواده ها را تهدید کرده اند که به صورت گروهی به ملاقات فرزندان خود نیایند .

برخی از خانواده ها که از اهداف پشت پرده سران مجاهدین اطلاعی ندارند اقدام به سفر انفرادی به عراق و ملاقات با فرزند خود نموده اند که با چند مشکل اساسی برخورد کرده اند :

الف - سفرهای انجمن با مجوز مسئولین و هماهنگی با سازمان ملل صورت میگیرد و خروج از کشور به صورت قانونی است اما سفر انفرادی خانواده ها عموماً به صورت قاچاق و غیرقانونی صورت می گیرد و همین مسئله با توجه به خطرات عمده ای که دارد راه مناسبی نیست و تعدادی از خانواده های با خطرات جانی ناشی از گم شدن در بیابانهای عراق سرقت اموال و.. مواجه شده اند

ب - یکی از خانواده ها در هنگام صحبت با فرزندش متوجه غیرعادی بودن برخورد فرزندش شده که پدرش با زیرکی خاصی متوجه می شود در اطلاق ملاقات دوربین و میکروفن مخفی کار گذاشته اند تا فرزندش نتواند حرف دل خود را به خانواده اش بگوید پس از بر ملا شدن این موضوع این فرزند به خانواده اش گفته است ((چند ساعت قبل از ملاقات مرا خواستند و گفتند خانواده ات به ملاقات تو آمده اند و باید بهترین لباسهایت را بپوشی به ظاهر خود بررسی و در ملاقات دائم از اینکه ما در اینجا راحت هستیم و به راه مجاهدین معتقد می باشیم صحبت کنی و مبادا حرفی از برخوردها و اوضاع سخت و طاقت فرسای اردوگاه بزنی و با این شرایط اجازه ملاقات داده اند در صورتیکه در واقع اوضاع اینجا بسیار غیر قابل تحمل و مصنوعی است و بچه ها همه خسته شده ولی اجازه جدایی از این گروه به هیچکس داده نمی شود))

کلیشه شماره ۴: در این اطلاعیه انجمن نجات دمخروس خط و نشان کشیدن برای خانواده ها و ترس و وحشت اطلاعات آخوندی از مسافرت انفرادی، کمک مالی و در ارتباط قرار گرفتن خانواده ها با سازمان، بسیار گویاست.

ج - سازمان به منظور توجیه نگهداری نه میلیون دلار وجه نقد در مقر مریم رجوی در فرانسه که توسط پلیس این کشور کشف شده است و ارائه اسناد و مدارکی به دادگاه فرانسه دال بر اینکه این پول ها را مردم و هواداران به آنها اهدا کرده اند اقدام به اخذ پول نقد از خانواده ها به همراه نوشته ای از خانواده در تایید کمک مالی به سازمان می نماید . شاید خود شما در این مدت نیز با اصرار زیاد فرزند خود یا سایر اعضاء مجاهدین در اخذ کمک مالی در تماس ها مواجه بوده اید. یکی از خانواده ها که فریب مجاهدین را خورده در مسافرت به عراق و در مواجهه با اصرارهای مکرر و اعلام نیاز سازمان اقدام به کمک مالی کرده که پس از بازگشت به کشور توسط مامورین جمهوری اسلامی به عنوان اینکه کمک مالی به یک گروه تروریست نموده باوی برخورد شده است .

انجمن نجات باز هم تاکید میکند سران مجاهدین قصد دارند از اتحاد و همبستگی خانواده ها به هر شکل ممکن جلوگیری کند و این تشکل خانواده ها را منحل کنند تا بتوانند با هر خانواده با تحکم و از موضع بالا برخورد کند و اصطلاحاً از سیاست تفرقه بنداز و حکومت کن استفاده کند لذا درصدد هستند که از یک طرف انجمن نجات را در نظر جمهوری اسلامی یک انجمنی که در مقابل جمهوری اسلامی است و سازمان از آن سوء استفاده می کند ، قلمداد کنند تا جمهوری اسلامی هم اقدام به انحلال انجمن خانواده ها کند و از طرف دیگر انجمن را در نظر خانواده ها یک انجمنی که برای جمهوری اسلامی فعالیت می کند معرفی کنند تا خانواده ها را از اتحاد و همبستگی مایوس و از حرکت های جمعی که بسیار کار ساز می باشد نا امید کنند ، شما خانواده ها میتوانید با دیدی باز و با عملکرد صحیح و اصولی خود بهانه را از سازمان بگیرید و با هوشیاری خود این توطئه آنها را نقش بر آب نمایید ، و مجال شیطنت و اختلاف افکنی را از آنها گرفته و همچون گذشته با همبستگی و اتحاد برای هدف مقدسی که در پیش گرفته ایم حرکت کرده و روزی شاهد آزادی فرزندان خود از بند سازمان مجاهدین باشیم .

در این شرایط که سازمان با دادن آدرس ایمیل به خانواده ها در صدد استفاده از آنان در راستای اهداف خود می باشد و سعی دارد جمهوری اسلامی را به سمت برخورد با خانواده سوق دهد . ذکر این نکته ضروری است که نامه ها و موارد ارسالی شما بوسیله ایمیل مستقیماً به دست فرزند شما نمی رسد و اغلب نامه های محبت آمیز شما به فرزندان توسط منافقین و با این توجیه که این مکاتبات در تایید سازمان و برای حمایت از آن ، توسط خانواده ارسال می شود مورد سوء استفاده قرار گرفته است لذا پیشنهاد می گردد برای خنثی کردن این اقدام سازمان یا اصلاً وارد ارتباط ایمیلی با سازمان نشویم یا اینکه در تنظیم نامه ها نهایت دقت را بعمل آورده و فرزند خود را

مخاطب قرار دهیم و فکر نکنیم که در صورتیکه به نقد مواضع سازمان بپردازیم و یا علیرغم میل باطنی از آن حمایت کنیم در کاهش یا افزایش موقعیت فرزند ما تاثیر مثبت یا منفی خواهد داشت ، با این حال ماسال نامه های محبت آمیز ، عکس هائی خانوادگی و بیان اخبار مثبت از داخل می تواند در دراز مدت بر همه گیرندگان ایمیل ها تاثیرگذار باشد.

در آخرین لحظات تنظیم این نامه خبری خوشحال کننده از خبرگزاری فرانسه منتشر شد . در این خبر به نقل از اطلاعیه شورای انتقالی عراق اعلام شده است ((سازمان مجاهدین تا پایان امسال وقت دارد تا از عراق خارج شود و اجازه ادامه فعالیت به آنان داده نخواهد شد)) .
این خبر مسرت بخش که نتیجه تلاشهای خانواده ها و ارتباط گسترده آنها با دفاتر سازمان ملل و سازمان های حقوق بشری و کینه و نفرت مردم عراق و مسئولین عراق از این سازمان است . این امید را در دل خانواده ها ایجاد کرد که با از بین رفتن حصارهای تشکیلاتی و متلاشی شدن منافقین ، احتمال بازگشت فرزندانمان به آغوش خانواده ها بیشتر خواهد شد . اینک که سازمان جهنمی مجاهدین خلق در آستانه فروپاشی و اضمحلال است باید عزم راسخ خود را بکار بندیم تا آخرین فشار را به آنان وارد کنیم و به هدف نهایی خود که آزادی فرزندانمان است برسیم .

دعای خیر شما پدران و مادران منتظر و نگران ، خواهران و برادران ارزومند و همسر و فرزندان سختی کشیده برای موفقیت انجمن نجات و تحقق اهداف آن ارزوي و تمنای ماست .

به امید نجات دلبندانمان

انجمن نجات شاخه اصفهان

شماره صندوق پستی اصفهان : ۱۴۹۹ - ۸۱۴۶۵

تلفن تماس : ۰۹۱۳۳۱۷۷۲۴۴ آقای هاشمی

آدرس اینترنتی : www.nejatngo.com

فصل سوم

نمایش اعزام خانواده‌ها به عراق



وزارت اطلاعات آخوندی در ۳۰ اردیبهشت ۸۲ تعداد معدودی از خانواده‌ها را با ارباب و فریب، به همراه شماری از عوامل خود، به مقابل سفارت سوییس در تهران کشاند و با برگزاری تظاهراتی اعلام نمود که فرزندان‌شان «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگهداری می‌شوند. البته همان روز سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه‌یی نمایش رسوای اطلاعات آخوندی در برابر سفارت سوییس در تهران را افشا نمود. در این اطلاعیه از جمله آمده بود:^۱

«صبح امروز وزارت اطلاعات ملایان... شماری از عوامل خود را به مقابل سفارت سوییس در تهران (حافظ منافع آمریکا در ایران)، فرستاد تا به عنوان خانواده‌های مجاهدین خواستار دیدار فرزندان‌شان شوند که گویا «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگهداری می‌شوند!

... نمایشهای مسخره اطلاعات آخوندها و اشک تمساح برای دیدار خانواده‌ها و فرزندان‌شان، جز بر نفرت مردم ایران از فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران نمی‌افزاید. رژیمی که آشکارا خواهان بمباران و سرکوب و سرب‌نیست کردن همه مجاهدین در خاک عراق است و رئیس‌جمهورش، آخوند خاتمی هفته گذشته در بیروت دوباره

۱ - متن کامل این اطلاعیه در صفحه ۴۴ آمده است.

درخواست کرد «از سوی آمریکا حمله‌یی علیه این گروه صورت گیرد، طوری که صداقت آمریکا را در ادعایش نشان دهد».^۲

... شایان توجه است که رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومت آخوندی در همین ایام به‌طور مستمر خبر می‌دهند که مجاهدین در خاک عراق «در کنترل نیروهای آمریکایی قرار گرفته‌اند» و «حتی برای خرید و خروج از اردوگاهشان، باید اجازه دریافت کنند».^۳

... اکنون از آخوندها و وزارت اطلاعات منفور آنها باید پرسید اسیر گرفته شدن همه مجاهدین در خاک عراق را باور کنیم یا این را که افرادی «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگه‌داری می‌شوند؟!

«جالب توجه این که طی هفت ماه گذشته، به‌رغم فراخوانهای متعدد و دعوت مسئول شورای ملی مقاومت ایران، رژیم آخوندی حتی به‌یک‌یک از خانواده‌های مجاهدین هم اجازه سفر به عراق و دیدار با فرزندانشان را نداده است».

به دنبال این تظاهرات، ارگان دست‌ساز وزارت اطلاعات، با ارباب، دروغ‌گویی و سوءاستفاده از نگرانی خانواده‌ها نسبت به وضعیت فرزندانشان در عراق، آنها را در نوبتهای مختلف به بهانه دیدار فرزندانشان به عراق اعزام می‌کند. هدف اصلی از این اقدام، بهره‌برداری سیاسی و اجتماعی علیه مجاهدین و فشار برای استرداد و اخراج مجاهدین از عراق بود. وزارت اطلاعات از این پروژه رذیلانه با عنوان «بمباران مجاهدین توسط خانواده‌ها» اسم برده و گفته بود این پروژه را آن قدر ادامه خواهد داد تا زمینه را برای بازگرداندن مجاهدین به ایران فراهم کند.

آماده‌سازی خانواده‌ها

قبل از اعزام هر اکیب به عراق مراحل به‌عنوان آماده‌سازی طی می‌شود که شامل مراجعه به خانواده‌ها و تحت فشار گذاشتن آنها برای اعزام جمعی به عراق است. این کار در هر استان توسط اکیبی از مأموران اداره اطلاعات همان استان انجام می‌گیرد.

۲ - تلویزیون الجزیره، ۲۴ اردیبهشت ۸۲

۳ - روزنامه آفرینش، ۲۷ اردیبهشت ۸۲

آنها به صورت تک به تک به خانواده‌ها مراجعه می‌کنند و با ایجاد فضای تشویش و نگرانی و لجن‌پراکنی درباره وضعیت مجاهدین در عراق، از آنها می‌خواهند که برای نجات جان فرزندان شان با اکیپ آنها به عراق بروند. برخی تبلیغات و دروغ‌پراکنیهای این مزدوران جهت فشارهای روانی بر خانواده‌ها قبل از اولین اعزام جمعی آنها به عراق، عبارت بود از: - مجاهدین الآن آواره هستند و در اسارت آمریکاییها به سر می‌برند. آنها فاقد هر گونه امکانات صنفی و رفاهی هستند، در آسایشگاههایی با تختهای ۵ طبقه می‌خوابند و بعضی از آنها هم مجبورند زیر تانکهایشان بخوابند!

- به یک خانواده گفتند: پسر شما در حالی که می‌خواست از اردوگاه مجاهدین فرار کند، با تیر مورد اصابت قرار گرفت و یک پایش قطع شد و بعد هم زیر شکنجه چشمهایش کور شده و الآن در حال مرگ است!

- به یک خانواده دیگر: فرزندان روی مینهایی که آمریکاییها در اطراف اردوگاه مجاهدین کاشته‌اند، رفته و پایش قطع شده و الآن در آستانه مرگ قرار دارد و... و بسیاری موارد مشابه آن!

کار آماده‌سازی اعزام اکیپها معمولاً یک ماه طول می‌کشید و وقتی متقاضیان اعزام به حد سرنشینان یک اتوبوس رسید، کاروان اتوبوسها از شهرهای مختلف، برای توجیه متمرکز و اعزام به عراق، به شهر مرزی مهران فرستاده می‌شدند. هزینه اعزام مسافرین با اتوبوسها قبل از حرکت از هر خانواده گرفته می‌شود. این پول در هر استان به شماره حساب یکی از اعضای وزارت اطلاعات، واریز می‌شود. این هزینه برای هر نفر ۱۵۰ هزار تومان و به حساب فردی به نام سماواتی پناه در بانک ملی شعبه میدان دکتر فاطمی تهران واریز می‌شود. در شهرهای شمال، شماره حساب مزدور حسین فرقانی برای این کار اختصاص داده شده و از هر خانواده ۱۷۵ هزار تومان اخاذی شده است.^۴

در برخی موارد وزارت اطلاعات فرم و کالتنامه از طرف خانواده‌ها پر کرده و آنرا جهت مراجعه به ارگانهای بین‌المللی و سفارتخانه‌های خارجی مورد سوء استفاده قرار داده است.^۵

۴ - کلیشه شماره ۳ و ۴ شماره حساب، تلفن ارتباطی و مدارک مورد نیازی است که وزارت اطلاعات برای اعزام به خانواده‌ها داده است.

۵ - کلیشه شماره ۱۱ - «فرم پذیرش اعزام»

توجیه توسط وزارت اطلاعات

خانواده‌هایی که توسط انجمن نجات، از شهرهای مختلف به مهران آمده بودند، قبل از حرکت به سمت عراق به سالن ورزشی بهشتی (تختی) این شهر منتقل شده و در آنجا نفرات وزارت اطلاعات آنها را توجیه می‌کنند. این کار توسط مدیر کل اداره اطلاعات رژیم در استان ایلام به نام حاجی حسینی انجام می‌گیرد. یوسفی معاون عملیات اداره کل اطلاعات ایلام نیز به همراه حسینی در توجیه و راه‌اندازی اکیپ خانواده‌ها در مهران و عبور آنها از مرز شرکت می‌کند. در این توجیه وزارت اطلاعات برنامه خانواده‌ها در عراق را توضیح می‌دهد و به آنها تأکید می‌شود که باید به هر صورت فرزندان خود را از قرارگاه مجاهدین خارج کنند و از جمله توصیه می‌کنند که فرزندان خود را تشویق به فرار از قرارگاه نمایند و به آنها بگویند وقتی از کنترل آمریکاییها خارج شدند، به سمت مرز ایران بیایند تا عناصر رژیم آنها را تحویل بگیرند. در این جلسه توجیهی حاج حسینی برنامه تظاهرات و ملاقاتهای عناصر اکیپ در عراق علیه مجاهدین را توضیح داده و الزامات مربوط به راه‌اندازی تظاهرات مانند اطلاعیه، پلاکارد و... به مسئولان اکیپها (عناصر اطلاعاتی) داده می‌شود. پلاکاردهایی به زبان انگلیسی و عربی و متن یک بیانیه آماده شده به زبان انگلیسی نیز برای دادن به طرف حسابهای خارجی، به آنها داده‌اند.^۶ حتی به هر خانواده تعدادی کارت تبریک انگلیسی برای برخورد با نیروهای آمریکایی در ورودی قرارگاه اشرف می‌دهند و آنها را توجیه می‌کنند که با دادن کارت تبریک و برخوردهای گرم آنها را خام کرده و تحت تأثیر قرار دهند. وزارت اطلاعات برای کنترل کاروان این خانواده‌ها در عراق برای هراتوبوس یک سراقپ مشخص می‌کند و به همه مسافران تأکید می‌شود که حرفها و دستوره‌های آنها را اجرا کنند. این سراقپها از عناصر و کادرهای وزارت اطلاعات هستند و در بین آنها یک نفر نقش اصلی را دارد. این سراقپها در طول مسیر و در پایان هر روز نشست هماهنگی می‌گذارند و برنامه روز بعد کاروان و اقدامهایی که باید مطابق دستور وزارت اطلاعات انجام

۶ - یک نمونه از این اطلاعیه‌ها در صفحه ۵۰ آمده است.

دهند را هماهنگ می‌کنند. مسئولان وزارت اطلاعات که همراه اکیپهای اعزامی به عراق فرستاده شدند، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با سفارت رژیم در بغداد در ارتباط قرار می‌گیرند و از کانال سفارت، هماهنگیهای ضروری و تغییرهای احتمالی به آنها گفته می‌شود.

عبور از مرز و اقدامهای سیاسی در عراق

وزارت اطلاعات به کمک نیروی انتظامی مستقر در مرز برای هراکپ یک برگه عبور و پاسپورت جمعی صادر می‌کند. مزدوران عراقی رژیم که فارسی را به خوبی صحبت می‌کنند، پس از عبور از مرز آنان را به شهرهای نجف و کربلا و بغداد منتقل می‌کنند.

در بغداد خانواده‌ها را برای تظاهرات در مقابل دفتر سازمان ملل متحد می‌برند. سپس معدودی از آنها با تطمیع و ارعاب به دفتر صلیب سرخ، دفتر برمر یا اعضای شورای حکومتی عراق مراجعه می‌کردند و خواستار استرداد مجاهدین به رژیم می‌شدند! هماهنگی این برنامه‌ها توسط سفارت رژیم در بغداد انجام می‌گیرد. رابط این هماهنگیها با سفارت رژیم، هنگام اعزام اولین اکیپ خانواده‌ها به عراق، فردی به نام احمد لقمانی بوده است. همین فرد خانواده‌ها را برای مراجعه به قرارگاه اشرف توجیه می‌کرد. هم‌چنین عناصر وزارت اطلاعات که همراه اکیپها هستند، خانواده‌ها را برای به تسلیم کشاندن فرزندانشان و ترک قرارگاه مجاهدین تحت فشار قرار می‌دهد.^۷

۷ - نام شماری از این مزدوران که مأمور پیشبرد خط وزارت اطلاعات بودند و همراه خانواده‌ها به عراق آمده‌اند، عبارتند از: ربیعی، شعبانی، محبی، رفیعی و حسین غفاری (دوبار به عنوان سرپرست اکیپهای اعزامی به عراق آمده است).

نمایش رسوای اطلاعات آخوندی در برابر سفارت سوئیس در واکنش به تظاهرات و حمایت‌های اجتماعی از مجاهدین

رژیم آخوندی به رغم فراخوان و دعوت مقاومت، در ۷ ماه گذشته به هیچ یک از خانواده‌های مجاهدین اجازه سفر برای دیدار فرزندانشان نداده است

صبح امروز وزارت اطلاعات ملایان در واکنش به تظاهرات روزهای اخیر جوانان و خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران، در یک نمایش رسوا و تکراری شماری از عوامل خود را به مقابل سفارت سوئیس در تهران (حافظ منافع آمریکا در ایران)، فرستاد تا به عنوان خانواده‌های مجاهدین خواستار دیدار فرزندانشان شوند که گویا «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگهداری می‌شوند!

به قرار اطلاع در روزهای گذشته رژیم آخوندی با مراجعه به خانواده‌های مجاهدین و با اعمال فشار و ارعاب از آنها خواسته بود در نمایش وزارت اطلاعات در برابر سفارت سوئیس حضور به هم رسانند اما با جواب منفی و قاطعانه آنها مواجه شد. نمایشهای مسخره اطلاعات آخوندها و اشک تمساح برای دیدار خانواده‌ها و فرزندانشان، جز بر نفرت مردم ایران از فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران نمی‌افزاید. رژیمی که آشکارا خواهان بمباران و سرکوب و سر به نیست کردن همه مجاهدین در خاک عراق است و رئیس‌جمهورش، آخوند خاتمی هفته گذشته در بیروت دوباره درخواست کرد «از سوی آمریکا حمله‌یی علیه این گروه صورت گیرد، طوری که صداقت آمریکا را در ادعایش نشان دهد» (تلویزیون الجزیره - ۲۴ اردیبهشت). آسوشیتدپرس در همین روز از بیروت گزارش کرد که «خاتمی گفت، ایران مخالف قرارداد میان آمریکا و گروه اپوزیسیون ایرانی مجاهدین خلق می‌باشد. او گفت متأسفانه یک تفاهم و قرارداد با گروه تروریست به امضاء رسیده است، در حالی که ما انتظار داشتیم طرف آمریکایی کارزاری علیه این گروه تروریست انجام بدهد». خرازی وزیر خارجه آخوندها نیز در دیدار با وزیر خارجه ایتالیا، از آمریکا و اتحادیه اروپا درخواست کرده بود «باید به تحمل کردن و مسالمت با مجاهدین خاتمه داده شود» (لارپوبلیکا - ۱۹ اردیبهشت).

شایان توجه است که رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومت آخوندی در همین ایام به‌طور مستمر خبر می‌دهند که مجاهدین در خاک عراق «در کنترل نیروهای آمریکایی قرار گرفته‌اند» و «حتی برای خرید و خروج از اردوگاهشان، باید اجازه دریافت کنند» (آفرینش - ۲۷ اردیبهشت). روز گذشته سایت بازتاب متعلق به محسن رضایی سرکرده پیشین سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام آخوندی اعلام کرد: «ارتشهای چهارم و پنجم آمریکا که تنها تأمین امنیت در مناطق فرماندهی آمریکا در عراق را بر عهده دارند، در مواجهه با قرارگاههای مجاهدین با دستورالعملی که از کاخ سفید گرفته بودند، به مدت ۷ ساعت با فانتومها و بالگردهای نظامی بر فراز پایگاههای مجاهدین به گشت‌زنی پرداخته و وانمود کردند که برای قلع و قمع مجاهدین آمده‌اند». دبیر تشخیص مصلحت رژیم آخوندی که هفته گذشته در پی گفتگوی محرمانه با مقامهای آمریکایی به آتن رفته بود می‌افزاید: «مجاهدین در قرارگاه اشرف به‌عنوان اسیر جنگی نگهداری می‌شوند». «برای خروج از قرارگاه اشرف، باید از ارتش آمریکا اجازه بگیرند». «آمریکا تسهیلات لازم برای خروج اعضای مجاهدین از عراق را فراهم آورد. اما این شرط برای مسعود و مریم رجوی نخواهد بود».

اکنون از آخوندها و وزارت اطلاعات منفور آنها باید پرسید اسیر گرفته شدن همه مجاهدین در خاک عراق را باور کنیم یا این را که افرادی «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگهداری می‌شوند؟!

جالب توجه این که طی هفت ماه گذشته، به‌رغم فراخوانهای متعدد و دعوت مسئول شورای ملی مقاومت ایران، رژیم آخوندی حتی به یکی از خانواده‌های مجاهدین هم اجازه سفر به عراق و دیدار با فرزندانشان را نداده است. در ۶ آبان سال گذشته شماری از عوامل وزارت اطلاعات، در یک نمایش مشابه با تجمع در مقابل دفتر ملل متحد در تهران به ابراز نگرانی برای فرزندانشان که «اسیر گروهک تروریستی در عراق هستند» پرداختند. متعاقباً آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت طی پیامی برای دبیرکل ملل متحد، کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر، کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمانها و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر، خاطرنشان کرد اگر آخوندها ریگی به کفش ندارند، اجازه بدهند هر کس نگران سلامتی و وضعیت فرزند یا خویشاوندان خود در قرارگاههای مجاهدین است، با هزینه مجاهدین به دیدار آنها بشتابد. مسئول شورای ملی مقاومت افزود: «ای کاش آخوندهای پلید و خونریز نیز اجازه می‌دادند یک هیأت از وکلا و حقوقدانان بین‌المللی همراه با گزارشگران ملل متحد و نمایندگان مقاومت ایران از مراکز جاسوسی و تروریستی و انباشت تسلیحات کشتار جمعی و هم‌چنین زندانهای رژیمشان بازدید کنند» (اطلاعیه ۸ آبان ۱۳۸۱ - دبیرخانه شورای ملی مقاومت).

سازمان مجاهدین خلق ایران از سفارت سوییس و دفتر نمایندگی ملل متحد و نمایندگان صلیب سرخ در تهران می‌خواهد رژیم آخوندی را وادار کنند به خانواده‌های مجاهدین برای دیدار فرزندان و بستگانشان در خاک عراق، با همراهی و نظارت نمایندگان سفارت سوییس و ملل متحد و صلیب سرخ، اجازه سفر بدهد.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۲

کلیشه شماره ۳:
 «شماره حساب
 ۷۳۰۰۰۰ بانک ملی
 شعبه فاطمی تهران
 کد ۷۳۱ به نام آقای
 سماواتی پناه. پس
 از واریز کردن پول
 به شماره تلفن
 ۰۵۱۱ - ۸۴۳۳۴۵۶
 خانم شریفیان.
 مدارک: ۲ قطعه
 پشت نویسی شده،
 کپی شناسنامه.
 ساعت ۵ بعد از ظهر
 شنبه باید در ترمینال
 مشهد جایگاه ۲
 سکوی ۳۲ حضور
 یابید.»

شماره حساب ۷۳۰۰۰۰ بانک
 ملی شعبه فاطمی تهران کد ۷۳۱
 به نام آقای سماواتی پناه .
 پس از واریز کردن پول به شماره تلفن
 ۰۵۱۱ - ۸۴۳۳۴۵۶ خانم شریفیان .
 مدارک: ۲ قطعه پشت نویسی شده
 کپی شناسنامه
 ساعت ۵ بعد از ظهر شنبه باید در ترمینال مشهد
 جایگاه ۲ سکوی ۳۲ حضور یابید .

اول اتوبان شهید بابایی تقاطع بابایی با دماوند یک بعد از ظهر
 ۰۹۱۱۵۳۸۱۶۳
 آقای فرقانی ۰۱۵۱۲۲۶۵۶۵۲

کلیشه شماره ۴: «اول اتوبان شهید بابایی تقاطع بابایی با دماوند یک بعد از ظهر
 ۰۹۱۱۵۳۸۱۶۳ آقای فرقانی ۰۱۵۱۲۲۶۵۶۵۲»



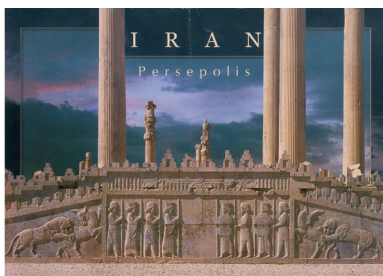
مژده‌ی بهار بهار عاثر دارد و کوچه‌ی کوی دلمان باران و نیاز صفت
 اطلوب نشانی قرامی باید. در این گذشت سالهای بی‌بهار دلمان برصرت نگاهمان
 نیاورد از هیچ کوچه‌ی کوچه، سالها را شمار می‌کنیم در دوش جوانه‌های پخشش حیات قدیمی، از
 طاقها و کدورهای عبور می‌کنیم و خیال خود را به طرب خاک کدورهای حواله‌ی دیم کوی آبی کدور
 بنوازش گرفته‌ست شوق دارد و خانه‌ی بزرگ قرامی و بدو استفا بنوازش می‌ماند به روی می‌کند.
 خدا یا که تو ترمان را بهت پرواز و شوق آشیانه‌ی داسیدر دانی طاکان.

انجمن نجات

Once more, spring approaches and our hearts crave to
 see you come home to revive the long dormant joy.
 How long have our eyes witnessed the passage
 of many long winters to celebrate the glorious
 spring of rejoice to embrace you. The fragrance
 of your presence is smelled everywhere; we have
 long waited in the forlorn hope that our beloved would
 one day come home. Wish the spring would cherish
 your coming.

The Rescue Society

کلیشه شماره ۵: یک نمونه از کارت تبریک وزارت اطلاعات برای فریفتن
 خانواده‌های مجاهدین



Happy New Year
By your help, we hope our dear children, long suffering
under the oppression and terror of Mojahedin Khalq
Organization (MKO), would eventually return back to
their warm home and family.

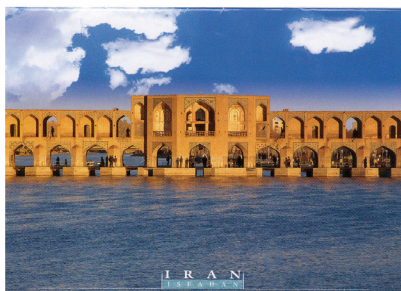
The Rescue Society



سال نو مبارک

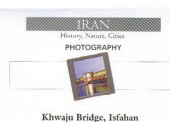
با کمک شما، ما امیدواریم که فرزندان عزیزمان، که رنج
طولانی زیر فشار و ترور سازمان مجاهدین خلق کشیدند،
سرانجام به خانه و خانواده گرم خود بازگردند.

انجمن نجات



Happy New Year
By your help, we hope our dear children, long suffering
under the oppression and terror of Mojahedin Khalq
Organization (MKO), would eventually return back to
their warm home and family.

The Rescue Society



Khwaju Bridge, Isfahan

علاقه فرهنگی و هنری آفرید
سازمان مجاهدین خلق ایران
MKO

سال نو مبارک

با کمک شما، ما امیدواریم که فرزندان عزیزمان، که رنج
طولانی زیر فشار و ترور سازمان مجاهدین خلق کشیدند،
سرانجام به خانه و خانواده گرم خود بازگردند.

انجمن نجات

کلیشه شماره ۶ و ۷: کارت تبریک وزارت اطلاعات، خوشامدگویی به نیروهای آمریکایی
در عراق علیه مجاهدین

برنام خدا

امروز که جهان تشنه صلح و آزادی است و دیکتاتور ها می روند تا به افسانه سپهر شوند، هستند گروه ها و جریانی که با سوء استفاده از فرزندان دایر ایران زمین و نگه داشتن آنان در جود فکری، همچنان بر دیکتاتوری پای می فشارند و حاضر نیستند بر حداقل حقوق انسانی که می تواند تحقق دیدار فرزندان و خانواده ها پس از سالیان انتظار و فراق باشد، گردن نهند.

یکی از همین جریانات، سازمان مجاهدین خلق (MKO) می باشد که بیش از دو دهه است فرزندان ما را در شدیدترین مراقبت های اجباری محاصره کرده و اجازه نداده است تا آنان با خروج از چارچوب تشکیلاتی این گروه، در جهان اطراف خود تعمق و تأمل داشته باشند. با برچیده شدن بساط دیکتاتوری صدام نزدیکترین حامی MKO، امید آن می رفت تا همچنانکه MKO رسماً بعنوان یک گروه تروریستی معرفی شدند و گام مثبتی در خلع سلاح آنان برداشته شد، آزادی جوانان و فرزندان ما از چنگال MKO که به اجبار آنها را نزد خود نگاه داشته، نیز هر چه زودتر محقق گردد.

لکن ما خانواده ها با تجمع در این مکان، توجه مجاهدین و به ویژه آمریکا و انگلیس را به این واقعیت انکار ناپذیر جلب می کنیم که رهبری MKO در طول سالیان نشان داده است که هرگز به اصول آزادی و احترام به حقوق انسانها اعتقادی ندارد و درخواست آنرا داریم، همچنانکه با برکناری صدام، صلح و آرامش برای مردم عراق به ارمغان آمده است تمهیداتی فراهم شود تا ما خانواده ها که سالیان درازی است از فرزندان خود هیچ اطلاعی نداریم، بتوانیم گرمای وجود عزیزانمان را در آغوش خود حس کنیم و یا حداقل بتوانیم با فرزندانمان در عراق ملاقات حضوری داشته باشیم.

انجمن نجات امید دارد بتواند با حمایت و همیاری تمامی بشر دوستان این خواسته انسانی را برای خانواده های منتظر محقق نماید.

انجمن نجات ۸۲/۲/۳۰

In The Name of God

Today That The world is Thirsty for peace and freedom and dictators are being deposited to the fable , there are groups and parties that are still insisting on dictatorship by abusing the valiant sons of iran and keeping them in the think stiffness and don't link to submit the minimum human rights that can be the certainty for visiting our sons and families after the years of expectation .

-One of such these groups is Mojahedin of Khalq Organization (MKO) wich is more than two decade that has sieged our sons in the most severe imposed cares and hasn't permitted them deliberate in environment by going out of the fram of this organization .

- Through the dissolution of saddam dictatorship , the nearest supporter of MKO , we hoped , as MKO officially introduced as a terrorist group and had taken positive pace to disarm them , the freedom of our youth and sons from the claws of MKO, that have kept them compulsorily, gets certain as soon as possible .

- Now we families , by gathering in this place , are drawing the world and specially U.S and England

attention to this undeniable fact that the leadership of MKO during the years has indicated that never believes in liberty roots and respect to the human rights and

We ask so dismissal saddam , The libty and peace are brought for the people of Iraq, arrangements will be performed that we – families – who haven't any information about our son5 for several years, can keep heat of our dears existence in our breast and have verbal meeting with our dears in Iraq at least.

- The Nejat society hopes to make certain this mankind desire for waiting families with support of all the philanthropists.

((Nejat Society))
2003/5/20

کلیشه شماره ۸: اطلاعیه انجمن نجات وزارت اطلاعات برای توزیع بین نیروهای آمریکایی و تبلیغ علیه مجاهدین

**WE THANK THE AMERICAN FORCES FOR
KEEPING AND LIBERATING OUR PEOPLE FROM
THE DIRTY HANDS OF THE TERRORIST
MUJAHDI KHALIQ ORGANIZATION**

کلیشه شماره ۹: «ما از نیروهای آمریکا برای نگهداری و آزادی نفراتمان از دستهای کثیف سازمان تروریستی مجاهدین خلق تشکر می‌کنیم»

**WE THANK MR. BREMER FOR
LIBERATING OUR PEOPLE**

کلیشه شماره ۱۰: «ما از آقای برمر برای آزادی نفراتمان تشکر می‌کنیم»

این تراکتها توسط عناصر وزارت اطلاعات که همراه با خانواده‌ها به عراق آمده بودند (۸۲/۱۲/۸) در تظاهرات بغداد و در جلو درب ورودی شهر اشرف استفاده و پخش شده است.

فرم پذیرش اعزام

موضوع : پذیرش اعزام به عراق، بمنظور آزادی بستگان از بند مجاهدین

بااحترام ، پیرو درخواست اینجانب خانم/آقای
شماره شناسنامه ساکن ایران ، شهرستان
فرزند متولد به
به آدرس :
تلفن :

ضمن اعلام بی اطلاعی نسبت به وضعیت و سرنوشت خانم/آقای
متولد به شماره شناسنامه بعنوان نامبرده اظهار می دارم :
فرزند

۱- انجمن نجات بعنوان وکیل تام الاختیار اینجانب حق پیگیری و هرگونه اقدام مقتضی را
در چارچوب قانون ، نزد شخصیتها ، سازمانها و مجامع بین المللی در خصوص احقاق
حقوق بستگان فوق الذکر خواهد داشت .

۲- اینجانب بصورت آزادانه و در کمال صحت عقل از پیشنهادات و همکاری انجمن نجات
در راستای رهائی بستگان خویش از بند سازمان مجاهدین خلق استقبال نموده و قبول
تعهدات مربوط به آن نیز با اختیار کامل می باشد .

۳- با توجه به اهداف انساندوستانه انجمن نجات بمنظور بازگشت بستگان خویش به آغوش
خانواده و نجات از اسارت دیکتاتوری سازمان مجاهدین خلق هرگونه ادعا یا تعهد خلاف
توسط اینجانب که مورد پذیرش انجمن نجات نباشد مردود شناخته و تکذیب می گردد .

۴- با توجه به پذیرش قانون و مقررات کشوری بعنوان یک شهروند ایرانی ، هرگونه اقدام
یا ادعا بر خلاف موازین جمهوری اسلامی ایران را مردود دانسته و خود را در قبال آن
متعهد می دانم .

۵- مسئولیت هرگونه اقدام یا ادعا برخلاف قوانین و مقررات کشوری توسط اینجانب بطور
قاطع بر عهده اینجانب بوده و انجمن نجات تعهدی در قبال آن ندارد .

۶- این تعهد نامه در کلیه سطوح حقوقی داخلی و خارجی و نزد مجامع بین الملل دارای
ارزش و اعتبار حقوقی بوده و مفاد آن را تأیید می نمایم .

امضاء و تاریخ

کلیشه شماره ۱۱: این کلیشه که عنوان «فرم پذیرش اعزام» دارد و در عمل کارت
سفید گرفتن وزارت اطلاعات از خانواده ها با تهدید و اجبار به عنوان «وکیل تام الاختیار»
آنها علیه مجاهدین می باشد.

فصل چهارم

رسوایی رژیم
پس از دیدار مجاهدین با خانواده‌ها



همان‌طور که در فصل قبلی توضیح داده شد، وزارت اطلاعات آخوندی از طریق بریده‌مزدوران و نفوذی‌های بازگشتی، تحت عنوان صلیب سرخ یا هلال احمر و انجمن نجات با خانواده‌ها تماس گرفته و آنان را از شهرهای مختلف به تهران فرا می‌خواند. در تهران ضمن بیان انواع دروغ‌ها به آنها می‌گویند جهت نجات جان فرزندان خود، با اکیپی که به عراق می‌رود، اقدام نمایند. اولین اکیپ در تاریخ ۱۹ تیر ۸۲ پس از طی مراحل و توجیه‌های نهایی که توسط مأموران وزارت اطلاعات در تهران صورت می‌گیرد، آنها زیر کنترل و با همراهی عوامل وزارت اطلاعات به عراق منتقل می‌شوند.

در عراق شخصی به نام کشگر که کارمند تلویزیون عربی رژیم (العالم) می‌باشد، مسائل آنان را حل و فصل می‌کند.

این اکیپ که شامل ۲۸ خانواده بودند، در تاریخ ۲۵ تیر ۸۲ پس از تظاهراتی اجباری علیه سازمان در مقابل هتل شرایتون، به سمت دفتر سازمان در بغداد حرکت می‌کنند. همزمان با رسیدن تعدادی از این افراد به جلو دفتر مجاهدین در بغداد، یک خودرو از سفارت رژیم و اکیبی از تلویزیون العالم رژیم نیز آنها را همراهی می‌کنند و از صحنه تظاهرات فیلمبرداری کرده و تلاش می‌کنند آنها را نسبت به ادامه تظاهرات، تشویق

و ترغیب کنند و شعارهای تظاهرات را برای آنها مشخص می کنند. نمایندگان سازمان مجاهدین که در محل بودند، خطاب به خانواده ها تصریح کردند که این اعمال توطئه وزارت اطلاعات است و خانواده ها برای دیدار با فرزندان شان نیازی به این اقدامها ندارند و سازمان و فرزندان شان در قرارگاه اشرف به شما خوشامد می گویند. خانواده ها پس از اطلاع از توطئه وزارت اطلاعات، نسبت به سوءاستفاده رژیم از آنها، ابراز انزجار کرده و با اظهار پشیمانی به محل اقامت خود برگشتند. رادیو رژیم در تاریخ ۲۶ تیر ۸۲ ضمن پخش خبر «تظاهرات جمعی از خانواده های ایرانی در میدان فردوس بغداد» گفت: «این خانواده ها در مصاحبه با خبرنگاران گفتند، ایران امن ترین کشور برای فرزندانمان است و آنان باید به میهن بازگردانده شوند!»

ملاقات مجاهدین با خانواده های شان

خانواده های اعزامی در تاریخ ۲۶ تیر ۸۲ به قرارگاه اشرف آمدند. در آنجا ابتدا توطئه رژیم و سوءاستفاده از آنان برایشان توضیح داده شد. به آنها گفته شد ما مشتاق دیدار خانواده هایمان هستیم، ولی با عناصر وزارت جنایتکار اطلاعات آخوندی و آلت دستهای آن که در جهت توطئه علیه سازمان با ما روبرو می شوند، گفتگو نمی کنیم. این توضیحات افشاگرانه، باعث آگاهی خانواده ها نسبت به توطئه های کثیف وزارت اطلاعات و مزدوران آن شد.

آنها دوروز را با فرزندان شان به طور خصوصی در شهر اشرف سپری کردند. طی این مدت از مزار شهیدان و نقاط مختلف قرارگاه دیدار کرده و در جریان این دیدارها جزییات بیشتری از توطئه اطلاعات آخوندی توسط خانواده ها فاش شد که طی اطلاعیه یی به اطلاع هم میهنان رسید.

مزدوران به خانواده ها گفته بودند «فرزندان شما ناراضی و زندانی هستند و راه این که آنها را نجات بدهید این است که با تظاهرات صدای خودتان را به جامعه بین المللی برسانید تا مجاهدین به شما اجازه ملاقات بدهند!» خانواده ها وقتی فرزندان شان، مناسبات و واقعیت زندگی مجاهدین را از نزدیک دیدند، از دروغ پردازیهای وزارت اطلاعات شوکه شده و می گفتند رژیم واقعیت را ۱۸۰ درجه واژگونه به ما نشان داده بود.

خانواده‌ها هنگام ترک قرارگاه طی نامه‌هایی از میهمان‌نوازی مجاهدین تشکر کردند و می‌گفتند آن‌چه از واقعیتهای زندگی مجاهدین دیده‌اند را برای همه تعریف خواهند کرد و برای دیدارهای بعدی، مستقل از وزارت اطلاعات اقدام خواهند نمود. بسیاری از آنها قبل از ترک قرارگاه اشرف طی یادداشتها و نامه‌های محبت‌آمیزی به این واقعیات اشاره کردند که برخی نمونه‌های آن در این صفحه و صفحه‌های بعد کلیشه شده است.

بنام خدا

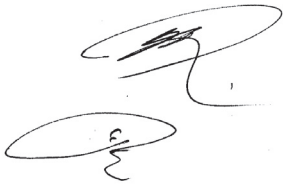
احتراماً: اینجانب  در تاریخ ۱۳۸۲، ۴، ۲۶ به همراه اشرف مربوط به مجاهدین مراجعہ کردم و بدون هیچ مانعی با برادر دم ملاقات کردم. علیرغم ذهنیت قبلی ایجاد شده و تبلیغات سوء در این زمینه به راحتی با برادر دم به گرمی ملاقات نمودم. ایشان در سلامت کامل به سرمی‌برد و به راهی که انتخاب کرده است اعتقاد و ایمان کامل دارد که این از حقوق اولیه ان نیست.

با احترام و سپاس از میهمان‌نوازی مجاهدین

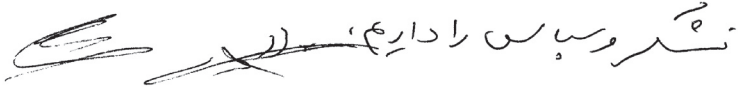
مدرع ۱۳۸۲، ۴، ۲۶

ما بقدر فراوان از دل محمد به نیت صفواران

انجیب و عا در [redacted] [redacted] با اقبال در تاریخ ۸۲ بهار اسرار ما فرزند می بدیم
نفرارگاه از فرزند ارشد از کشتن و با فرزند ان دیر در دستم از پیدای و میل نواز در مجاهدین بهایت شورا
در رسم و اذیت استیم و نیت هم فرارگاه دار فراموشیم با بصیرت و در هر دو گرم می بیند و در وقت هم و علامت هم انرا
آمارش به لری و نیت دیر اند استیم از هیچ نواز ما بر اسرار ما فرزند ان کوناهی نیت رند همه
سپاسگذاریم



در تاریخ ۸۲/۱۱/۱۱ فرزندان راد در کمال سلامت دیده ام و کریم به خلاف
ریم که به ما گفته بود که فرزندان تحت فشار قرار دارد اما ریم از ما خواست مساعد
کرد و توسط محو صفت خانواده ما به دروغ اطلاعات غلط داده ما این عمل زشت
و ننگین ریم را مکتوم و از مجاهدین خلق که این جبار را برای ما مهیا کردند کمال
نکرو سپاس را داریم



بنام خدا

١٢، ١٠، ١٣٨٢ هـ ص ١٤

[illegible]

1 MAY, 1, 15

[illegible] $\Delta C, \Delta \rho, \Delta C$

شکستهای پی‌درپی «انجمن نجات» آخوندها

در تاریخ ۶ مهر ۸۲ تعداد ۱۵۱ خانواده (حدود ۳۰۰ نفر با ۷ توبوس) که باز هم توسط «انجمن نجات» وزارت اطلاعات سازماندهی شده بودند، در قرارگاه اشرف با فرزندانشان دیدار کردند. این تعداد از شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و مازندران بودند.

این اکیپ توسط دو نفر از عوامل وزارت اطلاعات به نام «محبی» و «رفیعی» سرپرستی می‌شدند. آنها قبل از این که خانواده‌های مجاهدین را برای ملاقات به اشرف بیاورند، گفته بودند، مجاهدین در صورتی وادار به پذیرش خواست شما هستند که مقابل ارگانه‌های بین‌المللی تظاهرات کنید و به این ترتیب تعدادی از خانواده‌ها تحت فشار وزارت اطلاعات آخوندی در مقابل مقر نمایندگی ملل متحد در بغداد تجمع نموده و خواستار بازگرداندن فرزندانشان به ایران شدند.

در همین رابطه روزنامه جمهوری ۷ مهر ۸۲ نوشت: «خانواده‌های ۱۵۰ عضو گروهک منافقین برای بازگرداندن فرزندانشان به ایران، وارد کشور عراق شدند». نقطه اوج پروژه رژیم آخوندها برای اخراج مجاهدین از عراق یا زمینه‌سازی استرداد آنها، دیکنه کردن انتشار اطلاعاتی به رییس وقت شورای حکومتی عراق بود که در تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۰۳ یعنی حدود ۲۰ روز مانده به پایان سال مدعی شده بود «این شورا به اتفاق آراء تصمیم گرفته است، مجاهدین خلق را تا آخر سال از عراق اخراج کند» (خبرگزاری فرانسه ۹ دسامبر ۲۰۰۳). در نتیجه آخوند خاتمی در جلسه هیأت دولت رژیم با اشاره به اطلاعاتی رییس وقت شورای حکومتی عراق «بر استرداد مجاهدین به ایران برای بررسی جنایات آنان تأکید کرد» و افزود «ما خواستار ارجاع آنها به ایران هستیم» (تلویزیون رژیم).

دادستانی کل رژیم در اطلاعاتی به تاریخ ۱۷ دی ۸۲، در مورد استرداد مجاهدین و به اصطلاح عفو آنان اعلام نمود: «از خانواده‌های مجاهدین خواسته شده است که درخواست کتبی خود برای بازگشتن فرزندانشان را به مراجع قضایی اعلام کنند. تا با همراهی دولت انتقالی زمینه بازگشت این افراد را فراهم کنند».

سپس در تاریخ ۸ دی ۸۲ اکیپ سوم توسط نجات، به عراق اعزام شد. این اکیپ حدود ۲۷۰ خانواده (حدود ۵۵۰ نفر) را در برمی گرفت که طی ۵ روز در اشرف به ملاقات با فرزندان خود پرداختند.

جالب این که روز قبل از رسیدن این اکیپ به مقابل مقر مجاهدین، رژیم آخوندی در یک رشته اخبار کلیشه‌یی از رسانه‌های رسمی خود اعلام کرد: «جمعی از خانواده‌های ایرانی با اجتماع در برابر دفتر سازمان ملل در بغداد، نجات فرزندان خود از دست مجاهدین را خواستار شدند».

از آن جا که درخواستهای مکرر رژیم آخوندی و شخص خاتمی از آمریکا برای استرداد مجاهدین، با انزجار و محکومیت گسترده جهانی مواجه شده بود، رژیم یهوده تلاش می کرد با این اقدامهای کثیف و جنایتکارانه اهدافش را عملی سازد. در همین رابطه رژیم تلاش نمود با سوءاستفاده از پوش خانواده‌ها، با انجام مصاحبه و مراجعه به مقامهای عراقی، خط استرداد مجاهدین را پیش ببرد.

در تاریخ ۱۲ دی ۸۲ تعداد ۳۴۰ خانواده دیگر که توسط انجمن نجات وزارت اطلاعات سازماندهی شده بودند، با فرزندان شان در قرارگاه اشرف دیدار کردند. این خانواده‌ها، توسط وزارت اطلاعات از تهران و استانهای خراسان، فارس، مازندران، گلستان و لرستان به شهر مرزی مهران اعزام شدند. سپس در ورشگاه این شهر توسط چند مأمور وزارت اطلاعات به نامهای حسینی، حسین فرقانی، محسن هاشمی و خزایی برای تظاهرات و مراجعه به مقامهای عراقی در راستای استرداد مجاهدین و رساندن «امان نامه» رژیم به دست فرزندان شان و از دور خارج کردن آنها توجیه شدند. وزارت اطلاعات با ایجاد نگرانی برای خانواده‌ها و با استفاده از حکم شورای حکومتی عراق، به آنها گفته بود چون دولت ایران در صدد تحویلگیری مجاهدین است، شما برای نجات فرزندان تان «امان نامه» ببرد.

وزارت اطلاعات هم چنین به خانواده‌ها دستور داده بود در مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در بغداد علیه مجاهدین تظاهرات کنند و بگویند ما می خواهیم فرزندانمان را به ایران برگردانیم. بعد از این توجیه‌ها، پلاکاردهای تهیه شده برای تظاهرات به ۵ سراکپ که مأموران وزارت اطلاعات بودند، تحویل داده شد. وظیفه

اصلی و دستورالعمل وزارت اطلاعات برای سراکیپها و مأمورانی که به همراه خانواده‌ها به عراق اعزام شدند به شرح زیر مشخص شده بود:

- خانواده‌ها اعم از این که با فرزندان خود را دیدار کنند یا نه، باید در بغداد «علیه مجاهدین تظاهرات» کنند و «حداکثر انرژی بایستی برای تظاهرات در بغداد گذاشته شود».

- باید «حداکثر استفاده را از تصمیم شورای حکومتی عراق به عمل آورد... این سفر فرصت نهایی» است. خانواده‌ها را تشویق کنید که مسئله بازگشت را با فرزندان خود، «به طور مطلوب» مطرح کرده و به آنها بقبولانند.

اما به رغم فشارهای وزارت اطلاعات، این بار همه خانواده‌ها که به دلیل روشنگریهای مجاهدین به توطئه آنها پی برده بودند، پس از رسیدن به بغداد، از تظاهرات علیه مجاهدین خودداری کردند و تسلیم شانتاژها و تهدیدهای مزدوران اطلاعاتی نشدند.

لازم به ذکر است که وزارت اطلاعات در جمع‌بندی از اقدامهای انجام شده با سوءاستفاده از خانواده‌ها، به این نتیجه رسید که اعزام جمعی آنها، به ضررش تمام شده است. هرچند که از این طریق، رژیم توانست چند تظاهرات محدود را به پیش ببرد، اما به دلیل برملا شدن دروغ‌پرازیها و اعمال ضدانسانی و رذیلت‌هاش، به هیچ یک از هدفهای مشخص شده خود دست نیافت.

خانواده‌ها در اولین تماس با مجاهدین به دروغهای بسیاری که به آنها گفته شده بود، پی بردند و تحت تأثیر مناسبات انسانی و پاک مجاهدین و ایمان انقلابی آنان به سرنگونی آخوندها، به ترس و وحشت رژیم از دشمن اصلیش واقف شده و از این رو ارزش ایستادگی و پایداری مجاهدین در برابر همه این توطئه‌ها را درک می کردند. مزدور حسین فرقانی که یکی از عناصر اصلی وزارت اطلاعات در انجمن نجات است، در جمع‌بندی اقدامهای وزارت اطلاعات در اعزام جمعی خانواده‌ها گفته است:

«جمعی فرستادن خانواده‌ها به قرارگاه اشرف این بدی را داشت که سازمان به خانواده‌ها برچسب می زد که شماها را اطلاعات فرستاده است، ما که نمی خواهیم

بهانه به دست سازمان بدهیم، خواهشمان این است که مسئولان اجازه بدهند خانواده‌ها تکی برای ملاقات بروند. تنها راه که معقولانه‌ترین راه هم هست، مراجعه انفرادی خانواده‌هاست بدون این که ما اتوبوس راه بیندازیم».

به این ترتیب توطئه‌یی که دشمن برای ضربه زدن به مجاهدین طراحی کرده بود، به خودش برگشت و شفافیت و صداقت مجاهدین در برخورد با خانواده‌هایشان، زبونی و ذلت عوامل رژیم را بیش از پیش در معرض قضاوت همگان قرار داد.

ترفندهای اطلاعات آخوندی

یکی از ترفندهای وزارت اطلاعات برای وادار ساختن خانواده‌ها به شرکت در «کاروانهای» سازمان یافته اطلاعات آخوندی، ایجاد نگرانی در مورد سرنوشت مجاهدین در عراق است. از آن جا که با حضور مجاهدین و ارتش آزادیبخش در کنار مرزهای میهن، همواره صورت مسأله سرنگونی در مقابل رژیم قرار دارد، مهمترین هدف سوءاستفاده از خانواده‌ها، وارد کردن ضربه به تشکیلات مجاهدین بوده است.

عوامل رژیم با انواع شایعه پراکنیها، توطئه و تهدیدها و با وانمود کردن این که مجاهدین در حال اخراج از عراق هستند و مقصد و سرنوشت آنها نامعلوم است، یا آینده نامعلومی دارند، تلاش کرده و می کند خانواده‌ها را بفریند تا هنگام دیدار با فرزندان خود نسبت به بازگرداندن آنها به ایران تلاش کنند.

مأموران اطلاعات در اولین اعزام خانواده‌ها به عراق، برای این که خانواده‌ها را وادار به سفر به عراق در اکیپهای مزبور نمایند، با توجه به این که دولت قبلی عراق سرنگون شده و بمبارانها و حمله‌های نظامی به قرارگاههای مجاهدین تازه به پایان رسیده بود، به خانواده‌ها می گفتند «مجاهدین چیزی برای خوردن ندارند، در وضعیت صنفی و روحی بسیار بدی به سر می برند، لباسهای فرمشان را گرفته اند و وسایلشان را می فروشند که غذای خود را تأمین کنند». دادن انبوه خبرهای دروغ از قبیل این که فرزندان در زندان مجاهدین به سر می برند یا کتک خوردن و بازداشت فرزندانشان توسط مجاهدین به دلیل این که دیگر حاضر به همکاری با آنها نبوده اند یا خبرهایی از قبیل بیماریهای حاد و دچار شدن به عدم تعادل روانی! یا مجروح شدن فرزندان

بخشی از شیوه‌های کثیف وزارت اطلاعات برای جلب همکاری خانواده‌ها و کشاندن آنها به تظاهرات و اعتراض علیه مجاهدین است. این پروژه وزارت اطلاعات با تمام روشهای ضدانسانی از این قبیل هم‌چنان ادامه دارد.

پس از انتشار اطلاعیه رییس وقت شورای حکومتی عراق درباره این که مجاهدین باید ظرف ۲۰ روز خاک عراق را ترک کنند، از سوی وزارت اطلاعات به خانواده‌ها گفته شده بود تا ۲۰ روز دیگر فرزندانان به آفریقا فرستاده می‌شوند و اگر تأخیر کنید، هرگز فرصت دیدار با آنها را نخواهید داشت!

به برخی خانواده‌ها که یکی از اعضای آنها در زندان بوده یا مشکلات قانونی و حقوقی داشته‌اند، گفته شده است اگر موفق به بازگرداندن فرزند مجاهد خود شوند، فرد زندانی را آزاد می‌کنند یا مشکلات قانونی و حقوقی آنها را حل و فصل کرده و از اجرای حکم در مورد آنها صرف‌نظر می‌کنند.

وزارت اطلاعات قبل از اعزام هراکیپ، از خانواده‌ها تعهد گرفته و به آنها تأکید می‌کند که باید به فرزندانشان بگویند، رژیم عفو داده است و می‌توانند بدون هیچ مشکلی به ایران برگردند. به همه خانواده‌ها قسمتهایی از مطالب روزنامه‌های رژیم که متن به اصطلاح عفو دادستانی دژخیم رژیم آخوندی در آن درج شده بود را برای نشان دادن به فرزندانشان و به زعم خودشان تأثیرگذاری بر روی آنها، داده شده بود. هم‌چنین از خانواده‌ها تعهد مکتوب گرفتند که در سفر به عراق و دیدار با مجاهدین هیچ حرفی علیه رژیم نزنند و هیچ اقدامی علیه منافع نظام انجام ندهند.

افشا و محکومیت توطئه‌های رذیلانه و ضدانسانی آخوندها

یکی از ترفندهای رژیم ضدبشری آخوندی، دیکته کردن اخراج مجاهدین به شورای حکومتی موقت عراق بود که با هدف تحویل گرفتن و کشتار مجاهدین انجام شد. خانواده‌های مجاهدین که به شدت نگران سلامتی فرزندانشان بودند، عواطفشان به‌طور ضدانسانی مورد سوءاستفاده وزارت اطلاعات رژیم قرار گرفت. کمالین که آخوند نمازی جنایتکار، دادستان کل رژیم هم از عمل ضدانسانی فشار روی خانواده‌ها برای درخواست استرداد فرزندانشان، فروگذار نکرد. البته مخالفت با این

اعمال ننگین و ضدبشری توسط افکار عمومی جهان محکوم شد. به طوری که در یک کارزار بین‌المللی اکثریت نمایندگان پارلمان اروپا، نمایندگان پارلمان ایتالیا و بسیاری از برجسته‌ترین حقوقدانان و وکلای جهان توطئهٔ رذیلانهٔ اخراج و استرداد مجاهدین و سوءاستفادهٔ رژیم آخوندی از خانواده و اقوام اعضای مجاهدین را محکوم نمودند. از جمله اکثریت نمایندگان پارلمان ایتالیا در «بیانیهٔ فراخوان بین‌المللی علیه توطئه‌های ملایان برای استرداد و کشتار مجاهدین»، فشار به خانواده‌های مجاهدین را محکوم کردند.

در این بیانیه که در نشریهٔ مجاهد ۶۴۷ در ۱۹ اسفند ۸۲ چاپ شده، از جمله آمده است: تصمیم ۹ دسامبر شورای حکومتی موقت عراق در خصوص اخراج مجاهدین به سرعت مورد استقبال ملایان تهران قرار گرفت. بلافاصله معاون خاتمی گفت: «ما روابط بسیار خوبی با شورای حکومتی داریم و در مورد مجاهدین مباحثه داشته‌ایم و این تصمیم نتیجهٔ آن است». ۱۷ دسامبر رئیس جمهور رژیم اعلام کرد: «ما بارها گفته‌ایم که خواستار بازگرداندن مجاهدین به ایران هستیم» تا «مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند». ۲۲ دسامبر رفسنجانی رئیس جمهور سابق رژیم اعلام کرد: «رده‌های پایین منافقین می‌توانند به ایران بیایند اما کسانی که مجرم هستند باید به ایران تحویل داده شوند».

... همزمان رژیم ملایان خانواده‌های مجاهدین را در داخل ایران مجبور به نامه‌نگاری علیه مجاهدین می‌کند. روز ۲۱ دسامبر دادستان کل رژیم از خانواده‌های مجاهدین خواست «درخواست رسمی خود را برای بازگرداندن فرزندانشان، به مقامات امنیتی، انتظامی یا قضایی تحویل دهند» وی افزود «آنهايي که مجرمند به عنوان تروريست بايد تحویل مقامات امنیتی و نهایتاً تحویل مقامات قضایی بشوند».

اکثریت پارلمان ایتالیا (۳۱۸ نماینده) طی بیانیه‌ی از دولت آمریکا و ملل متحد خواستار تضمین امنیت و حفاظت مجاهدین شدند

ایل مساجرو (۱۵ اسفند): این بیانیه به‌طور فوق‌العاده از طرف تمام گروه‌های پارلمانی از احیای کمونیستی تا دموکرات چپ، مارگاریتا، ائتلاف ملی و بزرگ‌ترین حزب دولتی، حزب زنده‌باد ایتالیا، به‌امضا رسیده است.

بیانیه اکثریت پارلمان ایتالیا

فراخوان بین‌المللی علیه توطئه‌های ملایان برای استرداد و کشتار مجاهدین

آخوندهای ایران باهدف تحویل گرفتن و کشتار آنها دیکته شده است.

همزمان رژیم ملایان خانواده‌های مجاهدین را در داخل ایران مجبور به‌نامه‌نگاری علیه مجاهدین می‌کند. روز ۲۱ دسامبر دادستان کل رژیم از خانواده‌های مجاهدین خواست «در خواست رسمی خود را برای بازگرداندن فرزندان، به مقامات امنیتی، انتظامی یا قضایی تحویل

دهند» وی افزود «آنهايي که مجرمند به‌عنوان تروریست باید تحویل مقامات امنیتی و نهایتاً تحویل مقامات قضایی بشوند» (۲۱ دسامبر).

در خواسته‌ای مصرانه برای استرداد مجاهدین در شرایطی به‌عمل می‌آید که

مجمع عمومی ملل متحد اخیراً طی یک قطعنامه شدیدالحن استمرار اعدام و شکنجه و نقض حقوق زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران را محکوم کرد. سردمداران رژیم در حالی دم از «عفو کسانی که دستشان به جنایت آلوده نیست» می‌زنند که هزاران نفر تاکنون به‌خاطر پخش یا داشتن اطلاعاتیه‌های مجاهدین اعدام شده‌اند. گزارشگر دستگیریهایی خودسرانه در ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد «ما با چندین عضو گروه مجاهدین خلق ملاقات کردیم. احتمالاً اعضای بیشتری از

تصمیم ۹ دسامبر شورای حکومتی موقت عراق در خصوص اخراج مجاهدین به‌سرعت مورد استقبال ملایان تهران قرار گرفت. بلافاصله معاون خاتمی گفت: «ما روابط بسیار خوبی با شورای حکومتی داریم و در مورد مجاهدین مباحثه داشته‌ایم و این تصمیم نتیجه آن است». ۱۷ دسامبر رئیس‌جمهور رژیم اعلام کرد: «ما بارها گفته‌ایم که خواستار بازگرداندن مجاهدین به ایران هستیم» تا «مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند».

۲۲ دسامبر رفسنجانی رئیس‌جمهور سابق رژیم اعلام کرد: «رده‌های پایین منافقین می‌توانند به ایران بیایند اما کسانی که مجرم هستند باید به ایران تحویل داده شوند».

روز قبل از آن

سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران «خواستار استرداد فوری مجاهدین» شد و در پاسخ به تصمیم دولت آمریکا و اظهارات سفير پل برمر گفت: «این غیر قابل قبول است که آمریکا اینها (مجاهدین) را به کشورهای دیگر منتقل کند». وی افزود «به کشورهای دیگر بخصوص اروپا یها تذکر داده‌ایم که حضور منافقین در این کشورها سابقه منفی در مناسبات با ایران تلقی می‌شود». این ارباب و شانتاز علیه اروپا، به‌خوبی نشان می‌دهد اخراج مجاهدین از ابتدا توسط

همزمان رژیم ملایان خانواده‌های مجاهدین را در داخل ایران مجبور به‌نامه‌نگاری علیه مجاهدین می‌کند. روز ۲۱ دسامبر دادستان کل رژیم از خانواده‌های مجاهدین خواست «در خواست رسمی خود را برای بازگرداندن فرزندان، به مقامات امنیتی، انتظامی یا قضایی تحویل دهند» وی افزود «آنهايي که مجرمند به‌عنوان تروریست باید تحویل مقامات امنیتی و نهایتاً تحویل مقامات قضایی بشوند»

ملایان که در حضيض ضعف و تشمت، با مقاومت روبه افزایش مردم مواجهند، در صددند با حذف مجاهدین، هم تهدید موجودیت خود و هم جدترین مانع استقرار یک استبداد مذهبی در عراق را کنار بزنند. اما حضور هزاران تن از شیوخ، عشایر و شهروندان عراقی در دهها مناسبت از جمله عید فطر، در قرارگاه اشرف و حضور نمایندگان آنها در جلسه شب ایران (لندن - ۱۴ دسامبر) و اعلام مواضع صریح آنها علیه اخراج مجاهدین، گواه استقبال مردم این کشور از حضور مجاهدین در عراق است.

ما از دبیر کل، شورای امنیت و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد می‌خواهیم توطئه‌های رژیم آخوندها علیه مجاهدین و تلاشهای وقیحانه‌اش را برای استرداد و کشتار آنها محکوم کنند و از دولت آمریکا می‌خواهیم بنا به وظایفی که معاهدات بین‌المللی برعهده‌اش می‌گذارد تضمینهای ضروری را برای امنیت و حفاظت مجاهدین فراهم سازد.

این سازمان در بند ۲۰۹ زندان اوین بودند که ما آنها را ندیدیم، تصور ما این است که رفتاری که با زندانیان در این بند می‌شود رفتاری غیرانسانی و مخالف حقوق بشر است».

حاکمان تهران مانند خامنه‌ای و خاتمی و رفسنجانی از بالاترین مسئولان اعدام ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی، قتل عام ۳۰ هزار زندانی در تابستان ۱۳۶۷ و شکنجه ۵۰۰ هزار زندانی دیگر و اعمال وحشیانه‌ترین سرکوب علیه زنان و اقلیتهای مذهبی و قومی می‌باشند و می‌بایست در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند..

از سوی دیگر هم چنان که برجسته‌ترین متخصصان حقوق بین‌الملل اعلام کرده‌اند ایالات متحده باید حفاظتی را که کنوانسیون چهارم ژنو برای اعضای مجاهدین قاتل می‌شود، به اجرا بگذارد که بر اساس آن انتقال یا اخراج مجاهدین به خارج عراق، به خصوص به ایران، ممنوع است.

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگان پارلمان ایتالیا



Comunicato Stampa

La maggioranza del Parlamento italiano condanna il complotto del regime dei mullah contro i mujahedin del popolo iraniano e chiede le garanzie per la loro sicurezza e incolumità

Un appello per impedire che i Mojahedin del Popolo iraniano, organizzazione che da anni resiste e si oppone al regime teocratico di Teheran, siano espulsi dalla loro base di Ashraf in Iraq, o consegnati nelle mani dei loro carnefici. L'appello firmato da 318 parlamentari di diversi gruppi politici (Forza Italia, AN, Margherita, Verdi, Rifondazione Comunista e DS) sottolinea come i Mojahedin rappresentino "la più grande minaccia per il regime dei mullah e il più serio ostacolo all'instaurazione di una dittatura religiosa in Iraq da parte del regime di Teheran."

Questa minaccia di espulsione si concretizza in un momento in cui "la stessa ONU condanna severamente il perdurare di esecuzioni, l'utilizzo sistematico della tortura e della violazione dei diritti delle donne e delle minoranze etnico/religiose", tanto che sono ormai "migliaia le persone fucilate dal regime soltanto perché sospettati di essere vicini alle posizioni dei Mojahedin."

In una conferenza stampa tenuta alla sala del Cenacolo presso la Camera dei Deputati, i parlamentari Russo Spina, Corsetto, Mantovani, Bianchi e Giacco in rappresentanza dei 318 firmatari hanno denunciato il momento di grave crisi e difficoltà del regime iraniano "sotto il peso sempre più alla crescente resistenza popolare". I parlamentari si appellano "al Segretario Generale delle Nazioni Unite e al Consiglio di Sicurezza, alla Commissione per i diritti Umani dell'Onu affinché si impedisca l'estradizione in Iran dei Mojahedin" e si ribadisce la necessità che "le truppe che stanno occupando l'Iraq a cominciare da quelle degli Stati Uniti rispettino i doveri stabiliti dalle convenzioni internazionali". I parlamentari chiedono inoltre che sia consentito alla Croce Rossa Internazionale di accertarsi dello stato in cui i Mujahedin sono costretti a vivere nel campo di Ashraf, diventato di fatto, un campo di prigionia.

L'on. Russo Spina ha definito "assurda l'inclusione dei Mojahedin nella lista delle organizzazioni terroristiche stilate dagli USA", mentre l'on. Corsetto ha sostenuto "che solo l'instaurazione di un regime democratico in Iran può garantire sicurezza e pace in quella zona." L'on. Bianchi ha sollecitato "una maggiore attenzione della politica dell'Unione Europea nei confronti dell'Iran" e la necessità "di mettere al centro di questa nuova politica "la richiesta del popolo iraniano alla democrazia e il ripristino dei diritti umani".

Alla conferenza stampa erano presenti anche due avvocati delle famiglie dei Mujahedin residenti in Iraq che hanno argomentato "l'illegittimità della decisione di espellere da quel paese la principale organizzazione dell'opposizione iraniana."

Roma, 3 marzo 2004

Handwritten signatures and text in Italian:
 L'on. Russo Spina (LUSURNO)
 L'on. Corsetto (CORSETTO)
 L'on. Mantovani (MANTOVANI)
 L'on. Bianchi (BIANCHI)
 L'on. Giacco (GIACCO)

دادستان کل کشور: اعضای گروهک منافقین که اقدامات تروریستی نداشته‌اند مورد عفو قرار می‌گیرند

گروه سیاسی: دادستان کل کشور گفت: اعضای گروهک منافقین که در اقدامات تروریستی حضور نداشته و دستانشان آلوده به قتل و کشتار و خون مردم مظلوم ایران نشده است، مورد عفو و رافت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند.

آیت الله نمازی در نشست خبری روز گذشته با بیان این مطلب گفت: در روزهای گذشته شورای حکومت انتقالی عراق خروج اعضای گروهک منافقین از عراق تصویب کرد و نماینده غیرنظامی امریکا در عراق نیز پذیرفت. این مساله و بازتاب خبری آن موجب نگرانی خانواده‌های اعضای این گروهک در ایران شد.

وی گفت: در این روزها مراجعات فراوان خانواده‌های این افراد به مراکز امنیتی، نظامی و انتظامی که نگران سرنوشت و آینده فرزندان‌شان بودند، موجب شد تا تمهیداتی توسط جمهوری اسلامی ایران و شورای انتقالی عراق برای بازگشت این افراد به آغوش خانواده‌هایشان صورت گیرد.

نمازی با اشاره به وصیتنامه سیاسی - الهی امام (ره) مبنی بر نصیحت این افراد که اگر دست به جنایت نزده‌اند، توبه کنند، جمهوری اسلامی ایران و ملت از آنها می‌گذرند، گفت: امروز هم موضع جمهوری اسلامی ایران و مصوبه شورای امنیت کشور مبنی بر تدبیر حضرت امام (ره) است و با این افراد با مهر و شفقت و اغماض برخورد خواهد شد.

وی گفت: خانواده اعضای بدنه گروهک تروریستی می‌توانند با مراجعه به مراجع قضایی درخواست ارائه کنند تا جمهوری اسلامی با همراهی دولت انتقالی، زمینه بازگشت این افراد را فراهم کنند. نمازی با اشاره به این که تعداد این افراد حدود ۳ تا ۴ هزار نفر است، گفت: افرادی که حتی در زمان جنگ از خدمت سربازی فرار کرده‌اند، پس از تشکیل پرونده، با اغماض بسیار نسبت به این افراد برخورد خواهد شد.

نمازی درباره سران این گروهک که طراحان وسیع عملیات تروریستی بوده‌اند، گفت: حکم این افراد با سایرین فرق می‌کند و آنها در دادگاه محاکمه خواهند شد و در صورت نداشتن شاکی خصوصی، حقوق حاکمیت درباره آنان بررسی خواهد شد.

وی انتقال سران گروهک منافقین به ۳ کشور اروپایی را مغایر قوانین بین‌المللی خواند و گفت: انتقال این افراد به هر کشوری معضلات سیاسی، اعتبار بین‌المللی و امنیتی را به همراه خواهد داشت.

اطلاعیهٔ آخوند نمازی جنایتکار، دادستان کل رژیم که در دی‌ماه ۸۲ به‌طور گسترده در همهٔ رسانه‌های دولتی منتشر شد

توطئه‌های تروریستی و جاسوسی رژیم آخوندی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق

دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران بار دیگر با اعزام شماری از مأموران و جاسوسان وزارت اطلاعات به عراق تحت عنوان خانواده مجاهدین، مذبوحانه تلاش کرد چنین قلمداد کند که مجاهدین فرزندان آنها را به‌زور و برخلاف میل خودشان در عراق نگهداشته‌اند. در همین رابطه شب و روز گذشته (۷ دیماه) رادیو و تلویزیون و مطبوعات رژیم آخوندی در یک رشته اخبار کلیشه‌یی اعلام کردند: «جمعی از خانواده‌های ایرانی با اجتماع در برابر دفتر سازمان ملل در بغداد، نجات فرزندان خود از دست مجاهدین را خواستار شدند».

همزمان صبح دیروز یک اکپ از مأموران وزارت اطلاعات با مراجعه به قرارگاه اشرف مدعی شدند که برای تحقیق در مورد «زندانیان» مجاهدین در این قرارگاه آمده‌اند! اما در مواجهه با چک هویت و سؤالاتی در مورد فعالیت‌هایشان، «تحقیق» را فراموش کرده و شتاب‌زده فرار را برقرار ترجیح دادند.

ساعتی بعد یک اکپ دیگر از مأموران و جاسوسان وزارت اطلاعات با اتوبوس به قرارگاه اشرف آمده و مدعی شدند که خانواده‌های اعضای مجاهدین را با خود آورده‌اند. این مزدوران هم پس از اندکی تحقیق در مورد هویتشان بدون این که موفق به اجرای طرح خود شوند مدت کمی بعد به بغداد بازگشتند.

این اقدامات بخشی از جنگ روانی گسترده‌یی است که فاشیسم مذهبی حاکم همزمان با زدوبند و دسیسه‌چینی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران است، به‌خصوص که درخواست‌های مکرر رژیم آخوندی و شخص خاتمی از آمریکا برای استرداد مجاهدین، با انزجار و محکومیت گسترده جهانی مواجه شده است و حالا رژیم با به‌راه‌انداختن این شعبده‌بازی بیهوده تلاش می‌کند افرادی را که خواستار تحویل گرفتارانشان بوده است، همان کسانی قلمداد کند که در عراق به‌زور نگهداری می‌شوند.

این دعای آن اندازه مضحک است که هیچ ارزشی برای پاسخگویی ندارد. همگان می‌دانند که مجاهدین یک جنبش تماماً داوطلب است که هیچ‌کس برخلاف میل خود نه وارد آن شده و نه در آن نگهداری می‌شود. کمالین که مجاهدین از دیدار همه خانواده‌ها و هموطنان خود به‌دور از چشم مأموران وزارت اطلاعات قویاً استقبال می‌کنند.

طرح این دعاوی ۹ ماه پس از سقوط حکومت سابق عراق، درحالی که امروز نیروهای ائتلاف و به ویژه نیروهای آمریکایی کنترل همه امور را در دست دارند و در شرایطی که قرارگاه اشرف مورد بازدید دهها هزار نفر از شیوخ عشایر، روشنفکران و شهروندان عراق و هم چنین نمایندگان نیروهای ائتلاف قرار گرفته است، هذیان گوییهای رژیمی است که هرگز از دست مردم ایران و فرزندان مجاهد و مبارز آنان خلاصی نخواهد یافت.

سه روز قبل از اعزام مزدوران به قرارگاه اشرف (پنجشنبه ۴ دی) تروریستهای رژیم آخوندی به روی هزاران تن از مردم شریف عراق که در میدان فردوس بغداد در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران دست به تظاهرات زده بودند آتش گشودند.

سازمان مجاهدین خلق ایران بار دیگر توجه مراجع و سازمانهای ذیربط بین المللی را به تشبثات و توطئه های دیکتاتوری تروریستی حاکم بر ایران علیه مجاهدین در خاک عراق و علیه خانواده هایشان در ایران که از بارزترین مصادیق نقض حقوق بشر است جلب می کند و از آنها می خواهد تا رژیم ضدبشری آخوندی را وادار سازند، به هزاران هزارتن از اعضای خانواده های مجاهدین اجازه دهد آزادانه و به دور از نظارت شکنجه گران و درخیمان اطلاعات آخوندی برای زیارت عتبات عالیات و دیدار عزیزانشان راهی عراق شوند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۸ دی ۱۳۸۲

اطلاعیه شماره ۲

**توطئه اطلاعات آخوندی علیه مقاومت با هوشیاری خانواده‌های
مجاهدین شکست خورد**

**به دنبال انزجار جهانی از درخواست استرداد مجاهدین، وزارت اطلاعات با
ارعاب خانواده‌ها برای استرداد مجاهدین زمینه‌سازی می‌کند**

وزارت اطلاعات رژیم آخوندی در هفته‌های اخیر دور جدیدی از جنگ روانی علیه مجاهدین را با اعمال فشار و تهدید و ارعاب خانواده‌های مجاهدین آغاز کرده است. هدف همه این تشبیهات و تمهیدات، زمینه‌سازی برای استرداد مجاهدین است. موضوعی که طی سه هفته گذشته بارها از سوی خاتمی از آمریکا درخواست شده و با انزجار گسترده بین‌المللی و مخالفت گسترده مردم عراق و همچنین مخالفت دولت آمریکا مواجه شده است.

۱. دادستانی کل رژیم در اطلاعیه اول دی‌ماه خود اعلام کرد: «موضوع بازگشت مجاهدین از عراق به کشور در شورای امنیت کشور» بررسی شده و «مسئولین نهادها و سازمانهای اطلاعاتی، امنیتی، قضایی و انتظامی دیدگاههای خود را» در این رابطه مطرح کرده‌اند. در این اطلاعیه از خانواده‌های مجاهدین خواسته شده «درخواست کتبی خود را برای بازگشت فرزندانشان به دستگاههای امنیتی، انتظامی و قضایی ارائه کنند».

۲. همزمان وزارت اطلاعات اقدام به سازمان دادن چند اکیب از مزدورانش به همراه تعدادی از خانواده‌ها به عراق جهت تظاهرات در مقابل مقر سازمان ملل متحد و مراجعه به قرارگاه اشرف نمود تا وانمود کند که اعضای مجاهدین به اجبار و برخلاف میل خودشان در عراق نگهداشته شده‌اند. ۷دی (۲۹ دسامبر) رسانه‌های وابسته به وزارت اطلاعات در تهران قبل از مراجعه این اکیپها به قرارگاه اشرف، خبر این مراجعه را پخش کردند و سازمان یافتگی آن از سوی وزارت اطلاعات را برای همگان روشن ساختند.

۳. رژیم آخوندی در یک صحنه‌سازی مضحک چندی است که یک انجمن به ظاهر غیردولتی تحت عنوان «انجمن نجات» درست کرده است که جزیی از ساختار وزارت اطلاعات رژیم آخوندی است. اداره اطلاعات در هر شهری، یک شاخه «انجمن نجات» تأسیس کرده است که گردانندگان آن عوامل مستقیم وزارت اطلاعات هستند.

۴. از روز ۷ دی تا روز گذشته ۱۱ دی ماه چندین گروه از خانواده‌های مجاهدین تحت فشار، تهدید و ارباب یا تحت تأثیر دروغ‌پردازیه‌های رژیم آخوندی با اتوبوسهای وزارت اطلاعات و تحت عنوان اکیپهای انجمن نجات، به قرارگاه اشرف برده شدند. مسئولان سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام نمودند که درهای قرارگاه اشرف نه تنها بر روی خانواده‌های مجاهدین بلکه بر روی همه مردم ایران باز است، اما عوامل وزارت اطلاعات، تحت عناوین مختلف از جمله «انجمن نجات»، حق ورود به قرارگاه را ندارند و خانواده‌ها را بدون حضور مأموران اطلاعات به داخل قرارگاه پذیرفتند.

۵. اکثر این خانواده‌ها بعد از دیدار و صحبت خصوصی با فرزندان‌شان و بازدید از قرارگاه اشرف و روشن شدن بطلان دروغ‌های رژیم، توطئه اطلاعات آخوندی را برملا نمودند. این خانواده‌ها اسناد مختلفی را در اختیار مجاهدین قرار دادند. که هیچ تردیدی در مورد اهداف رژیم آخوندی از این توطئه باقی نمی گذاشت.

۶. یکی از این اسناد ابلاغیه‌یی از انجمن به اصطلاح نجات تحت عنوان «مکاتبه هفتم» است که به خوبی از ماهیت و اهداف این انجمن پرده بر می دارد. در این ابلاغیه آمده است: «انجمن نجات افتخار دارد که در صدد انجام مقدمات سومین سفر خانواده‌ها به عراق و ملاقات با فرزندان خویش می باشد». این ابلاغیه با اشاره به «خبر مسرت بخش» صدور حکم شورای حکومتی عراق برای اخراج مجاهدین، این حکم را نتیجه «تلاش‌های خانواده‌ها (یعنی انجمن دست ساز وزارت اطلاعات)» دانسته و می نویسد صدور حکم اخراج مجاهدین از سوی شورای حکومتی «این امید را در دل خانواده‌ها ایجاد کرد که به از بین رفتن حصارهای تشکیلاتی و متلاشی شدن منافقین، احتمال بازگشت فرزندان ما به آغوش خانواده‌ها بیشتر خواهد شد. اینکه که سازمان جهنمی مجاهدین خلق در آستانه فروپاشی و اضمحلال است باید عزم راسخ خود را بکار بندیم تا آخرین فشار را به آنان وارد کنیم و به هدف نهایی خود که آزادی فرزندانمان است برسیم».

۷. ابلاغیه دیگری به امضای «انجمن نجات» اعتراف می کند که «دومین کاروان» متشکل از ۲۷۰ نفر از اعضای خانواده‌های مجاهدین «به دعوت انجمن نجات بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۵ مهر ۸۲ از مقابل هلال احمر اصفهان با یک دستگاه اتوبوس به سمت مهران حرکت و از آنجا نیز به عراق سفر کردند». سازمان مجاهدین خلق ایران در همان زمان جزییات اقدامات وزارت اطلاعات برای راه اندازی «دومین کاروان» را به اطلاع عموم رساند.

۸. این خانواده‌ها هم چنین افشا کردند یکی از ترفندهای وزارت اطلاعات برای وادار ساختن خانواده‌ها به شرکت در «کاروانهای» سازمان یافته اطلاعات آخوندی، ایجاد نگرانی در مورد سرنوشت مجاهدین و وانمود کردن این است که آنها در حال اخراج از عراق هستند و مقصد و سرنوشت آنها نامعلوم است لذا بهتر است که خانواده‌ها با مراجعه به فرزندان خود

و بازگرداندن آنها به ایران، آنها را از این مخمصه نجات بخشند.

۱۴ ماه پیش در اکتبر ۲۰۰۲ رژیم آخوندی با به‌راه‌انداختن یک تظاهرات ساختگی از مأموران و مزدورانش تحت عنوان خانواده‌های مجاهدین در مقابل دفتر ملل متحد در تهران، مدعی شد که فرزندان این افراد به‌زور توسط مجاهدین نگهداری شده‌اند. اما همان زمان مقاومت ایران اعلام کرد اگر رژیم راست می‌گوید اجازه بدهد خانواده‌های مجاهدین به عراق بیایند و فرزندان‌شان را از نزدیک ببینند و هرکس هم مایل بود که همراه خانواده‌اش به ایران بازگردد، مجاهدین همه گونه تسهیلات برای او فراهم خواهند کرد و مخارج بازگشتش را به ایران تأمین خواهد کرد. اما رژیم حتی به یک‌تن از خانواده‌های مجاهدین اجازه سفر به عراق نداد. سازمان مجاهدین مانند همیشه به خانواده‌های مجاهدین در قرارگاه اشرف خوش آمد می‌گوید هم‌چنان که طی ماه‌های اخیر و پس از سرنگونی رژیم گذشته عراق، صدها تن از خانواده‌های مجاهدین از داخل و خارج کشور به قرارگاه اشرف رفته و با فرزندان‌شان دیدار کرده‌اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران بار دیگر توجه مراجع بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به سوءاستفاده رژیم آخوندی از خانواده و اقوام اعضای مجاهدین که از مصادیق بارز نقض حقوق بشر می‌باشد جلب می‌کند و خواستار اقدامات فوری برای بازداشتن رژیم آخوندی از این اقدامات رذیله و ضدانسانی است.

تشبثات و توطئه‌های بی‌وقفه رژیم آخوندی علیه حضور مجاهدین در عراق گواه روشنی بر ترس و هراس بی‌پایان فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران از مقاومت عادلانه‌ای است که بزرگترین تهدید موجودیت این رژیم و مانع اصلی در برابر صدور بنیادگرایی و تروریسم به عراق و استقرار یک استبداد مذهبی دست‌نشانده در این کشور است.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۲ دی ۱۳۸۲

اطلاعیه شماره ۳

سوءاستفاده‌های ضد انسانی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی از خانواده‌های مجاهدین

هم‌چنان که در اطلاعیه شماره ۲ سازمان مجاهدین خلق ایران مورخ ۱۲ دیماه آمده است دادستانی، وزارت اطلاعات و دیگر ارگانهای سرکوبگر رژیم آخوندی دور جدیدی از توطئه و اعمال فشار بر خانواده‌های مجاهدین را آغاز کرده‌اند که هدف آن زمینه‌سازی برای استرداد مجاهدین است. موضوعی که هفته‌های گذشته بارها از سوی خاتمی از آمریکا درخواست و با انزجار گسترده بین‌المللی و مخالفت گسترده مردم عراق و هم‌چنین مخالفت دولت آمریکا مواجه شده است. به‌همین منظور وزارت اطلاعات چندین اکیپ از مزدورانش را به‌همراه تعدادی از خانواده‌های مجاهدین به عراق اعزام کرد. خانواده‌های مجاهدین پس از دیدار با فرزندان‌شان و آشکار شدن دروغهای مافیای ترور و جاسوسی رژیم آخوندی، بخشی از جزییات این توطئه را که خود از نزدیک شاهد بوده‌اند، افشا نمودند. در اطلاعیه شماره ۲ پاره‌یی از این جزییات منتشر شد. ذیلاً وجوه دیگری از این توطئه به‌اطلاع همگان می‌رسد:

۱. شماری از خانواده‌ها، توسط وزارت اطلاعات از تهران و استانهای خراسان، فارس، مازندران، گلستان و لرستان به شهر مرزی مهران اعزام شدند. این اکیپها در ورزشگاه این شهر توسط چند مأمور وزارت اطلاعات به‌نامهای حسینی، حسین فرقانی، هاشمی و خزایی در رابطه با سفر خود به عراق توجیه شدند.

۲. مأموران اطلاعات برای این که خانواده‌ها را وادار به سفر به عراق در اکیپهای مزبور نمایند به آنها گفته‌اند مجاهدین چیزی برای خوردن ندارند، در وضعیت روحی بسیار بدی به‌سر می‌برند، لباسهای فرم‌شان را گرفته‌اند و وسایلشان را می‌فروشند که غذای خود را تأمین کنند. هم‌چنین به خانواده‌ها تأکید شده بود ممکن است فرزندان‌شان به آفریقا فرستاده شوند و اگر تأخیر کنند اصلاً فرصت دیدار با آنها را نخواهند داشت. از خانواده‌ها تعهد گرفته‌اند که باید به فرزندان‌شان بگویند رژیم عفو داده است و می‌توانند بدون هیچ مشکلی به ایران برگردند.

۳. وزارت اطلاعات هم‌چنین به خانواده‌ها دستور داده است درمقابل مقر ملل متحد علیه مجاهدین تظاهرات کنند و بگویند ما می‌خواهیم فرزندانمان را به ایران برگردانیم. بعد از توجیهات اولیه پلاکاردهای تهیه شده برای تظاهرات به ۵ سراکپ که مأمور وزارت اطلاعات بودند، تحویل شده بود. وظیفه این مأموران کشاندن خانواده‌ها به‌مقابل سازمان ملل است.

مأموران خانواده‌ها را با شانتاژ و تهدید مجبور می‌کنند که به دستورات آنها عمل کنند.

۴. دستورالعمل وزارت اطلاعات برای سراکپها و مأمورانی که به همراه خانواده‌ها به عراق اعزام شده‌اند به شرح زیر است:

- خانواده‌ها اعم از این که با فرزندان خود دیدار بکنند یا نه، باید در بغداد «علیه مجاهدین تظاهرات» کنند و «حداکثر انرژی بایستی برای تظاهرات در بغداد گذاشته شود».

- باید «حداکثر استفاده را از تصمیم شورای حکومتی عراق به عمل آورد... این سفر فرصت نهایی» است. خانواده‌ها را تشویق کنید که مسئله بازگشت را با فرزندان خود، «به‌طور مطلوب» مطرح کرده و به آنها بقبولانند.

۵. وزارت اطلاعات از این پروژه رذیلانه تحت عنوان «بمباران مجاهدین توسط خانواده‌ها» اسم برده و گفته است این پروژه را آن‌قدر ادامه خواهد داد تا زمینه را برای بازگرداندن مجاهدین به ایران فراهم کند.

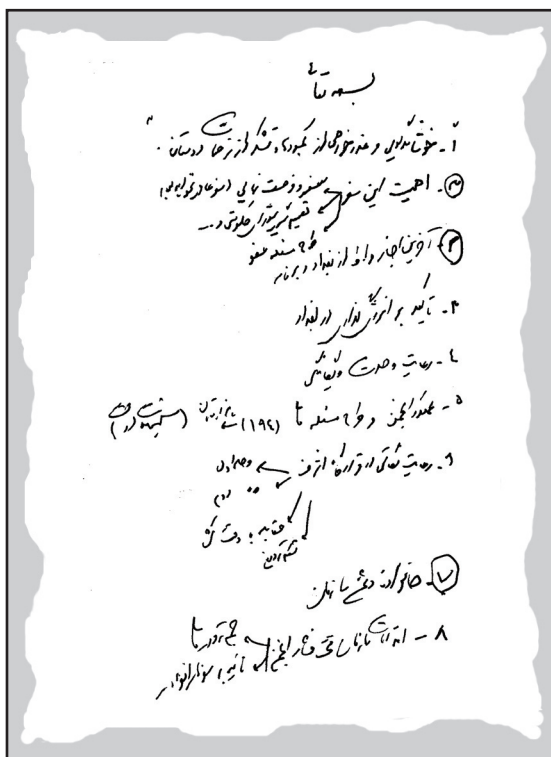
۶. شماری از مزدوران عراقی رژیم آخوندی در شهر مهران با اکیپهای وزارت اطلاعات همراه می‌شوند تا در کربلا و نجف و بغداد آنها را راهنمایی کنند. برخی از این مزدوران عراقی به زبان فارسی مسلط هستند. خانواده‌های مزبور و مأموران وزارت اطلاعات در بغداد برای این که برای نیروهای ائتلاف لو نروند به‌صورت انفرادی به هتل می‌روند.

۷. خانواده‌های مجاهدین، عموماً در قرارگاه اشرف، وقتی با فرزندان خود مواجه و متوجه می‌شدند همه تبلیغات رژیم آخوندی دروغ محض است، مات و مبهوت شده و سجده شکر به جای می‌آوردند و به سرکردگان سفاک و دجال رژیم لعن و نفرین می‌فرستند. آنها عموماً می‌گفتند از این که فرزندان‌شان به مجاهدت در راه آزادی و رهایی میهن اسیرشان اشتغال دارند، مفتخر و مغرورند و بسیاری از آنها به‌طور کتبی از سازمان مجاهدین خلق ایران تشکر و تقدیر نمودند. این خانواده‌ها از نقاط مختلف قرارگاه اشرف، قطعه مروارید، مزار شهیدان سرفراز سازمان مجاهدین خلق ایران و موزه شهدای انقلاب نوین مردم ایران دیدن کردند.

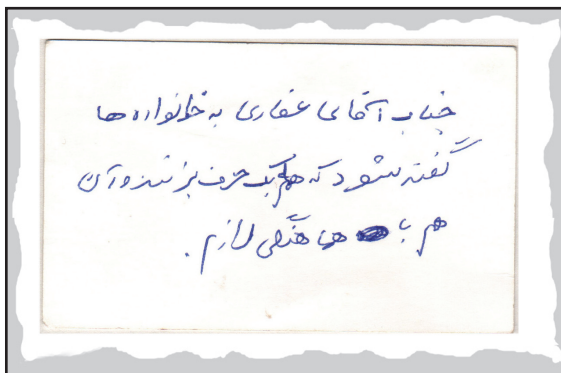
سازمان مجاهدین خلق ایران با تأکید بر این که درهای قرارگاه اشرف نه تنها به‌روی خانواده‌های مجاهدین بلکه به‌روی همه ایرانیان باز است از کلیه مجامع بین‌المللی درخواست می‌کند تا مسئله سوءاستفاده رذیلانه رژیم جنایتکار و ضدبشری آخوندی از عواطف خانواده‌ها را مورد توجه قرار داده و این اقدام شنیع رژیم را که همراه با ماهها فشار و تهدید و ارباب صورت می‌گیرد، به‌عنوان یک نمونه بارز نقض حقوق بشر در ایران محکوم و افشا نمایند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۴ دی ۱۳۸۲



کلیشه شماره ۱۲: محورهای توجیهی خانواده‌ها
 قبل از اعزام توسط رئیس اداره اطلاعات ایلام



کلیشه شماره ۱۳: دستورالعمل اطلاعات ایلام
 به حسین غفاری، یکی از عناصر اطلاعاتی اعزام
 شده به عراق همراه با اکیپ خانواده‌ها

متن تایپ شده کلیشه شماره ۱۲:

بسمه تعالی

- ۱ - خوشامدگویی و عذرخواهی از کمبودها و تشکر از زحمات دوستان
- ۳ - اهمیت این سفر : - سفر و فرصت نهایی (سفر عادی نخواهد بود)
- تصمیم‌گیری شورای حکومتی و...
- طرح مسأله عفو
- ۲ - آخرین اخبار و اط از بغداد و برنامه
- ۳ - تأکید بر انرژی‌گذاری در بغداد
- ۴ - رعایت وحدت و یگانگی
- ۵ - عملکرد انجمن و طرح مسأله مالی (۱۹۴) هزار تومان (تسهیلات دولت)
- ۶ - رعایت نکاتی در قرارگاه اشرف: - مرحله اول
- مرحله دوم
- مقابله با وقت‌کشی
- مشکل آوردن
- ۷ - خانواده دشمن سازمان
- ۸ - اقدامات سازمان تحت فشار انجمن نجات: - جمع‌آوری مالی
- تأکید بر سفرهای انفرادی

متن تایپ شده کلیشه شماره ۱۳:

جناب آقای غفاری به خانواده‌ها گفته شود که همه یک حرف بزنند و
آن هم با هماهنگی لازم.



فصل پنجم

«سازمان غیردولتی» به سبک وزارت اطلاعات



همه کسانی که با ارگانهای غیردولتی و سازمانهای بین‌المللی و مفاهیم و تعاریف
حیطه‌های غیردولتی آشنا هستند، تعریف زیرین را می‌شناسند:

سازمانهای غیردولتی (NGO) سازمانهای خصوصی هستند که اعضا و فعالیت آنان
حیطه‌های بین‌المللی دارد. سازمانهای بین‌المللی دارای موقعیت دولتی نیستند، این سازمانها
اساساً هرگونه فعالیت یا وابستگی دولتی را فاقدند. فرم فعالیت جنب دولت، این سازمانها را
از عداد سازمان غیردولتی خارج می‌کند.

اکنون به یک نمونه از سازمانهای غیردولتی به سبک اطلاعات آخوندها بنگرید:
خبرگزاری رسمی رژیم در تاریخ ۱۹ اسفند ۸۳ از «نخستین همایش» تشکیل غیردولتی
(NGO) خبر داد که از سال گذشته در استان لرستان «فعالیت خود را با هدف
برقراری ارتباط خانواده‌ها با فرزندان خود در کشور عراق» آغاز کرده است.

خبرگزاری رژیم می‌گوید: «در نخستین همایش انجمن «نجات» در لرستان که با
حضور رییس دادگستری این استان و خانواده‌های افراد جدا شده از سازمان منافقین
(مجاهدین خلق) در خرم‌آباد برگزار شد، مسئول دفتر انجمن نجات شاخه لرستان
اعلام کرد: از پارسال تاکنون تعدادی از خانواده‌های لرستانی در قالب دو کاروان به

عراق اعزام شده تا با فرزندان خود در قرارگاه منافقین در بغداد دیدار کنند. «محمد خسروپور» روز گذشته در این همایش یک‌روزه که در هتل استقلال خرم‌آباد برگزار شد گفت: این تشکل غیردولتی (NGO) از سال گذشته در این استان فعالیت خود را آغاز کرد. وی گفت: «قرار است تعدادی نیز که در نوبت ملاقات با فرزندان خود هستند در صورت فراهم شدن شرایط، به عراق عزیمت کنند».

وزارت اطلاعات و ارگانهای وابسته آن در مصاف با مقاومت ایران به مثابه تهدید اصلی «بقای حاکمیت آخوندی» خام خیالانه، راه برون رفت از بن‌بست حکومت ولایت فقیه را در مقابله همه جانبه با مقاومت مردم ایران یافته‌اند. در این مسیر، علاوه بر لگدهای بی‌دریغ به قبر «امام راحل» و کارهایی که به گردن او می‌اندازند و انواع «غلط کردم» گفتنهای غلیظ روبه‌خارج و علاوه بر ژستهای رنگارنگ چرخش مدارانه! و اصلاح طلبانه، استفاده از رسوبات جنبش مقاومت را غنیمت شمرده و در صرف نمودن این تفاله در وعده‌های مختلف دریغ نمی‌کند. یک شیوه «سرو کردن» این تفاله‌ها، استفاده از سس مضحک NGO است. آخوند یونسی در صدد بود تفاله‌دانی به نام «انجمن نجات» را هم به مصرف داخلی و هم به مصرف خارجی برساند.

رژیمی که ۵۱ بار در ملل متحد با افشاگریهای مستمر مقاومت، محکوم شده و هر روز رسوایی جدیدی مانند قتل فجیع خانم زهرا کاظمی گریبانگیرش می‌شود، اکنون به صنعت NGO سازی روی آورده تا شاید به شیوه «آی دزد! آی دزد!» رد و نشان پنهان ناکردنی خود را بپوشاند.

بریده‌مزدورانی که در این صنعت به کار گرفته شده‌اند، بارها به مقامهای وزارت خاطرنشان کرده‌اند: «اینطوری که پشت ما می‌آیید، کارهای ما بالکل از موضوعیت می‌افتد!»

از سال ۸۱ که علائم جنگ بالا گرفت، وزارت اطلاعات، «رادیو نجات» را علیه مجاهدین و خانواده‌های آنها راه‌اندازی کرد. همه می‌دانند که در ایران هیچ رادیو غیردولتی وجود ندارد. اما اکنون بعد از دو سال، نگو که از ابتدا، انجمن نجات و رادیو نجات (آن هم بر روی طول موجهای حکومتی و به وسیله فرستنده‌های حکومتی و با بودجه دولتی)، طبق تعاریف آخوند یونسی، سازمانهای غیردولتی

بوده‌اند! تأسیس قارچ گونه شعبه‌های «نجات» در استانها و شهرهای مختلف کشور، آن هم بازوبه بازوی اطلاعات و قضاییه دژخیم آخوندی و نیروی انتظامی، از کرامات همین صنعت «NGO» سازی به سبک آخوند یونسی است. جالبتر از همه کارکرد سرکوبگرانه خلصی است که این هم لابد از کارکردهای یک سازمان غیردولتی در ایران تحت حاکمیت آخوندهاست. فقط معلوم نیست که رؤسای قضاییه و مدیران کل اطلاعات استانها در این جلسه‌ها چه می‌کنند؟! جلسه «نجات» در شیراز آن‌چنان که در خبرها و مطبوعات رژیم گفته می‌شود، چرا توسط «شاه حسینی مدیر کل سیاسی امنیتی استان فارس برگزار می‌شود؟! در قزوین چرا محمد باقر الفت، دادستان بیدادگاه ارتجاع سخنران اصلی است؟! در مازندران چرا آخوند موسوی رییس بیدادگاههای مازندران، جلسه را «اختتام» می‌کند؟! آخر مگر قرار نبود «سازمانهای غیردولتی» سازمانهایی باشند که «اساساً هرگونه فعالیت و وابستگی دولتی را فاقدند».

مضحک این که «شیخنا» ناگزیر است برای جمع‌وجورکردن و راه‌اندازی اموراتش، گزمه و داروغه و کلانتر را با هم به روی صحنه بیاورد و تازه نان «NGO» داشتن را هم بخورد! به نمونه‌هایی از جلسه‌های «انجمن نجات» آخوندها به نقل از مطبوعات خود رژیم توجه کنید:

سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۲/۱۳:

همایش انجمن نجات شاخه شیراز

... دیگر سخنرانان این نشست آقای حسینعلی امیری مدیر کل دادگستری فارس بودند... ایشان اعلام کردند ما از هرکدام از عزیزانی که از سازمان مجاهدین جدا شده و به ایران بازگردند استقبال می‌کنیم... آقای امیری درباره انجمن نجات گفت این انجمن یکی از کارهای بسیار ارزشمند در جهت نجات انسانهایی است که تحت شرایطی راه خطا رفته‌اند و از اشتباه خود پشیمان گشته‌اند که کار این انجمن بسیار مقدس است.

سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۱۰/۱۶:

گزارش گردهمایی خانواده‌های اعضای دربند فرقه رجوی (عضو انجمن نجات) در شهر بابل - عصر روز جمعه یازدهم آبان ۱۳۸۳ گردهمایی بزرگی با حضور خانواده‌های اعضای مجاهدین در سالن همایش اداره ارشاد اسلامی شهرستان بابل برگزار شد. این گردهمایی که بنابه دعوت انجمن نجات شاخه مازندران و گلستان صورت پذیرفته بود، با پخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید.



آخوند موسوی در جلسه وزارت اطلاعات در بابل

حجت الاسلام «موسوی» رییس کل دادگاههای عمومی و انقلاب استان مازندران به عنوان میهمان ویژه این گردهمایی اظهار داشت: فرزندان شما به هر علتی کشور را ترک کرده و اکنون در نزد شما حضور ندارند، باید کاری بکنیم که اینها به وطن و به آغوش گرم خانواده برگردند و حقایق را ببینند. رییس کل دادگاههای عمومی و انقلاب استان مازندران تأکید کرد: به صراحت به شما اطمینان می‌دهم که بنده و حوزه اختیاری خودم، از زمان تقبل چنین مسئولیتی تاکنون، هیچ پرونده‌یی برای کسانی که به وطن بازگشته‌اند تشکیل نداده‌ایم و هیچ حکمی تا امروز برای این دسته از افراد صادر نکرده‌ایم. لذا هیچ مشکلی بر سر برگشتن فرزندان شما نیست و این را من به سهم خودم تضمین می‌کنم.

این گردهمایی توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) - صدا و سیما مرکز ساری و «رادیو نجات» پوشش داده می‌شد.

خبرگزاری حکومتی مهر ۸۳/۱۲/۱۲:

«گردهمایی خانواده‌های اعضای گروهک منافقین، به دعوت شاخه شیراز «انجمن نجات» در این شهر برگزار شد. این خانواده‌ها خود از اعضای انجمن نجات هستند. در این مراسم، پس از پخش قسمتی از فیلم تحسن خانواده‌ها در مقابل سفارت عراق، شاه حسینی، مدیرکل سیاسی امنیتی استان فارس گفت: از طرف مدیریت

سیاسی امنیتی و همه مسئولان ذیربط استان اعلام می‌کنم که ما با تمام وجود از همه راه کارهای قانونی و شرایطی که در اختیار داریم، استفاده خواهیم کرد و تا رسیدن به نتیجه نهایی یعنی بازگرداندن فرزندانمان، در کنار شما خواهیم بود».



شاه‌حسینی مدیرکل سیاسی امنیتی استان فارس در جلسه وزارت اطلاعات در شیراز

خبرگزاری حکومتی ایسنا ۸۳/۱۲/۱۷:

حجت‌الاسلام اکبر فیض، رییس کل دادگستری آذربایجان غربی در مراسم انجمن نجات در ارومیه گفت: تمام نادمان سازمان منفور و شیطانی مجاهدین خلق، مورد عفو نظام جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند. هم‌چنین یکی از نمایندگان وزارت اطلاعات حاضر در مراسم، به خبرنگاران گفت: سیاست نظام بر این است که با گذشت و ایثار، افرادی که در اردوگاه اشرف زیر سلطه رجوی هستند و پشیمان شده‌اند، به آغوش وطن بازگرداند.

خبرگزاری حکومتی ایسنا ۸۳/۱۲/۱۷:

انجمن نجات آذربایجان غربی اعلام موجودیت کرد

انجمن غیردولتی نجات شاخه آذربایجان غربی و کرمانشاه که به ابتکار جمعی از اعضای جداشده سازمان مجاهدین خلق بنیانگذاری شده است، با صدور اطلاعیه‌ی اعلام موجودیت کرد. اعضای جداشده سازمان مجاهدین خلق اقدام به پایه‌گذاری نهادی مدنی و غیردولتی (NGO) به نام انجمن نجات کرده‌اند تا با افشای ماهیت ضد مردمی و طرح خشونت و خسارت ذاتی باند رجوی و نیز بیان حقایق و واقعیتهایی که تک تک اعضای انجمن نجات به عینه تجربه و مشاهده کرده‌اند را به هموطنان خود به خصوص خانواده‌های اعضا و نیروهای تحت سلطه مستقر در قرارگاه اشرف بازگو کنند. «آرش رضایی» عضو سابق مجاهدین خلق هم‌چنین با بیان این که اعضای جداشده این سازمان... اقدام به پایه‌گذاری نهاد مدنی و غیردولتی انجمن نجات در ایران نموده‌اند، گفت: قالب‌گیری انجمن نجات در سال ۸۱ شروع شد و تاکنون این انجمن با همکاری دولت ایران و سازمان صلیب سرخ جهانی جمع زیادی از هموطنان اسیر در بند فرقه رجوی را به کشور بازگردانده است.

خبرگزاری رسمی رژیم ۸۳/۱۲/۲۶:

«رییس دادگاه شعبه اول انقلاب تبریز در جلسه انجمن نجات تبریز گفت: آغوش نظام جمهوری اسلامی ایران و ملت به روی نادمان گروهک تروریستی منافقین باز است. حجت‌الاسلام رحیم محمودی روز چهارشنبه در آیین تحویل عناصر نادمان گروهک منافقین به خانواده‌هایشان در تبریز افزود: باید گذشته‌ها را جبران کرد و فریب شعارهای توخالی استکبار را نخورد. وی اظهار داشت: راه بازگشت به روی فریب‌خوردگان گروهک منافقین در کشور کاملاً باز است. وی از فعالان انجمن نجات درخواست کرد با از بین بردن شکاف بین فریب‌خوردگان گروهک منافقین و واقعیات جامعه ایران، بازگشت آنها به آغوش کشور و خانواده‌های خود را تسریع کنند.»

خبرگزاری رسمی رژیم ۸۴/۱/۲۷:

«گردهمایی اعضای جداشده از گروهک تروریستی منافقین و خانواده‌های اعضای دربند این گروهک در کتابخانه امام خمینی (ره) شهر قزوین برگزار شد. نخستین سخنران این گردهمایی که عصر روز جمعه به همت «انجمن نجات» شاخه قزوین برگزار شد، «آرش صامتی پور» بود که خود را عضو سابق این گروهک معرفی کرد و گفت: انجمن «نجات» یک سازمان غیردولتی است که از اعضای جداشده گروهک منافقین و خانواده‌های آنان برای آزادی و بازگشت اسیران دربند و در حقیقت گروگان گرفته شده توسط فرقه منافقین به آغوش میهن و خانواده تلاش می کند... در این گردهمایی دادستان عمومی و انقلاب اسلامی استان قزوین، عنصر «فریب» را دستمایه شیطان دانست و گفت: انجمن «نجات» در مسیر برگرداندن افراد فریب خورده توسط گروهک منافقین قرار گرفته است، که امیدواریم این انجمن در این مسیر موفق بوده و فعالیتهای خود را ادامه دهد.

«محمدباقر الفت» افزود: در سالهای گذشته با تدبیر مسئولان نظام و مصوبه شورای عالی امنیت ملی زمینه بازگشت برخی از افراد گروهک منافقین به میهن اسلامی فراهم شد و آنان مانند سایر هموطنانمان از حقوق شهروندی برخوردار و در پناه قانون زندگی می کنند».

افشای ارگان سرکوبگر «نجات» وزارت اطلاعات

افشای توطئه‌های رژیم آخوندی طی سالیان توسط مقاومت ایران، به گونه‌یی است که همگان می‌دانند NGO سازی در رژیم ضدبشری و تروریستی آخوندی دقیقاً برای تشدید سرکوبی و تروریسم ابداع می‌شود.^۱ وزارت بدنام اطلاعات آخوندی با تأسیس ارگان سرکوبگر «انجمن نجات»، در پوشش یک سازمان غیردولتی، قصد داشت سرکوب و جاسوسی علیه خانواده‌های مجاهدین را از انظار مجامع حقوق بشری پنهان کند. رژیم با این ترفند و با تشدید تهدید و ارباب خانواده‌ها، می‌خواست آنها را مجبور کند که دست از مقاومت علیه آخوندهای جنایتکار بردارند تا بتواند در گام بعد،

۱ - مقاله NGO تروریستی به نقل از مجاهد شماره ۶۷۰.

از آنها علیه مجاهدین سوءاستفاده کند. اما خانواده‌های مجاهدین با مقاومت در برابر این فشارها و افشای انواع ترفندها و دروغپردازیهای وزارت اطلاعات، این توطئه را با شکست مواجه کردند.

از سوی دیگر، سازمان مجاهدین نیز ماهیت «انجمن نجات» وزارت اطلاعات و اعمال ضدانسانی آن را به کرات به اطلاع مراجع و سازمانهای حقوق‌بشری بین‌المللی رسانده و از مجامع بین‌المللی درخواست نموده است «تا مسأله سوءاستفادهٔ رذیلانهٔ رژیم جنایتکار و ضدبشری آخوندی از عواطف خانواده‌ها را مورد توجه قرار داده و این اقدام شنیع رژیم را که همراه با ماهها تهدید و ارباب صورت می‌گیرد، به‌عنوان یک نمونهٔ بارز نقض حقوق بشر در ایران محکوم و افشا نمایند».^۲

تقاضای اقدام فوری از عفو بین‌الملل در محکومیت ارگان سرکوبگر «نجات» اطلاعات آخوندی

هم‌چنین مشاور حقوقی سازمان مجاهدین خلق ایران در شهر اشرف طی نامه‌یی در ۵ فروردین ۱۳۸۴ (۲۵ مارس ۲۰۰۵) به عفو بین‌الملل می‌نویسد:

«... «انجمن نجات» یک نام مستعار برای اطلاعات ملایان، در شهرهای مختلف ایران، جنگ روانی کثیفی علیه خانواده‌های مجاهدین را پیش می‌برد. از شما می‌خواهیم در یک اقدام فوری، آن را به‌عنوان یک ارگان سرکوب و جنگ روانی علیه خانواده‌های مجاهدین و مخالفان رژیم محکوم کنید.

اطلاعاتی که مستقیم یا غیرمستقیم از طریق این ارگان سرکوبگر در داخل یا خارج ایران منتشر می‌شود، مطلقاً بی‌اعتبار است...»

ان.جی.ا. تروریستی ایران

وال استریت ژورنال ۱۷ تیر ۸۳:

این کمیته ادعا می‌نماید که بیش از ۱۰ هزار کاندیدا از سراسر جهان برای جان‌باختن در راه چنین هدفی ثبت‌نام کرده‌اند.

فراخوان برای پیوستن به این «ارتش شهیدان» در کلیه مساجد در سراسر ایران متعاقب نمازجماعت در روزهای جمعه شروع گردید که متعاقب آن فرمهای ثبت‌نام در میان دهها هزارتن در دانشگاههای اسلامی به محاربین انتحاری زن و یا مرد پخش گردید.

روزنامه عرب زبان الشرق الاوسط چاپ لندن گزارش می‌کند که «ارتش شهیدان» توسط سپاه پاسداران انقلاب و سرویسهای تحت امر آن که همگی وظیفه جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی و طراحی حملات تروریستی را به‌عهده دارند، اداره می‌شود.

در طی کنفرانس، سرتیپ پاسدار سردار سلامی، رییس عملیات ستاد مشترک سپاه پاسداران، سخنرانی اصلی را تحت عنوان «عملیات استشهادی از بعد استراتژی نظامی و امنیتی» ارائه نمود.

او گفت: «می‌توان با خلق حوادث کوچک تاکتیکی به نتایج استراتژیک رسید و شما می‌بینید که با انفجار دو برج در آمریکا تاریخ جهان به دو قسمت قبل و بعد از این ماجرا تقسیم می‌شود و با همین حادثه کوچک سیاست آمریکا و دیگر قدرتهای جهانی و منطقه‌یی تغییر پیدا می‌کند».

در یک اشاره ضمنی به پروژه سلاح اتمی رژیم ایران، سرتیپ پاسدار سلامی گفت: «اکنون آمریکاییها می‌دانند مسلمانان با گرایشهای شهادت‌طلبانه به تکنولوژی

چه بسا وسوسه‌انگیز باشد که تهدیدات جدید علی‌خامنه‌ای را مبنی بر این که رژیم ایران در صورت حمله آمریکا به عراقش، در سراسر جهان به آمریکا ضربه وارد خواهد ساخت به‌عنوان لفاظیهای توخالی از جانب ملایان ایران بی‌اهمیت تلقی نمود. اما علانم و شواهدی وجود دارند که نشان می‌دهند ایران در حال برداشتن گامهای عملی مشخص برای همسنگ کردن اعمالش با گفتار خصمانه‌اش می‌باشد.

سازمانهای غیردولتی (ان.جی.ا.) معمولاً با کارهای امدادرسانی انساندوستانه و تعلیم و تبلیغ مسالمت‌جویانه شناخته می‌شوند. لذا هرروز پیش نمی‌آید که یک ان.جی.ا دست اندرکار عضوگیری دواطلبین انتحاری به‌منظور اعزام به ماورای بحار برای ضربه‌زدن به «استکبار جهانی» بشود.

این اما درست همان چیزی بود که ماه گذشته طی یک کنفرانس سه روزه برگزارشده توسط حکومت ایران و «کمیته پاسداشت شهدای جنبش جهانی اسلامی» که ملایان حاکم در یک فریبکاری واضح تصمیم گرفتند آن را یک ان.جی.ا توصیف نمایند، اتفاق افتاد.

بنا به گزارش روزنامه شرق، این کنفرانس مجمعی برای ثبت‌نام دواطلبان جهت انجام حملات انتحاری فراهم آورد. رادیو بی.بی.سی به نقل از منابع ایرانی گفت که مقامات

یاوه‌گوئیهای فنانیک (بدور از عمل)
به‌نظر می‌آیند، کافست که ارتباط بین حکومت ایران و سپاه پاسداران را تنها به‌یاد بیاورید. رژیم ایران سازمان‌کار، نجستیک، پول و عضوگیری برای این ان.جی.ا را تأمین می‌نماید.

این قبیل اعمال یک تاریخ طولانی در ایران دارند. «کنفرانس بمبگذاران انتحاری» منعکس‌کننده یک روند فزاینده از رفتارهای آتش‌افروزانۀ رژیم فعلی ایران می‌باشد.

یک گزارش اخیر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در مورد برنامه اتمی ایران، یک روزشماری از فریبکاریها و ممانعت از دسترسی بازرسان به یک سری اماکن کلیدی می‌باشد. عکسهای ماهواره‌یی جدید نشان می‌دهند ایران با شتاب در حال تخریب برخی تأسیسات در شمال تهران که مظنون به بودن یک مکان اتمی هستند، قبل از این‌که آی.ای.بی.ای شانس برای بازرسی آنها داشته باشد، هست.

ملایان که مواجه با مقاومت روزافزون در مقابل طرحهایشان در عراق و در زمینه تسلیحات اتمی هستند، حالا متوسل به تهدیدکردنهای عریان و استفاده از تروریسم تحت‌الحمايه دولتی به‌منظور ارباب دشمنانشان و تلاش برای مجبورساختن آنها به استمالت، شده‌اند.

باید که یک پیام قوی حمایت توسط آمریکا و اتحادیه اروپا به ایرانیان شجاعی که مصمم به ازمیان‌برد داشتن رژیم حاکم بوده، و بهترین امید ما برای ایجاد یک ایران خالی از شکنجه، ترور، و سلاحهای کشتار جمعی، هستند، ارسال شود. تنها در آن‌صورت خواهد بود که ما مطمئن خواهیم شد «ده‌هزار دواطلبین ترور» - اگر در واقع امر این تعداد باشند - هیچ شانس برای به‌تمام‌رساندن برنامه تعلیماتی‌شان نخواهند داشت.

نوبین دست پیدا کرده‌اند و به قدرت تولید تکنولوژی نیز رسیده‌اند، این باعث ترس بیشتر آنها شده است».

بنا به نقل قولهای گزارش‌شده توسط روزنامه شرق، یک فرمانده عالیرتبه دیگر سپاه پاسداران دلایل انتخاب واژه «ان.جی.ا» را چنین توضیح می‌دهد:

«از آن‌جا که ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام یک ان.جی.ا است پس اگر بخواهد عملیاتی صورت دهد به کسب تکلیف از نظامیها نیاز ندارد و عملیات آنها مانند عملیات استشهادی فلسطینیان است که ربطی به دولت ایران ندارد». بدین ترتیب رژیم ایران قادر خواهد بود که پشتیبانی و پرورش‌دادن تروریسم را تکذیب نماید اگر چه که تکذیبهایش آن‌چنان موجه نخواهد بود.

یک مقام عالیرتبه سپاه پاسداران به‌نام حسن عباسی، در سخنرانی انتهایی این کنفرانس تحت عنوان «عملیات استشهادی: آخرین سلاح» تلاش نمود که پشتیبانی ایران از تروریسم را توجیه منطقی کند. بنا به گزارش شرق وی توضیح داد که «اگر در جهان کفر، توسط مسلمانان هراسی به‌وجود آید، این هراس مقدس است و نه تروریسم یا خشونت‌طلبی».

ماه پیش از آن آقای عباسی در دانشگاه فنی تهران گفت: «۲۹ نقطه ضعف آمریکا و غرب برای حمله به آنها مورد شناسایی قرار گرفته است و ۶ هزار کلاهک اتمی آمریکا در طراحیهای ما موردنظر است که در این کشور منفجر شود، ضمن این‌که با شناسایی نقطه‌ضعفها، آنها را به سازمانهای چریکی اطلاع داده و از آن طریق اقدام می‌کنیم».

اگر این اظهارات بیشتر شبیه به صرفاً

کارزار ننگین رژیم
در ارتباط با ارگانهای بین المللی



از آنجا که در برابر هرزدوبند و معامله ننگینی با دولتهای غربی، مقاومت و آلترناتیو انقلابی قد برافراشته و مانع پیشروی رژیم در این عرصه می شود و از آنجا که در صحنه بین المللی تنها مانع پیشروی رژیم، مجاهدین و شورای ملی مقاومت هستند، وزارت اطلاعات همزمان با پیشبرد خط اخراج و استرداد مجاهدین از عراق، توطئه رذیلانه دیگری را نیز برای بهره برداری از خانواده ها در دستور کار عوامنش قرار داده که همانا استفاده از آنها جهت محدود کردن فعالیتهای سیاسی مقاومت در خارج از کشور است. یکی از مسئولان اداره سیاسی وزارت خارجه رژیم، در مورد هدف آنها از این اقدامهای گسترده علیه مقاومت در خارج کشور می گوید: «هدف و نظر ما این است که اسامی پوششی منافقین (یعنی شورای ملی مقاومت) در لیست تروریستی اتحادیه اروپا قرار گیرد».

در سال ۸۳، انجمن نجات وزارت اطلاعات، فعالیتهای خود در رابطه با ارگانهای بین المللی را گسترش داده است. از جمله اقدامها و توطئه های جدید وزارت اطلاعات، نوشتن نامه از زبان خانواده های مجاهدین به ارگانهای بین المللی و درخواست بازگرداندن فرزندان آنها از شهر اشرف به ایران می باشد. هم چنین ایجاد پرونده های حقوقی دورغین و شکایت نامه علیه مقاومت ایران، بخشی از اقدامهای رذیلانه

وزارت اطلاعات است که با تحت فشار قرار دادن خانواده‌ها قصد پیش بردن آن را دارد. بخشی از خبرهای منتشر شده توسط وزارت اطلاعات در این زمینه به قرار زیر است:

- سایت وزارت اطلاعات موسوم به ایران دیدبان ۸۳/۶/۴: گروهی از خانواده‌های عضو «انجمن نجات» شاخه اصفهان، با تهیه طومارهایی خطاب به سازمان ملل، دفتر صلیب سرخ جهانی، سفارت انگلیس و دفتر حافظ منافع آمریکا در تهران، خواستار اعمال فشار مجامع بین‌المللی به سران مجاهدین، بازگشت فرزندان و هم‌چنین خواستار محاکمه سران آنها شدند...

- سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۶/۱۹: برگزاری تجمع توسط انجمن نجات در مقابل دفتر صلیب سرخ در تهران و دادن نامه به اشتوکر نماینده صلیب سرخ جهانی در تهران و درخواست رسیدگی به وضعیت مجاهدین در اشرف برای برگرداندن آنها به ایران...

- سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۸/۹: نوشتن نامه به کوفی عنان توسط تعدادی از خانواده‌های استان سیستان و بلوچستان جهت برگرداندن فرزندان و اشرف...

- سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۹/۵: تجمع انجمن نجات در مقابل سفارت عراق در تهران و نوشتن نامه به سفیر این کشور در ایران و درخواست اخراج مجاهدین و بازگرداندن آنها به ایران...

در این زمینه نیز، کلیه ارگانهای سیاسی رژیم، هم‌نوا با وزارت اطلاعات علیه مجاهدین مشغول توطئه هستند. از جمله خبرگزاری مهر رژیم در تاریخ ۱۱ شهریور ۸۳ خبر زیر را مخابره کرده است: «صبح زنگنه مشاور معاونت بین‌الملل قوه قضاییه گفت: قوه قضاییه با همکاری نهادهای دیگر در حال تنظیم دادخواست علیه جنایات منافقین علیه جمهوری اسلامی است و آن را به «دادگاه ویژه عراق برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت» ارائه خواهیم کرد. در حال حاضر کارها در این دادگاه دنبال می‌شود و می‌تواند جوابگوی این دادخواست باشد».

یکی از مدیران کل دادگستری رژیم نیز در مورد هماهنگی کلیه ارگانهای رژیم

برای ضربه زدن به مجاهدین، می‌گوید: «در چنین شرایطی که منافقین در عراق در انزوا قرار گرفتند، قوه قضاییه ایران باید به وزارت اطلاعات کمک کند و نقش جدی بازی بکند تا بتوانیم ضربه درستی بهشان بزنیم که نتوانند تا چند سالی کمر راست کنند... در رابطه با منافقین، خط‌الآن این است که با بازگشایی پرونده حقوقی برای منافقین آنها را در مجامع بین‌المللی دنیا به چالش بکشانیم».

البته وقتی وزارت اطلاعات آخوندی از توطئه بمباران و حمله به مجاهدین طرفی نمی‌بندد و «بور» می‌شود، از حضيض رسوایی و شکست، برای متلاشی کردن مجاهدین و «نجات» خودش، پشت مزدوران رنگ کرده «انجمن نجات» اش، پنهان می‌شود و با دجالگری آخوندی دست به دامان «جناب آقای پل بریمر مسئولیت نظامی عراق» برای استرداد مجاهدین می‌شود. البته رسوایی وزارت اطلاعات آخوندی و انجمن نجاتش آن قدر هست که کسی برای این قبیل نامه‌پراکنیها پیشیزی ارزش قائل نمی‌شود.

قسمتهایی از نامه این ارگان سرکوبگر به پل برمر به خوبی روشنگر ماهیت آن است:

«بنام ناظم هستی بخش

جناب آقای پل بریمر

مسئولیت نظامی عراق

احتراماً چنانچه مستحضر هستید مجاهدین خلق طی سالیان گذشته، با گروه قابل توجهی از اعضای ایرانی خود در عراق مستقر بوده‌اند.

انجمن نجات که اساساً به منظور رهایی این افراد تشکیل یافته است، وظیفه خود می‌داند توجه شما را به نکات ذیل جلب نماید:

۱ - اعضای اصلی این انجمن از هواداران و اعضای سابق مجاهدین می‌باشند که به‌خوبی از سیر انحرافی و ضد ارزشی این سازمان مطلع هستند و اعتقاد دارند هیچ نیرویی نمی‌تواند تخلفات فاحش را نادیده بگیرد و بیگمان وحشت از عواقب جدایی چه از نقطه نظر انتقام‌گیری مجاهدین - زندان، شکنجه و حتی مرگهای مرموز - و چه

از جنبه امنیت در کشور ایران، تنها انگیزه اقامت اجباری می باشد.
لذا ما تلاش داریم با جلب توجه مقامات بین المللی از بروز این موانع جلوگیری
نماییم.

۲ - قسمت اعظم انجمن را خانواده های این اعضاء مستقر در عراق تشکیل می دهند.
این خانواده ها طی ارتباط های نزدیکی که با اعضای بازگشته از عراق داشته اند، به خوبی
دریافته اند که در ایران فرزندان شان را هیچ خطری تهدید نمی نماید، این تنها دلیلی است
که آنها را وامی دارد رنج سفر چند هزار کیلومتری و هزینه و خطرات و سایر مشکلات
را به جان بخرند تا فرزندان شان را نجات دهند و به وطن بازگردانند.

۳ - مقامات بلند پایه ایرانی مکرراً در رابطه با این افراد بخشش و انعطاف خود را
اعلام نموده اند.

جناب پل بریمر بی تردید نیروهای مؤتلفه با دلایل موجهی از حیث توجه به مسائل
و حقوق بشر در صحنه بین الملل به عراق وارد شده اند، در این صورت آیا هم پیمانان
دولت دیکتاتوری صدام را که برای خوشخدمتی به وی در سرکوبی مردم عراق نیز
حضور فعال داشته اند را می توان مشروع قلمداد نمود؟!

هم چنین قابل ذکر است طی هفته گذشته تعداد دیگری از این خانواده ها به عراق
آمدند تا با فرزندان شان که مستقیماً تحت اختیار شما هستند ملاقات نمایند، اما متأسفانه
پاسخ مناسبی دریافت ننمودند و حتی درخواست دیدار و مذاکره با خود شما را نیز
منفی یافتند!

... این انجمن ضمن تشکر از توجه شما درخواست می نماید:

الف - با توجه به شرایط بحرانی عراق که در صورت هرگونه دگرگونی احتمال
قربانی شدن این افراد بلا تکلیف بیشتر می گردد.

ب - سفر پر مخاطره و هزینه خانواده ها به عراق هم چنین پریشانی و نگرانی
زاید الوصف آنها پایان بخشیده شود.

هرچه سریعتر این افراد را به آغوش وطن و خانواده های شان بازگردانید.

In the of God

*The Honorable Chairman of Human Rights Committee
and European Parliament , dear Mrs . Nelson*

With much regard and hearfiest hellos and greetings from my country and myself . I, Mohharram Khabareh , gather of Akbar Khabareh , would like to make you informed that my son was taken captive and prisoned by Iraqis on 1986,10,23 according to International Red Cross certificate , numbered 012561 , copy of which enclosed , and it is now for 16 years that he is in prison and despite the continous attempts of Islamic Republic of Iran he has not been released.

Therefore , with regard to the fact that my family , that is his father's , is breaking up for his loss and also his mother's life is in danger of entire ruin due to the absence and lack of her son , hereby I request you to kindly take measures for the release of all POWs and in particular my son's and by sading bring about the rescue of the waiting and greiving families .

You well know that this humanitarian act of yours will be awarded by God and is priceless near Him .

Hoping for your fruitful human measures of Dear Authorities of that Committee and the release of all other remaining prisoners of war .

Mohharram Khabareh

Date :2003/2/8

کلیشه شماره ۱۴: نمونه‌یی از ترفند و توطئه‌های وزارت اطلاعات: نامه‌نگاری به ارگانهای
بین‌المللی جهت شکایتهای دورغین علیه مجاهدین
(از فرط شتاب و عجله کاری، در متن انگلیسی کلیشه کلمه Name «نام» در عبارت
«به نام خدا» از قلم افتاده است!)

به نام خدا

رئیس محترم کمیته حقوق بشر و پارلمان اروپا، آقای نلسون عزیز

با احترامهای فراوان و سلام و درود از جانب کشورم و خودم. من محرم خباره، از خانواده اکبر خباره، مایلم توجه شما را جلب کنم که پسر من توسط عراقیها در تاریخ ۱۹۸۶/۱۰/۲۳ دستگیر و زندانی شده است. براساس گواهی رسمی صلیب سرخ جهانی با شماره ۰۱۲۵۶۱ که کپی آن نیز موجود است، الآن ۱۶ سال است که او هم چنان زندانی است و به رغم تلاشهای جمهوری اسلامی ایران هنوز آزاد نشده است.

بنابراین با توجه به این که خانواده من که پدرش از دست دادن پسرش شکسته شده و مادرش به دلیل نبودن پسرش زندگیش داغون شده است از شما می خواهم لطف کنید و اقدامهای لازم را برای آزادی تمامی اسرای جنگی و به خصوص پسرمان انجام دهید و خانواده در انتظار او را نجات بدهید و آنها را از غم بیرون بیاورید.

شما می دانید که خداوند این حرکت انسان دویستانه شما را پاداش می دهد و برایش خیلی ارزشمند است.

با امید به ثمره و محصول در اقدامهای رؤسای کمیته برای آزادی تمامی زندانیان باقیمانده از جنگ.

محرم خباره

تاریخ: ۲۰۰۳/۲/۸

فصل هفتم

نامه نگاریهای مجعول



یکی از شیوه‌های وزارت اطلاعات جهت تأثیرگذاری بر روی اعضای مجاهدین، نامه‌نگاری به اسم خانواده و تشویق آنها به بازگشت به ایران است. در مواردی هم افراد بریده و خائنان خودفروخته، برای مجاهدین نامه نوشته و آنها را به خیانت و بازگشت نزد رژیم تشویق کرده‌اند. مزدور حسین فرقانی یکی از عوامل اصلی وزارت اطلاعات در استانهای شمالی کشور، در صحبت با خانواده‌ها به آنها توصیه می‌کند که «وقتی او را دیدی، او را به گوشه‌یی ببر، در قالب خاطره با او صحبت کن و ۱۰ تا نامه برایش ببر و یک آلبوم عکس خانوادگی برایش ببر، آن موقع می‌شود یک صحبتی کرد که حالا برویم او را بیاوریم».

نمونه‌هایی از نامه‌های وزارت اطلاعات برای اعضای مجاهدین که به اسم خانواده و اقوام جهت بازگشت به نزد رژیم و ترویج خط بریدگی، ارسال شده را ملاحظه نمایید:

نامهٔ مجعول به عنوان برادر یکی از کادرهای مجاهدین:

«... مادر و پدر پیرت در مرگ تدریجی به سر می‌برند و روز و شبشان اشک است و خون دل خوردن... مثل یعقوب و یوسف. زمینه مساعد است، برگرد و چشم دلشان را روشن کن».

نامهٔ برادر یکی از بریده‌خائنان به نام کمندعلی عزیزی به‌وی:

«... امیدوارم هرچه زودتر از آن زندان ویران‌شده آزاد شوید. برادرت داماد شده پدر می‌خواهد دامادی من و تو در یک شب باشد... شما آن زندان سیاه آمریکا را رها کن و به‌نزد خودمان برگرد».

نامهٔ مجعول به اسم خواهر یکی از کادرهای مجاهدین خطاب به برادرش:

«... تنها نگرانی ما دوری از توست که می‌خواهیم هرچه زودتر به‌خاطر پدر و مادر و همهٔ ما برگردی و مطمئن باش این‌جا هیچ‌گیری به‌تو نمی‌دهند و مشکلی برایت پیش نمی‌آید و فقط ارادهٔ خودت هست... به حرفهای اطرافیان گوش نده و جرأت کن... دولت پول داده و کمک کردند که پدر و مادر شما را ببینند. الآن بهترین موقعیت است، بلند شو بیا و ما را چشم به‌راه نگذار».

به‌همراه این نامه یک شماره تلفن هم برای تماس او در صورت فرار به‌نزد رژیم، برایش فرستاده شده است.

نامه به اسم مادر به یک کادر مجاهد:

«... شب و روزمان گریه است و از دینا سیر شده‌ایم. اگر می‌خواهی دیدار به‌قیامت بیفتد، نیا. تو که بامداد و سپید را خیلی دوست داشتی چطور دل‌کندی و رفتی؟ چشم به‌راحت هستیم. بیا».

در ادامهٔ نامه به اسم برادر وی نوشته شده: «... خواهرم در یک کلام می‌گویم هرچه سریع‌تر از سیاست کنار بکش تا آرامش از دست رفته را به‌دست آوری. همواره مواظب جسم و روح باش».

۳ نامه به اسم برادر و دوست به یک کادر مجاهد:

نامهٔ اول: «... اگر حق انتخاب کردن را به‌تو دادند حتماً ایران را انتخاب کن و نترس به‌تو کاری ندارند... برگردد».

نامهٔ دوم: در نامه‌یی که به اسم دوستش نوشته شده، بدون مقدمه می‌گوید

«تو که نیت بدی نداشتی و بدون آگاهی وارد این راه شده‌ای و بارها دولت اعلام کرده که با آنها که کاری نکرده‌اند و از غفلتشان سوءاستفاده شده کار نداریم. می‌خواهیم جوانهایمان به آغوش خانواده برگردند... هنوز دیر نشده و اول راه هستیم. همه کسانی که تو را دوست داریم منتظر تو هستیم که بیایی و با هم سرکار برویم و...»

نامه سوم: به نام پسر عمه‌اش در نامه‌یی نوشته شده: «عکسهای که فرستاده بودی به دستمان رسید. با عکسهای قبلی مقایسه کردم تغییرات زیادی کرده بودی معلوم است که در اسارت هستی و به‌طور عجیبی شما را می‌رنجانند!! و به‌طور حیرت‌آوری مغز شما را از این‌رو به آن‌رو می‌کنند. ما دلمان تنگ شده و سؤال همه‌مان این است که چرا نمی‌آیی و درخواستم این است که در جواب نامه‌ام به این سؤال پاسخ دهی».

به ضمیمه این نامه، قسمتی از روزنامه همشهری و مقاله‌یی با تیتراژ «شرایط بازگشت، محاکمه و عفو اعضای معمولی منافقین» ارسال شده است.

نامه مجعول خطاب به یکی از خواهران مجاهد از زبان برادرش:

«... حالا که مسئولان حکومت برایتان شرایط فراهم کرده‌اند، سریعتر تصمیم بگیر... این‌جا انجمنی به نام نجات هست که برای بچه‌های اونور مرز شرایط را فراهم می‌کند... اگر جواب مثبت برای آمدن به ایران نداری حداقل خودت را به یک کشور خارجی برسان که جانت حفظ شود».

نامه به یک کادر مجاهدین از زبان پدرش:

نامه از طرف خواهران، خواهرزاده و نامزد سابق و پدرش ارسال شده است. در همه نامه‌ها خواستار بازگشت وی شده‌اند... در نامه پدرش صحبت از شکنجه شدن در مجاهدین کرده و در قسمتی از نامه آمده است: رئیس‌جمهور عزیزمان آقای خاتمی شرایط بازگشت برای شما را فراهم کرده و آقایان گروه نجات در این رابطه برای نجات دادن فرزندان ما از آن‌جا تلاش می‌کنند. پس سریعتر برگردید.

همچنین قسمتی از روزنامه همشهری در مورد عفو و شرایط بازگشت به کشور نیز ضمیمه نامه شده است.

نامه به اسم خواهر فردی که از بریدگان تسلیم شده به رژیم است:

از قول خواهرش نامه داده است که: وقتی خبر سلامتی تو را بعد از ۱۵ سال از اطلاعات آمل شنیدیم خیلی خوشحال شدیم و منتظر دیدن روی تو هستیم...
اسامی خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها را ردیف کرده که دانشگاه رفته و لیسانس یا فوق لیسانس گرفته، ازدواج کرده و هر کدام ۲ - ۳ بچه دارند و زندگی خیلی خوبی دارند. خبر فوت پدر و مادرش و این که آرزوی دیدار وی را به گور برده‌اند را داده و گفته امیدوارم ما با دست پر از کربلا برگردیم و دعایمان مستجاب شود.

من ۱۸ ساله که منتظرم تا حتی یک بار تو را ببینم. تمام این مدت فکر می‌کردم
بالاخره به روزی پیشم برمی‌گردد و با هم زندگی می‌کنیم. اما مثل اینکه اشتباه کردم. تو خیلی چیزهای مهم‌تر از من داری.
می‌دونم که داری.

اگر کارت اینطور برآید
همه که با تنها یادگارت اینطور به حرف می‌زنی و حاضری از من به این راحتی بگذری، بهتره منو فراموش کنی.
بیکارت ادامه بده. من دیگه حرف ندارم.

خدا حافظ

نیمه شب ۱۳۸۲/۹/۸

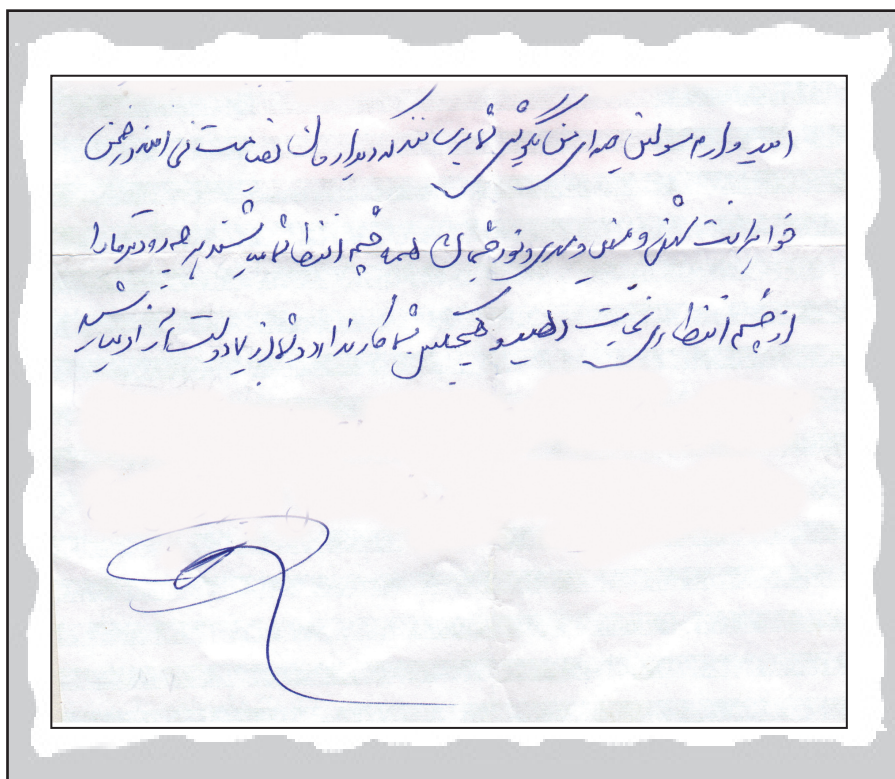
متن کلیشه شماره ۱۵: ... من ۱۸ ساله که منتظرم تا حتی یک بار تو را ببینم. تمام
این مدت فکر می‌کردم بالاخره یک روزی پیشم برمی‌گردد و با هم زندگی
می‌کنیم اما مثل این که اشتباه کردم. تو خیلی چیزهای مهم‌تر از من داری. می‌دونم
که داری...

... اگر کارت این قدر برای من مهمه که با تنها یادگارت این قدر بد حرف می‌زنی
و حاضری از من به این راحتی بگذری، بهتره منو فراموش کنی. به کارت ادامه بده.
من دیگه حرفی ندارم.

خدا حافظ

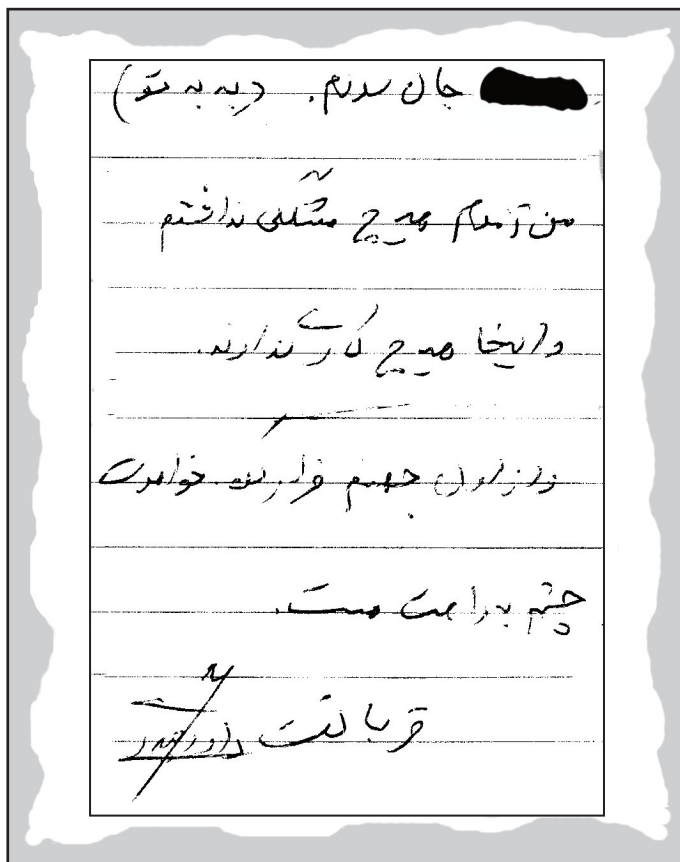
نیمه شب ۱۳۸۲/۹/۸

بخشی از یک نامه که از زبان فرزند یکی از مجاهدین خطاب به مادرش نوشته شده
است، اما نویسنده واقعی آن، مزدوری به نام ایرج عطاریان است.



متن کلیشه شماره ۱۶: امیدوارم مسئولین صدای من بگوش شما برسانند که دیدارمان بقیامت نمی‌افتد در ضمن خواهرانت شهین و مهین و مهری و نورچشمان همه چشم انتظار شما می‌باشند هر چه زودتر ما را از چشم‌انتظاری نجات دهید و هیچکس بشما کار ندارد و شما از ۷ دولت آزاد می‌باشید.

پیام صریح مأمور اعزامی اطلاعات آخوندی برای ترویج بازگشت و خیانت،
توسط مأموران اعزامی به عراق ارسال شده است:



متن کلیشه شماره ۱۷: ... جان سلام (به به تو)

من آمدم هیچ مشکلی نداشتم و اینجا هیچ کاری ندارند. از اون جهنم فرار کن.
خواهرت چشم به راهت است.

قربانت - داوود حیدری

در این نامه مزدور میرکانی به صورت ناشیانه‌یی، عامل دیگر وزارت اطلاعات به نام ادوارد ترمادویان را که مدتی است برای مأموریت علیه مجاهدین توسط وزارت اطلاعات به آلمان فراری داده شده است!! لو می‌دهد.

سلام - ابوالفضل میرکانی
 به خاطر این که بدانی من زنده هستم و ترسی از این نداشته باش که ایران ماها را اعدام می‌کند. همه اینها
 خیال باطل است. قاسم جان به این نشانی که در مرکز ۱۲ با هم بودیم... و این را هم
 بدان که با ادوارد ترمودیان هم با هم هستیم. به امید دیدار هر چه زودتر. خدا حافظ
 پیرو کسی از منافقین نشو و هر چیزی که خواهرت یا مادرت و یا دیگر دوستانت می‌گویند
 واقعی است و به آنها اعتماد کن

متن کلیشه شماره ۱۸: ... سلام - ابوالفضل میرکانی هستیم. به خاطر این که بدانی من زنده هستم و ترسی از این نداشته باش که ایران ماها را اعدام می‌کند. همه اینها خیال باطل است. قاسم جان به این نشانی که در مرکز ۱۲ با هم بودیم... و این را هم بدان که با ادوارد ترمودیان هم با هم هستیم. به امید دیدار هر چه زودتر. خدا حافظ پیرو کسی از منافقین نشو و هر چیزی که خواهرت یا مادرت و یا دیگر دوستانت می‌گویند واقعی است و به آنها اعتماد کن.

فصل هشتم

اشک تمساح آخوند یونسی



آخوند یونسی که بارها تنها وظیفه وزارت اطلاعات و کلیه مزدوران اجیر شده آن را، حفظ امنیت و حفظ نظام معرفی کرده، «از بین بردن منافقین، به عنوان اصلی ترین دشمن نظام» را جزء وظایف واجب خود و کلیه سربازان گمنام! وزارت منفور اطلاعات و در سرلوحه وظایف این وزارتخانه مشخص می کند. این آخوند جانی طی سالیان اخیر تلاش کرده است، چهره آدمکشان و شکنجه گران حرفه‌یی وزارت اطلاعات را با ماسکهای عوامفریبانه بپوشاند و این ارگان جنایتکار را مورد اعتماد و دلسوز مردم! جابزند. اما مثل همه بازیگران این نظام چپاولگر و خونریز، آن جا که خطر سرنگونی و اعتراضات مردمی، جدی می شود، تمام این دغل کاریها رنگ می بازد و وی با شعار «پیروی از ولایت برای حفظ حاکمیت» هیچ حد و مرزی در انجام جنایت نمی شناسد. آن چنان که وقتی تظاهرات دانشجویی در ۱۸ تیر سال ۷۸ و فعالیتهای هواداران مجاهدین در داخل کشور، ارکان نظام پوسیده نظام ولی فقیه را به لرزه می آورد، در اقتدا به خاتمی و خامنه‌ای جنایتکار جهت سرکوب و کشتار تظاهر کنندگان، ماسک از چهره خود و همه قمه به‌دستان و چاقو کشان وزارت اطلاعات برداشته و ماهیت واقعی‌اش را برملا می کند.

اما آن گاه که به دلیل تروریسم افسار گسیخته این نظام به‌ویژه در عراق، رسوا و مفتضح می شود، و وقتی در سال ۸۲، همه ترندهای خود و وزارت اطلاعات پراقتدارش! در برابر

پایداری پر شکوه مجاهدین در هم شکسته می شود، باز هم با اقتدا به خاتمی جنایتکار، به یاد گفتمانهای سیاسی می افتد و این که «روشهای تند و افراطی و خشن همواره مورد رد مردم بوده است» و کشف می کند که «جنگ روانی مؤثرتر از جنگ گرم است».

او که برای همه مخالفان و حتی نیروهای درون این نظام پوسیده خط و نشان کشیده و می گفت «هرجریان و گروهی بخواهد با گروههای محارب رابطه برقرار کند با آن برخورد می کنیم و جریانات قانونی حق ندارند با جریانات خارجی ارتباط برقرار کنند» و در سال ۸۰، ۷۷ موشک کشتار جمعی اسکاد را طی یک شب، به قرارگاههای مجاهدین روانه می کند و در کمال وقاحت می گفت، جمهوری اسلامی برای حفظ خود «تمام موانع از جمله منافقین را از سر راه بر خواهد داشت»، به ناگهان در سال ۸۱ به فکر اعضا و خانواده مجاهدین افتاده و به جایی می رسد که در سال ۸۲ به مجاهدین مستقر در عراق می گوید: «کسانی که خانواده هایشان را بردند آنجا، لاقل خانواده هایشان برگردند به ایران که لاقل از مشکلات عراق خلاص شوند، حداقل به خانواده هایشان ظلم نکنند و خانواده شان را بفرستند، خانواده های بی گناه شون چرا در زیر آتش و نگرانی به سر بیرند؟» و در همان حال اعتراف می کند که «تبدیل عناصر منافقین به ضد منافقین نیز از تلاشهای دیگر وزارت اطلاعات است».

بخشی از اظهارات آخوند یونسی طی چند سال اخیر در مورد نحوه برخورد با مجاهدین به خوبی ترس و وحشت این دژخیم را از مجاهدین برملا می کند و نشان می دهد که بیش از هر چیز، به خاطر درد سرنگونی است که این چنین برای جدا کردن حتی یک هوادار مجاهدین به تلاشهای ضد انسانی و رذیلانه دست می زند و به یکباره عواطف انسانی! یونسی آن چنان گل می کند که روز و شب در کابوس فرزندان مجاهدین و بردن آنها به زیر قبای خود است!!

Le Point

هفته‌نامه فرانسوی زبان لوپوئن ۷۸/۴/۱۸:

«یک فرستاده ویژه وزیر اطلاعات ایران علی یونسی یک دیدار از اروپا داشته و هدفش این بوده که یک سری آکسیون علیه مجاهدین خلق، اصلی‌ترین نیروی اپوزیسیون رژیم را سازماندهی کند. آکسیونهایی علیه پایگاههای این جنبش در عراق در نظر گرفته شده است».



روزنامه حکومتی انتخاب ۷۸/۱۱/۲:

«یونسی: ... متشکل‌ترین جریان برانداز سازمان منافقین است ... این که صیاد شیرازی ... یا آقای لاجوردی را در محل کارش ترور بکنند، این که هنر نیست ... درحالی که همین منافقین در عراق از دست مردم عراق اصلاً امنیت ندارند. تکان بخورند، مردم عراق آنها را می‌زنند ... ما مطمئن هستیم که سرانجام منافقین توسط ملت عراق نابود خواهند شد».

تلویزیون رژیم ۷۹/۶/۲:

«وزیر اطلاعات ... اعلام کرد، ما به دست مردم عراق از منافقین انتقام خواهیم گرفت».



روزنامه‌های حکومتی آفرینش و کیهان ۷۹/۷/۳:

«سازمان منافقین خبیث‌ترین دشمن ملی ماست که با اعزام تروریست سعی در تلقین نبود امنیت در داخل و خارج از کشور دارند ... وزیر اطلاعات گفت: مطمئن باشید اگر توسعه پیدا نکنیم در جهان کنونی مرگ ما حتمی است».



خبرگزاری رسمی رژیم ۷۹/۸/۱۲:

«وزیر اطلاعات با اشاره به شرارت‌های فاقد ارزش نظامی منافقین ... گفت: وزارت اطلاعات برنامه‌های وسیعی برای انهدام منافقین در دست اقدام دارد».

خبرگزاری رسمی رژیم ۷۹/۸/۱۴:

«سلطانی معاون وزیر اطلاعات در جمع مسئولان شهرستان بروجرد تصریح کرد

«مقابله با منافقان و خنثی سازی توطئه دشمنان از جمله وظایف مهم وزارت اطلاعات است و وزارت اطلاعات مقابله با التقاط را سرلوحه کار خود قرار داده است» و خاتمی هم به همین خاطر «تشنج زدایی را لازمه برقراری امنیت» می داند.

خبرگزاری رسمی رژیم ۷۹/۱۰/۱۹:

«وزیر اطلاعات، در حاشیه همایش وحدت و امنیت ملی: منافقین، افراد تروریستی هستند که منفورتر از آنها وجود ندارد و به همین خاطر، دنیا باید ارتباط خود را با این گروه جانی قطع و آنها را به عنوان تروریست معرفی کند».

خبرگزاری رسمی رژیم ۷۹/۱۰/۲۴:

«وزیر اطلاعات گفت، هر جریان و گروهی بخواهد با گروههای محارب رابطه برقرار کند با آن برخورد می کنیم و جریانات قانونی حق ندارند با جریانات خارجی ارتباط برقرار کنند... این چنین نیست که اگر فرد و یا گروهی با گروههای مخالف نظام ارتباط برقرار کنند از ما پنهان بماند».

تلویزیون رژیم - شبکه خبر ۸۰/۲/۷:

«یونسی: با اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی، پایگاههای منافقین در خاک عراق شناسایی و با هماهنگی نیروهای مسلح تعدادی موشک زمین به زمین به این پایگاهها شلیک شد... وی تأکید کرد مردم عراق از حضور منافقین در خاک خودشان ناراحت هستند و روزی خواهد رسید که ملت عراق با دست خودشان باقیمانده این عناصر را نابود و از خاک عراق اخراج می کنند».

روزنامه حکومتی نوروز ۸۰/۲/۸:

«گزارش وزیر اطلاعات از جزییات حمله موشکی ایران به پایگاههای منافقین... وزیر اطلاعات گفت: جمهوری اسلامی ایران برای برقراری ارتباط با کشورهای همسایه خود و نیز برقراری صلح و آرامش تمام موانع از جمله منافقین را از سر راه برخواهد داشت... حجت الاسلام والمسلمین علی یونسی، در گفتگو با ایسنا با بیان این مطلب گفت: شلیک چند فروند موشک به مقر منافقین در عراق در حقیقت برای تحقق اراده، توقعها و انتظارات مردم شریف انجام گرفته است.

وی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران این قدرت نظامی را دارد که فقط ظرف

چند دقیقه، دهها موشک به نقاط از پیش تعیین شده خود شلیک کند البته ایران این قدرت نظامی را فقط برای دفاع از کشورهای اسلامی و در جهت صلح و امنیت منطقه می‌پسندد!!

یونسی تصریح کرد: قبلاً هم گفته‌ام که بالاخره هم منافقین به دست مردم عراق نابود خواهند شد... وی در مورد خسارت وارده به منافقین در حمله موشکی ایران اظهار داشت همه پایگاههایی که مورد هدف قرار گرفته است، منهدم شده است به طوری که منافقین مجبور شده‌اند محل را ترک کرده و به جای دیگر بروند و گزارشهای کاملی وجود دارد از میزان خسارت وارده به ماشین جنگی منافقین که بسیار زیاد و گسترده بوده است».

خبرگزاری رسمی رژیم ۸۰/۴/۶:

«وزیر اطلاعات روز چهارشنبه در همایش قوه قضاییه تأکید کرد: منافقین مهمترین گروه ضدانقلاب هستند که ضمن حمایت خارجی به چیزی جز نابودی جمهوری اسلامی ایران فکر نمی‌کنند».

تلویزیون رژیم ۸۲/۱/۶:

«مصاحبه با یونسی وزیر اطلاعات: ... من از این فرصت استفاده کنم از هواداران گول خورده اینها دعوت بکنم، از این سازمانهای تروریستی جدا شوند به دامن کشورشان برگردند و به میهن خودشان برگردند... اگر اینها پشیمون شوند برگردند، جمهوری اسلامی مورد توجه قرار خواهد داد و اونها رو امان خواهد داد. از رهبران شرور و تروریست جدا بشوند و برگردند به دامن کشور، به دامن میهنشون، الان فرصت خویست، کسانی که خانواده‌هایشان بردند آن‌جا، لااقل خانواده‌هایشان برگردند به ایران که لااقل از مشکلات عراق خلاص شوند، حداقل به خانواده‌هایشان ظلم نکنند و خانواده‌هایشان بفرستند که خانواده‌های بی‌گناه‌شون چرا در زیر آتش و نگرانی به سر ببرند، از این فرصت دعوت می‌کنم که از موقعیت استفاده بکنند».

تلویزیون رژیم ۸۲/۳/۱:

«یونسی گفت: ... تسلیم سران منافقین یکی از مطالبات جدی جمهوری اسلامی ایران از آمریکا است».

خبرگزاری حکومتی فارس ۸۳/۵/۳:

«وزیر اطلاعات که به منظور معرفی مدیر کل جدید اطلاعات استان گلستان به این استان سفر کرده است، در جمع شورای اداری این استان شرکت کرد. وزیر اطلاعات جنگ روانی را مؤثرتر از جنگ گرم دانست و گفت: «در جنگ روانی و تبلیغاتی، قبل از شلیک گلوله، دلها تسخیر می شود و به همین خاطر سالانه مبالغ بسیاری صرف جنگهای تبلیغاتی می گردد».



خبرگزاری حکومتی فارس ۸۳/۶/۱۰:

«یونسی: اما وزارت اطلاعات مدتها است که به این نتیجه رسیده بود که باید معاند را به مخالف تبدیل کرد و ما در این زمینه تلاش کردیم و سعی داشته ایم که مانع از تمایل جریانات خودی به غیرخودی شویم. وی تبدیل جریانات ضدانقلاب به جریانات کم خطر یا بی خطر و تبدیل عناصر منافقین به ضد منافقین را نیز از تلاشهای دیگر وزارت اطلاعات خواند...»

خبرگزاری حکومتی فارس ۸۳/۶/۱۰:

«وزیر اطلاعات گفت: مسئولین جمهوری اسلامی ایران استراتژی خود را پیش و پس از حمله آمریکا تدوین کردند و به لطف خدا ایران بیشترین منفعت را در عراق داشته است چرا که دیگر نه صدام و نه منافقین را داریم و در مقابل، آمریکا به هیچ یک از اهداف خود نرسیده است... وزیر اطلاعات گفت: عراق نباید لانه تروریستها اعم از منافقین و غیر منافقین شود و نباید بازمانده رژیم بعث و ریشه های صدام دوباره جان گیرد و نمایان گردد... وی با اشاره به سانسور شدید خبری در سازمان منافقین گفت: آنها پیام دعوت ما را نشنیده اند و ما از صلیب سرخ و دولت عراق می خواهیم تا افرادی را که به دنبال راه فرار هستند، به ایران یا کشوری دیگر هدایت کنند».

تلویزیون رژیم ۸۳/۷/۱۳:

آخوند یونسی: «...اگر چنانچه چه یه کتابی نوشته شده که اون کتاب تفرقه برانگیزه، وزارت اطلاعات پیش از این که حتی کتاب منتشر بشه، کتاب رو شناسایی می کنه و کنترل می کنه و اجازه نمی ده یا چاپ بشه یا منتشر بشه. انتشار یک مقاله توهین آمیز یا

یک کتاب تفرقه‌انگیز، حقیقتاً می‌تونه امنیت ملی ما را در معرض خطر قرار بده... دادن یه شعار تند، یه پیام تند، یه سخنرانی بی‌جا، در یه منطقه ناامنی ایجاد می‌کنه... ما در سال دهها مورد که اگر من صدها مورد بگم درست تر هست. ما اینها رو شناسایی و خنثی می‌کنیم... ببینید فاجعه ۱۸ تیر، به خاطر انتشار یک سند خیلی خیلی کوچیک در حد محرمانه اتفاق افتاد که هنوز آثار و تبعاتش وجود داره. اون غائله، اون سروصدا، اون اغتشاش به خاطر انتشار یک سند نیمه محرمانه. حالا ببینید اسناد به کلی سری... اگر یه سرویس اطلاعاتی کار حرفه‌یی بکنه، دلائل و مدارک اطلاعات رو جمع کرد، با منطق و استدلال و حرفه با متهم برخورد کرد،... امروز ما تروریستهای مسلح، کسانی که آمدند کشته بشوند یا بکشند، ما سالم دستگیر می‌کنیم و اونها رو تبدیل می‌کنیم به کسی که آزادانه در جامعه می‌گرده و از جمهوری اسلامی و از وزارت اطلاعات، دفاع می‌کنه».



خبرگزاری حکومتی ایسنا ۸۳/۷/۱۴:

«یونسی در همایش وزارت اطلاعات، مردم و امنیت هم‌چنین درباره اقدامات وزارتخانه متبوعش در حوزه رفع مشکل ایرانیان خارج از کشور، از رفع دیدگاههای موهومی که به واسطه تبلیغات دشمنان ایجاد شده به‌عنوان اولین اقدام این حوزه نام برد و گفت: تلاش ما این است که در قدم اول پیوند بین داخل و خارج برقرار شود و آنها به داخل نگاه کنند و چنانچه نمی‌توانند به داخل برگردند، نگاهشان عوض شود».



خبرگزاری حکومتی مهر ۸۳/۷/۱۴:

«در همایش وزارت اطلاعات، وزیر اطلاعات در خصوص برنامه‌های این وزارتخانه در خصوص ایرانیان خارج از کشور گفت: دیوار مصنوعی که بین ایرانیان داخل و خارج از کشور است باید از بین برود و... هدف ما از بین بردن این دیوار است تا ایرانیان بازگردند و... بدانند که هیچ‌جا برای آنها امن‌تر و بهتر از ایران نیست. وزیر اطلاعات... تأکید کرد: هدف ما این است که ایرانیان به داخل ایران نگاه می‌کنند و گرایش و حرکت آنها به سوی ایران باشد».

اطلاعات آخوندی برای ضربه زدن به تشکیلات مجاهدین و فشار به خانواده‌ها از به کارگیری بریده مزدوران بازگشتی به نزد خود بیشترین استفاده را می‌کند. از یک طرف با انواع دروغها و ایجاد نگرانی نسبت به موقعیت سازمان در عراق و سلامت فرزندان‌شان، خانواده‌ها را به لحاظ عاطفی تحت فشار قرار می‌دهند تا به خواسته اطلاعات آخوندی برای جدا کردن فرزندان‌شان از سازمان، تن بدهند. از طرف دیگر آنان را زیر بمباران تبلیغات و لجن پراکنیهای خود قرار داده و در صورت تن ندادن خانواده‌ها به خواسته‌های آنها، مورد شانتاژ، تهدید و ارباب قرار می‌گیرند. خانواده‌هایی که به نوعی تحت تأثیر اراجیف این بریده مزدوران قرار گرفته‌اند، در ملاقات و تماس با مجاهدین و اشراف نسبت به سوءاستفاده رژیم از آنها، به سرعت فضایشان شکسته و تغییر می‌کند و بیش از پیش به نفرت آنها از وزارت اطلاعات افزوده می‌شود.

بخشی از این شیوه ضدانسانی یعنی «استفاده از برگ خانواده علیه مجاهدین» در یک جنگ سیاسی و روانی، از زبان مزدوران دشمن برملا می‌شود:

۸۲/۱۲/۱۴: مزدور حسین فرقانی - عامل وزارت اطلاعات

این مزدور در توجیه یکی از خانواده‌ها برای آمدن به شهر اشرف می‌گوید: «... کاری کنید که خانواده‌هایی که می‌روند کربلا برای زیارت و از اقوام شما هستند، اینها را توجیه کنید بروند جلو درب قرارگاه اشرف و خیلی دوستانه و بدون این که موضع ضد نظام یا طرفدار نظام داشته باشند بگویند ما آمدیم اینجا فلانی را ببینیم... وقتی رفتی قرارگاه اشرف مجبور هستی حفظ ظاهر کنی و تقیه کنی، بگویی آقا ما شما را دوست داریم، وقتی اینها را بگویی طرف مقابلت خلع سلاح می‌شود.

شما می‌روید با یک ظاهر آراسته‌یی، می‌روی داخل و سلام و علیک و عاطفه جمعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهی، چه جوری؟ با جمع آنها روبوسی می‌کنی، به جمعشان اظهار ارادت و محبت می‌کنی! که آقا ما چقدر شما را دوست داریم. اگر گفت انجمن نجات بگو من نمی‌دانم انجمن نجات چیست، آمدم تو را ببینم... اول بهش دسترسی پیدا بکن و او را بکش یک گوشه کناری و یک مقدار اعتمادش را

جلب بکن و بعداً باهاش صحبت کن در قالب خاطره و ۱۰ تا نامه برایش ببر و یک آلبوم عکس خانوادگی برایش ببر، آن موقع می‌شود یک صحبتی کرد که حالا برویم او را بیاوریم».

خبرگزاری رسمی رژیم ۸۳/۱۰/۲:

«... «علی یونسی» وزیر اطلاعات دوم دی‌ماه درباره عفو اعضای گروهک منافقین اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره بین سران جنایتکار منافقین و بدنه این گروهک تفاوت قایل است و تلاش دارد که بدنه منافقین از سران جدا شوند و آنها خود را از این گروهک نجات دهند».

۸۳/۱۰/۹: مزدور آرش رضایی از عوامل وزارت اطلاعات

«انجمن نجات در این دو سال چند کاروان به قرارگاه اشرف فرستاده، کار خودمان را به خوبی انجام دادیم و توانستیم رابطه‌یی که مد نظرمان بود برقرار کنیم. همه تلاش انجمن نجات ایجاد همین رابطه است... هر خانواده‌یی که رفته و برگشته خیلی به ما اضافه کرده است. من حرفم به شما این است که بتوانید ارتباط عاطفی خودتان را با آنها حفظ کنید و زمینه را فراهم کنید تا بتوانند از آن محل کنده شوند و از مواضع خود دست بردارند، حالا به هر جای دیگری خواستند بروند و در آن‌جا زندگی خودشان را بکنند. حتی بروند در اروپا پناهنده بشوند، هر کاری می‌خواهند در آن‌جا بکنند، ما به آن کاری نداریم... من می‌خواهم این را بگویم که ما انجمن نجات بدون خانواده‌ها هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم. الحق هم که اگر خانواده‌ها نبودند ما هیچ کاری نمی‌توانستیم بکنیم و گامی برداریم».

سایت وزارت اطلاعات به نام ایران دیدبان ۸۳/۱۱/۴:

نقش مهم خانواده‌ها در فروپاشی مجاهدین - ایرنا

«یزدان‌پرست عضو شورای مرکزی انجمن نجات... با بیان این مطلب که همه اعضای مجاهدین فرزندان ایران هستند، تلاش برای نجات و رهایی آنان از چنگال رجوی را اقدامی مهم عنوان کرد که باید تمام خانواده‌های آنان در اقصی

نقاط کشور در این راه گامهای محکمتری را بردارند. وی گفت: انجمن نجات با گفتگوهای مختلف با خانواده‌های اعضای دربند گروه مجاهدین در ایران چنان تأثیرگذار عمل کرده است که برقراری ارتباط آنان با فرزندان‌شان قطعاً در آینده در فروپاشی این گروه مؤثر خواهد بود... بدون تردید این اقدامها در سایه عملکرد خوب خانواده‌های آنان بوده است».

روزنامه حکومتی ایران ۸۳/۱۱/۴:

همایشی برای آشناسازی با وضعیت زندگی در اردوگاه منافقین

«... تشکیلات موسوم به انجمن نجات به کار انتقال و آزادی اعضای بریده و تواب منافقین از عراق و اروپا به ایران را دنبال می‌کند، همایشی ویژه برای خانواده این افراد برگزار کرد. در این همایش پنج عضو تواب منافقین حضور داشتند. یکی از آنان اظهار داشت: انجمن نجات را من به اتفاق تعدادی از دوستانم که از بند گروهک رجوی به ساحل نجات رسیده بودیم، با هدف اینکه چه اقدامی می‌توان برای آنهایی که هنوز اسیر هستند، انجام داد، تأسیس کردیم. وی گفت: این انجمن در آغاز فعالیت فقط ۲۰ تا ۳۰ خانواده را دربر می‌گرفت، اما هم اکنون در اکثر استانهای کشور فعال است».

سایت وزارت اطلاعات به نام ایران دیدبان ۸۳/۱۱/۷:

نشست انجمن نجات در مشهد

«صبح روز سه‌شنبه ۶ بهمن ۸۳ به دعوت تعدادی از خانواده‌های اعضای مجاهدین، سه تن از اعضای جداشده این گروه، در جلسیه‌ای در محل هتل هما در مشهد حضور یافته و گزارشی از چگونگی بازگشت و اخباری که در مورد فرزندان این خانواده‌ها داشتند را ارائه نمودند... نکته مهم دیگری که حضار به آن اصرار داشتند تهیه «امان‌نامه‌هایی» بود که برای ارائه به اعضای مجاهدین توسط خانواده‌ها به عراق برده شود و آن را یک راه کار مناسب برای شکستن ذهنیتهای ایجاد شده توسط سازمان

مجاهدین علیه ایران دانستند».

۸۳/۱۱/۶ - سایت وزارت اطلاعات به نام نجات:

گردهمایی خانواده‌های عضو انجمن نجات در تبریز

«آرش صامتی‌پور: ... امروز همه ما جداشدگان در برابر بزرگترین و خطرناکترین عنصر ضدایرانی و در مقابل اصلی‌ترین دشمن جوانان این مرزوبوم ایستاده‌ایم. بنابراین بیش از همیشه به کمک و حضور شما خانواده‌های گرامی نیازمندیم. در واقع اعضای اصلی انجمن ما، خود شما هستید ... عزیزان ما در عراق نیاز شدید به محبت و رابطه عاطفی دارند و شما در هر تماس با تزریق این اصلی‌ترین نیازشان، کمک بزرگی در جذب و سوق دادن آنها به زندگی دور از فضای بسته تشکیلات خواهید کرد. در قدم دیگر بایستی به آنها اطمینان بدهیم که همه دربهای میهن برویشان باز است و وطنشان صد درصد پذیرای آنان است و از خانواده‌ها گرفته تا مسئولان مملکتی آماده هرگونه کمک برای نجات این عزیزان هستند و فقط در انتظار نخستین حرکت آنها که همانا اعلام جدایی از تشکیلات مذکور است، نشسته‌اند و ما اعضای جداشده عضو انجمن نجات، تا خارج نمودن آخرین نفر از چنگ رجوی، ایستاده‌ایم و ادامه خواهیم داد.

آقای «ناصری» رییس دادگستری آذربایجان شرقی: ... من نیز اعلام می‌کنم که هیچ مشکلی بر سر برگشت عزیزان شما وجود ندارد ... از شما خانواده‌های محترم می‌خواهم در صورت مراجعه به کمپ اشرف ضمن ابراز عاطفه و دلداری به بچه‌هایتان، از زبان خودتان که تعهد ما نیز هست به آنان اطمینان بدهید که همه در بها بروی آنها باز است».



فصل نهم

تبلیغ انجمن نجات در رسانه‌های حکومتی



تبلیغات و انتشار اخبار فعالیتها و پروژه‌های وزارت اطلاعات رژیم علیه مجاهدین در رسانه‌های خبری حکومتی بخشی از جنگ روانی رژیم را تشکیل می‌دهد و گویای کارزار هدایت شده‌یی است که رژیم تمام عوامل خود در داخل و خارج ایران را برای آن به خدمت گرفته است. آنچه در این بخش آمده گزیده‌یی از انبوه جنگ روانی رژیم علیه مجاهدین با هدف ضربه به تشکیلات و استرداد مجاهدین از عراق است که به مثابه نوک کوه یخ این تلاشهای رژیم در مطبوعات منعکس می‌شود.

سایت وزارت اطلاعات موسوم به ایران اینترلینک ۸۲/۲/۲:



خانواده‌ها خواستار ملاقات بستگانشان در پایگاههای مجاهدین در عراق هستند

«در نامه‌یی خطاب به آقای جک استرو، وزیر محترم خارجه دولت بریتانیا، ایران اینترلینک مجدداً بر جنایات سازمان مجاهدین، گروه مسلح اپوزیسیون ایرانی مستقر در عراق تأکید نمود. گزارشات مطبوعات بین‌المللی حاکی از آن است که گروهی از خانواده‌های مجاهدین در ایران در مقابل دفتر حفظ منافع ایالات متحده آمریکا در

سفارت سوییس دست به تظاهرات زده و خواستار اجازه دیدار با خانواده‌های خود در کمپهای مجاهدین در عراق شده‌اند...»



سایت وزارت اطلاعات به نام ایران دیدبان ۸۲/۴/۲۷:

خانواده‌های معترض مجاهدین در بغداد

«بنابر بیانیه‌یی که از سوی «انجمن نجات» انتشار یافته است، روز یکشنبه ۲۲ تیر ۸۲، پنجاه تن از خانواده‌های اعضای مجاهدین وارد خاک عراق شده‌اند تا فرزندانشان را از اسارت تشکیلات فرقه‌یی رجوی نجات دهند. خانواده‌های اعزامی روز چهارشنبه با تجمع در مقابل هتل فلسطین محل استقرار خبرنگاران رسانه‌های خارجی در بغداد، با بیان خواسته خود مبنی بر ملاقات و دیدار با فرزندانشان آمادۀ مراجعت به قرارگاه اشرف واقع در شهر خالص شمال شرق بغداد شدند.»

سایت سپیده

متعلق به یک مأمور وزارت اطلاعات به نام حسن خلج ۸۲/۵/۱:

قلعه اشرف و تلاش خانواده‌های مجاهدین برای دیدار فرزندانشان

«قلعه اشرف، قرارگاه بزرگی است که بسیاری آن را زندانی در تبعید یاد می‌کنند... آقای مسعود رجوی با دربند کشیدن و مغزشویی بسیاری از هم‌میهنان ایرانی... از کوچکترین حقوق انسانی در حق ایرانیانی که آنان را می‌توان مجاهدین مسعود رجوی یاد کرد دریغ می‌ورزد.

این روزها وقامت و پلیدی این مزدور بیگانه تا به جایی رسیده که با محبوس کردن باقیمانده مجاهدین در راستای خدمت به آمریکاییان برضد مردم عراق و ایران سعی در جلوگیری از نابودی صددرصد خود دارد... هم‌میهنان و انساندوستان گرامی، برای رهایی و نجات عده‌یی از فرزندان ایرانی از چنگال باند بزهکار و مافیایی رجوی با هم متحد شویم. حسن خلج - آگوست ۲۰۰۳.»

تلویزیون جام جم رژیم ۸۲/۱۰/۷:

جمعی از خانواده‌های ایرانی با اجتماع در برابر دفتر سازمان ملل در بغداد، نجات فرزندان خود از دست گروهک تروریستی منافقین را خواستار شدند

«امروز برخی از خانواده‌های ایرانی که اعضای خانواده‌اونا، فریب سازمان منافقین رو خورده بودند درمقابل دفتر سازمان ملل متحد در بغداد تجمع کردند و خواستار بازگشت و دیدار با اعضای خانواده خود شدند».



روزنامه حکومتی قدس ۸۲/۱۰/۷:

۱۵۰۰ ایرانی درمقابل کاخ کنفرانسهای بغداد: فرزندانمان را از دست گروهک منافقین آزاد کنید

«تعدادی از آنان تأکید کردند: گروهک تروریستی منافقین با فریب و دادن وعده‌های دروغین به فرزندانمان، آنان را اغوا و گمراه کرده‌اند. ایرانیان اعلام کردند که فرزندانمان مایل به بازگشت به کشور هستند اما این گروهک تروریستی اجازه تصمیم‌گیری و بازگشت به آنان را نمی‌دهد».



روزنامه حکومتی خراسان ۸۲/۱۰/۷:

«... برخی از والدین اعضای فریب خورده گروهک منافقین گفتند: سالهاست که فرزندان خود را ندیده‌ایم... اما گروهک منافقین اجازه ندادند فرزندانمان به آغوش خانواده بازگردند».



سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۲/۱۲/۱۶:

ممانعت از بازگشت اعضای مجاهدین خلق

«به گزارش روزنامه «الحیات» چاپ لندن، برخی از خانواده‌های ایرانی که برای دیدار با فرزندان خود در پایگاه اشرف... به بغداد رفته‌اند، این سازمان را متهم کرده‌اند که از بازگشت فرزندان آنها به ایران ممانعت می‌کند. این خانواده‌ها چگونگی الحاق فرزندان خود به سازمان مجاهدین خلق را تشریح کردند و گفتند، به‌رغم شرایط

دشواری که فرزندان آنها این روزها در اردوگاه مجاهدین و در آستانه خارج کردن اعضا از عراق با آن روبه‌رو هستند، به آنها اجازه عزیمت به ایران داده نمی‌شود...»



سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۲/۱۲/۱۹:

مشاهدات برخی از خانواده‌های اعزامی به عراق در رابطه با دیدار با بستگان دربندشان

«... خانواده‌های اعضای فرقه تروریستی رجوی که با هماهنگی انجمن نجات برای یک اقدام انسانی جهت دیدار با بستگان دربند خود مستقر در قلعه اشرف و نیز تشویق آنان به بازگشت به وطن و آغوش پر مهر و محبت خانواده، به عراق اعزام شدند. در بازگشت به کشور و در گفتگو با نمایندگان انجمن نجات به طرح دیدگاهها و مشاهدات تراژیک تأسف برانگیزی پرداختند که ناشی از چگونگی برخورد مسئولین فرقه رجوی با آنان... بود. اعضای خانواده‌های اعزامی به عراق در گفتگو با نمایندگان انجمن نجات تأکید داشتند که برخورد مسئولین فرقه رجوی با آنان در قلعه اشرف، غیر انسانی و تحقیرآمیز بوده... اکثر خانواده‌ها با توجه به ارتباط به وجود آمده نیروها با دنیای بیرون از چهاردیواری قلعه اشرف در صورت استمرار ملاقاتها، قطعاً فضای ذهنی ساخته و پرداخته رجوی شکسته خواهد شد و فرزندان آنان در مواجهه با حقایق به آغوش وطن پر مهر خود باز خواهند گشت... انجمن نجات - شاخه آذربایجان».

سایت وزارت اطلاعات موسوم به ایران دیدبان ۸۲/۱۲/۲۲:



استمداد خانواده‌های مجاهدین از
مجامع بین‌المللی

«استمداد خانواده‌های مجاهدین از مجامع بین‌المللی - خبرگزاری ایرنا گزارش داد: جمعی از خانواده‌های اعضای مجاهدین روز دوشنبه در پایان یک گردهمایی در اصفهان طی دو نامه به سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی خواستار کمک این دو سازمان برای رهایی فرزندان خود از چنگ سازمان تروریستی مذکور شدند...»

سایت وزارت اطلاعات موسوم به ایران دیدبان ۸۲/۱۲/۲۸:

بی‌اطلاعی خانواده‌ی اعضای مجاهدین از سرنوشت فرزندانشان

«... هم‌اکنون ۵۰ تن از خانواده‌ی اعضای مجاهدین، که این گروه به فرزندان آنان اجازه‌ی ملاقات و بازگشت به ایران را نمی‌دهد در عراق به سر می‌برند تا شاید با مساعدت نظامیان آمریکا موفق به دیدار فرزندان‌شان گردند».



روزنامه‌ی المؤتمر ۸۳/۱/۵:

«گروهی از خانواده‌های ایرانی توانستند فرزندان‌شان را که به‌خاطر وابستگی‌شان به سازمان تروریستی مجاهدین خلق در بازداشت نیروهای ائتلاف هستند ملاقات کنند. این خانواده‌ها از دکتر احمد چلبی و رهبری کنگره ملی عراق که یک ماه قبل با آنها دیدار داشتند به‌خاطر تلاش‌شان جهت ایجاد تسهیلاتی در ملاقات فرزندان‌شان مراتب تشکر و تقدیر خودشان را ابراز نمودند...»

سایت وزارت اطلاعات به‌نام نجات ۸۳/۱/۲۵:

پخش پیام اعضای جداشده از مجاهدین توسط رادیو نجات

«منابع مطلع از درون خاک عراق گزارش می‌دهند صدای یک ایستگاه رادیویی موسوم به «نجات» که پیام‌های خانواده‌های اعضای فریب‌خورده‌ی گروه تروریستی مجاهدین را در خصوص جدایی از این گروه پخش می‌کند هم‌اکنون در بخش‌های مختلفی از خاک عراق به گوش می‌رسد. به گزارش سرویس دیپلماتیک خبرگزاری کار ایران، ایلنا، در مقطع سقوط صدام به‌عنوان مهمترین حامی این گروه تروریستی نیز رادیویی با نام «نجات» پیام‌های مشابهی را در درون خاک عراق پخش می‌کرد که منجر به جدایی ده‌ها تن از کادرهای مجاهدین شد...»

سایت وزارت اطلاعات به‌نام نجات ۸۳/۲/۱۳:

همایش انجمن نجات شاخه‌ی شیراز

«مدیرکل دادگستری استان فارس: تمام مسئولین امنیتی و قضایی و سیاسی در جهت کمک و نجات اعضای جداشده از گروه مجاهدین آمادگی کامل دارند...»

یکی از مسئولین این انجمن گفت: انجمن نجات در سال ۸۰ توسط جمعی از افرادی که از سازمان مجاهدین بازگشته بودند، با هدف نجات دادن افرادی که دربند این سازمان هستند، شروع به کار کرد. خانم صبوری افزود: پس از تشکیل این انجمن اولین تجمع خانواده‌های اشخاصی که دربند سازمان مجاهدین در عراق هستند، در سال ۸۱ در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران برگزار شد... وی اضافه کرد: از طریق انجمن نجات و با همکاری دولت زمینه اعزام خانواده‌ها به عراق و دیدار با فرزندان‌شان که دربند سازمان مجاهدین هستند، فراهم گردید و در ماه‌های تیر، مهر و دیماه این اعزام در قالب تعدادی اتوبوس صورت پذیرفت... ایشان افزودند با اخذ توافقات لازم این انجمن توانست در طی ماه‌های تیر، مهر و دی بیش از ۲۵۰۰ تن از خانواده‌های اعضای سازمان که فرزندان‌شان در عراق مستقر می‌باشند را به طرف قلعه اشرف گسیل نموده و با این اقدام سازمان در موضع انفعال قرار گرفت و مجبور شد با این خانواده‌ها اجازه ملاقات دهد و از این زمان بود که با درک متقابل اعضای مستقر در عراق از شرایط موجود ایران و قولهای مساعد مسئولین نظام مبنی بر عفو افرادی که شاکی خصوصی ندارند موجی از بحران در درون سازمان ایجاد شد...

دیگر سخنان این نشست آقای حسینعلی امیری مدیرکل دادگستری استان فارس بودند... ایشان اعلام کردند ما از هر کدام از عزیزانی که از سازمان مجاهدین جدا شده و به ایران بازگردند استقبال می‌کنیم... آقای امیری درباره انجمن نجات گفت این انجمن یکی از کارهای بسیار ارزشمند در جهت نجات انسانهایی است که تحت شرایطی راه خطا رفته‌اند و از اشتباه خود پشیمان گشته‌اند که کار این انجمن بسیار مقدس است».



روزنامه حکومتی خراسان و انتخاب ۸۳/۲/۱۹:

تجمع خانواده‌های اعضای منافقین در مقابل سفارت
سوئیس و انگلیس



«گروهی از اعضای خانواده‌های افراد گروهک منافقین صبح روز پنجشنبه با تجمع در مقابل سفارت سوئیس (حافظ منافع آمریکا در ایران) و سفارت انگلیس خواستار رهایی اعضای این گروهک از بند اشغالگران عراق و سران گروهک شدند...»



روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی ۸۳/۲/۱۹:

با برپایی تجمع اعتراضی درمقابل سفارتخانه‌های انگلیس و سوییس
خانواده‌های اعضای منافقین خواستار رهایی فرزندان‌شان از زندان رجوی و
اشغالگران عراق شدند...

«یک عضو سابق منافقین که در جمع تجمع کنندگان حضور داشت گفت:
سه هزار و ۸۰۰ نفر از اعضای این گروهک در عراق زندانی هستند.
به گفته وی هزار و ۵۰۰ نفر از این زندانیان را زنان تشکیل می‌دهند که مورد
شکنجه‌های سخت سران این گروهک در قرارگاه اشرف عراق قرار گرفته‌اند...
«انجمن نجات» افزود: بنا به شهادت صدها تن از افراد اسیر، پس از ملاقات با خانواده‌ها
توسط باند رجوی به زندان انداخته شده و تحت شدیدترین برخوردهای فیزیکی قرار
می‌گیرند به طوری که ساعتها با آنان صحبت کرده و آنها را تهدید می‌کنند تا به خانواده
خود فحاشی کرده و مانع از درخواست پدران و مادران برای آزادی آنان شوند...»

سایت نگاه نو وابسته به عامل وزارت اطلاعات جعفر بقال نژاد ۸۳/۲/۲۱:



تجمع خانواده‌های اعضای مجاهدین
در تهران

«... تظاهرکنندگان که پلاکاردهایی علیه سازمان مجاهدین خلق به همراه
داشتند، نامه‌ی را در این زمینه به مسئولان سفارتخانه‌های انگلستان و سوییس تحویل
دادند. تظاهرکنندگان اظهار می‌داشتند «سازمان مجاهدین خلق با توسل به زور و
تهدید، نزدیکان ایشان را که هم‌اکنون در اردوگاه نظامی اشرف در عراق به سر
می‌برند، به خدمت خود درآورده است و این افراد هم‌اکنون از هرگونه ایجاد ارتباط
با خانواده‌های خود منع شده‌اند...»

سایت نگاه نو وابسته به عامل وزارت اطلاعات جعفر بقال نژاد ۸۳/۲/۲۲:

خانواده مجاهدین مزدور جمهوری اسلامی

«گروه تروریستی مجاهدین در واکنش رسمی نسبت به تجمع ۲۰۰ تن از

خانواده‌های اعضای این گروه در برابر سفارت سوییس و انگلستان در تهران که به نمایندگی از سایر خانواده‌ها، خواستار آزادی فرزندانشان از قید و بند فرقه رجوی شدند، آنها را مزدوران جمهوری اسلامی خوانده و آن را یک نمایش از سوی وزارت اطلاعات توصیف کرد.»



سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۲/۲۷:

به نام نجات ارزشها و رهایی انسان

«به نام نجات ارزشها و رهایی انسان جوابیه‌ی است خطاب به رجال محترم شرکت کننده در کنفرانس مطبوعاتی روز سه‌شنبه مورخ چهارم می ۲۰۰۴ در پرس بیلدینگ واشنگتن D. C.

انجمن نجات ایران متشکل از ... افرادی که ... به مرور زمان پی برده‌اند که این سازمان جز به خیانت و نقض اصول نپرداخته و کوچکترین نفعی برای هموطنانمان نداشته است، از این رو با تحمل مشقات فراوان از MKO جدا شدند! بی شک ما کسانی بوده‌ایم که شانس زندگی را در کنار کشته‌شدگان بزرگی چون ابوذر ورداسبی (نویسنده و اقتصاددان که در جریان عملیات سازمان به طور مشکوک کشته شده است !!!) کسب نموده‌ایم ... در این خصوص می‌توان از جناب پروفیسور خالد بشیر میرزا از اعضای مشورتی بغداد که در آن گردهمایی حضور یافته بودند این نکته را سؤال نمود، آیا این یک نقض آشکار در دیدگاه اسلامی نمی‌باشد ... هم‌چنین با توجه به سخنان پروفیسور دوکارا، یادآور می‌شویم، اگر دولت پیشین عراق، مجاهدین را به عنوان یک مقاومت به رسمیت شناخته بود آیا در حال حاضر که این دولت به سبب تهدید روابط مسالمت آمیز و حقوق مردم خلع شده است، هم‌چنان دیدگاهها و سیاستهایش مشروع قلمداد می‌گردد؟! و به عنوان آخرین نکته به جناب پروفیسور کارث مندجس عرض می‌نمایم، کنگره ملی آفریقا و شخص نلسون ماندلا هرگز برای رسیدن به اهداف مقدس خود، به همراهی و همدستی با جنایتکار رسوایی چون صدام دست نزده بود ...»



سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۳/۱۰:

نامه به اتوشیلی

«به نام خدا جناب آقای اتوشیلی، وزیر محترم کشور آلمان... موقعیتی را فراهم آورید تا در برابر شنیدن سخنان غیر مستند و ظاهر فریب اعضای MKO، گوش شنوایی نیز از مطالب انجمن نجات داشته باشید. به امید آن روز. با تقدیم احترامات انجمن نجات».



سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۳/۲۷:

فراخوان انجمن نجات جهت شرکت در تجمع مقابل سفارت فرانسه در تهران

«وعده ما: ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز چهارشنبه ۸۳/۳/۲۷ مقابل سفارت فرانسه در تهران محاکمه مریم قجر و دیگر سران تروریست فرقه رجوی توسط فرانسه، گامی در راه آزادی فرزندانمان از بند فرقه رجوی در عراق است».



خبرگزاری رسمی رژیم ۸۳/۳/۲۷:

خانواده‌های عناصر گروهک منافقین در مقابل سفارت فرانسه تجمع کردند

«گروهی از اعضای خانواده‌های وابسته به عناصر گروهک منافقین روز چهارشنبه با تجمع در مقابل سفارت فرانسه در تهران، خواستار رسیدگی به وضعیت فرزندان خود و آزادی آنها از عراق شدند... این گزارش حاکیست که تجمع کنندگان با بیان این که فرزندان آنها که عضو گروهک منافقین هستند باید به ایران برگشته تا ضمن رهایی از دست تشکیلات مخوف گروهک منافقین، تعیین تکلیف شوند...»

رسانه‌های رژیم ۸۳/۳/۲۷:

با برپایی یک راهپیمایی بزرگ در بغداد مردم عراق خواستار اخراج منافقین از این کشور شدند

«هزاران نفر از مردم عراق دیروز در بغداد پایتخت این کشور با برگزاری یک راهپیمایی، خواستار خروج عناصر گروهک منافقین از این کشور و دفاع

از حقوق زندانیان سیاسی شدند. به گزارش خبرنگار ایرنا از بغداد، در بین زنان و مردان شرکت کننده در این راهپیمایی، رهبران احزاب سیاسی و سران عشایر عراق، حضور داشتند... سخنگوی رسمی گروه تماس زندانیان سیاسی عراق در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، هدف از برگزاری این راهپیمایی را مطالبه حقوق مادی و معنوی زندانیان عراقی و خانواده‌های آنها و اخراج گروهک تروریستی منافقین دانست...»

سایت وزارت اطلاعات به نام نجات ۸۳/۶/۴:

اعضای «انجمن نجات» اصفهان خواستار رهایی فرزندان شان از چنگ مجاهدین شدند

«گروهی از خانواده‌های عضو «انجمن نجات» شاخه اصفهان، با تهیه طومارهایی خواستار اعمال فشار مجامع بین‌المللی به سران گروه تروریستی مجاهدین، برای رهایی فرزندان شان از چنگ این گروه شدند.»



خبرگزاری حکومتی مهر ۸۳/۱۰/۳۰:

«۱۳ نفر دیگر از اعضای جدا شده از گروهک منافقین صبح امروز در هتل المپیک تهران به خانواده‌هایشان تحویل داده شدند... ربیعی یکی از مسئولان انجمن نجات که برای تلاش در جهت جدا شدن اعضای گروهک منافقین از این گروهک تروریستی تشکیل شده است طی سخنانی به تشریح خلاصه‌یی از فعالیتهای این انجمن پرداخته و از مسئولان وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه و صلیب سرخ تشکر کرد.»



